



چه نیروهایی علیه کدام نیروها به هم نزدیک می‌شوند؟

گزینه‌ی یک چهره‌ی نفتی و اقتصادی به عنوان وزیر امور خارجه‌ی دولت ترامپ، مانند انتخاب خودش به ریاست جمهوری آمریکا، نامنتظره بود. حدس و گمان‌ها درباره میت رامنی و جان بولتون با معرفی رکن تیلرسون یک بار دیگر نشان داد که در شرایط جدید می‌بایست منتظر انتخاب‌ها و انتصاب‌ها و رویدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر بیشتری بود که سرانجام پازل پیچیده‌ی سیاست‌های دولت جدید آمریکا را به ویژه در عرصه‌ی خارجی تکمیل خواهند کرد.

در این میان، به نظر می‌رسد معیارهای تا کنونی، چه در دوران جنگ سرد و چه در سه دهه‌ی پس از فروپاشی بلوک شرق، برای ارزیابی چشم‌انداز مبهم کنونی کافی و گویا به نظر نمی‌رسند. از جمله می‌توان به نکات و تأملات زیر اشاره کرد:

یک، جهانی که پس از به در آمدن از پیلای دو قطبی بودن، سال‌ها بلا تکلیف مانده و در جدال بین نیروهای اجتماعی و اقتصادی پیشرو و واپسگرا بیش از آن به خود مشغول بود که عطش ملی‌گرایانه را به عنوان یک پدیده‌ی خودجوش سیاسی و فرهنگی، در روند جهانی شدن به عنوان یک پدیده‌ی تحمیلی و ناگزیر اقتصادی، ببیند، امروز نزدیکی دو قطب سابق را به یکدیگر تجربه می‌کند.

دو، اگر در دوران جنگ سرد، ابرقدرت‌ها با تکیه بر «توافق»، مناسبات بین خود را تنظیم می‌کردند، در شرایط کنونی، نزدیکی آنها به صورت «اتلاف» و یا حتی «اتحاد»، جایی برای مانور کشورهای ضعیف‌تر باقی نمی‌گذارد. از این «اتلاف» یا «اتحاد» بوی خوشی برای کشورهای که داعیه‌ی «اقتدار» دارند، به مشام نمی‌رسد. به نظر می‌رسد کشورهای ضعیف و ضعیف‌تر بیشتر در امان بمانند.

سه، جهان یک‌قطبی ابرقدرت‌ها، چنانچه شکل بگیرد، فقط بر زمینه‌ی تقسیم مجدد منابع اقتصادی جهان ممکن خواهد بود که به دلیل جهانی شدن، نیروی کار شناور و بازارهای مصرف میلیونی، در آن نقش اساسی بازی می‌کنند. اگر پیشرفت سرسام‌آور تکنولوژی را نیز بر آنها بیفزاییم، آنگاه عواملی وارد محاسبات می‌شوند که برخی ابعاد آن در حال حاضر ناشناخته هستند.

چهار، اگر مانند آنچه در آمریکا روی داد، قرار باشد محافل اقتصادی عظیم از پشت صحنه‌ی سیاست به روی صحنه بیایند و اقتصاد بر مسند سیاست نیز تکیه زند، فقط باید منتظر ماند و دید آیا اوضاع با این تلفیق نقش‌ها بهتر خواهد شد یا بدتر.

این همه برای ایران چه معنی خواهد داشت؟ آیا نزدیکی آمریکا و روسیه به سود جمهوری اسلامی تمام خواهد شد؟ یا اینکه هر دو ابرقدرت کنونی در کنار کشورهای قدرتمند دیگر مانند چین و برخی کشورهای اروپا مجبور می‌شوند تن‌شان را از گرد و خاک رژیم‌هایی مانند حکومت ایران بکنانند؟ سیاست جهانی به هر سو که برود، همواره نیروهایی علیه نیروهای دیگر به هم نزدیک می‌شوند. خوشا به حال مردمانی که ساکنان اران کشورشان می‌توانند آنها را به سلامت و با کمترین هزینه از چهارراه‌های تاریخ و سرنوشت عبور دهند.

ترکیب «تیلرسون - بولتون» و نگرانی حکومت تهران از تجدید «بازی بزرگ»

● سیاست خارجی آمریکا در دوران رییس جمهوری دونالد ترامپ مراحل تاریخ‌ساز و بحث‌انگیزی را پیش رو دارد که پس از یک دوره ۸ ساله‌ی انفعالی، نقش آمریکارادر برخورد با بحران‌های منطقه‌ای پررنگ‌تر خواهد کرد.
 ● به نظر می‌رسد دولت ترامپ یک سیاست خارجی متفاوت با اوباما در پیش خواهد گرفت که غیر متعارف و تهاجمی خواهد بود و به این دلیل نتایج عملکرد آن پیش‌بینی‌ناپذیر است.



با حضور هنری کیسینجر در منصب مشاور امنیت ملی کاخ سفید، آمریکا مسیر ورود چین کمونیست را به عرصه مناسبات بین‌الملل گشود. دونالد ترامپ پیش از معرفی نامزد

نیکسون، سی و هفتمین رییس جمهوری آن کشور، تحت تأثیر رهنمودها و مداخله مستقیم کاخ سفید قرار می‌گیرد. در دوران ریاست جمهوری نیکسون،

سرویس سیاسی کیهان:

با معرفی رکن تیلرسون به عنوان نامزد پست وزیر خارجه در دولت دونالد ترامپ، سیاست خارجی آمریکا برای نخستین بار پس از ریچارد

زوزه‌ی گرگ‌ها در فوتبال جمهوری اسلامی آلوده به تجزیه‌طلبی است



مسابقه فوتبال میان دو تیم استقلال و تراکتورسازی تبریز که نوزدهم آذرماه ۹۵ در ورزشگاه آزادی برگزار شد با حاشیه‌هایی روبرو شد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در این مسابقه تعداد قابل توجهی از هواداران تیم تراکتورسازی تبریز با سردادن شعارهایی ضد ایران و تمامیت ارضی، و همچنین شعار بی ربط «خلیج عربی» پرچم بی‌ربط‌تر جمهوری آذربایجان را برافراشتند و صدای زوزه‌ی گرگ را که نماد پان‌ترک‌هاست سر دادند. آنها همچنین اقدام به خواندن سرود فرقه دموکرات آذربایجان کردند. در صفحه ۲

چشم‌انداز مبهم آینده: با حضور چند قدرت جهانی، سلطه آمریکا تا سال ۲۰۳۰ پایان خواهد یافت

در این شماره می‌خوانید:

- صفحه ۳ ● احتمال مخالفت ترامپ با سند همکاری بوئینگ و ایران‌ایر
- صفحه ۴ ● قفل ترافیک تهران با بیانیه باز نمی‌شود
- صفحه ۵ ● بیان خشونت علیه روزنامه‌نگاران در سال ۲۰۱۶
- صفحه ۶ ● شهبانو فرح: می‌خواهم نسل‌های آینده مرا به عنوان کسی بشناسند که ملت‌اش را بیش از همه چیز و هر چیز دوست می‌داشت
- صفحه ۷ ● کانادا در سال ۲۰۱۷ سیصد هزار پناهنده و مهاجر می‌پذیرد
- صفحات ۸ و ۹ ● «زن روز» و «مرد روز»
- صفحه ۱۲ ● در همسایگی‌های ما - داریوش همایون
- صفحه ۱۳ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۴ ● حاجی بابا صفه‌های در انگلستان
- صفحه ۱۵ ● بازداشت پنج درویش گنابادی
- کشف گوردسته جمعی در تبریز و مسوولیت رژیم در حقیقت‌یابی

دکتر کاظم فتاحیان به ابدیت پیوست
 با نهایت تأسف درگذشت
کاظم فتاحیان
 انسانی والا و ارزشمند، وکیل دادگستری و از همکاران کتابخانه مطالعات ایرانی را به اطلاع می‌رساند.
 ضمن تسلیت به فرزندان و دوستان فراوانش به آگاهی می‌رساند که مراسم یادبودش از ساعت ۶ تا ۸ بعد از ظهر روز جمعه ۲۳ دسامبر در محل زیر برگزار می‌شود:
 Central Library, Kensington Town Hall
 Horton Street, London W8 7NX
دکتر ماشاءالله آجودانی، دکتر عبدالکریم انواری، دکتر عبدالکریم لاهیجی، دکتر هدایت متین‌دفتری، دکتر یوسف ملک

قرعه‌کشی لیگ قهرمانان فوتبال آسیا
 شب پُر شکوه کریس با توپ طلای چهارم
 تیم تکواندو آذربایجان با مربی ایرانی
 قهرمان جهان شد
 گزارش می‌لارن منتشر شد
 دوپینگ مدال اوران روسی در سی رشته المپیک با حمایت دولت
 خودسوزی، خودکشی و تن‌فروشی
 پیامدهای ازدواج زودرس در ایران
 در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684 Fax: 0044(0)20 3633 3685
شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید:
کیهان. کیهان لندن. کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید
 www.kayhan.london email: ads@kayhan.london

ترکیب «تیلرسون - بولتون» و نگرانی حکومت تهران از تجدید «بازی بزرگ»

● سیاست خارجی آمریکا در دوران رییس جمهوری دونالد ترامپ مراحل تاریخ ساز و بحث انگیزی را پیش رو دارد که پس از یک دوره ۸ ساله انفعالی، نقش آمریکا را در برخورد با بحران های منطقه ای پررنگ تر خواهد کرد.

● به نظر می رسد دولت ترامپ یک سیاست خارجی متفاوت با اوباما در پیش خواهد گرفت که غیر متعارف و تهاجمی خواهد بود و به این دلیل نتایج عملکرد آن پیش بینی ناپذیر است.

یک وزیر نظامی دیگر در پست وزارت خارجه، شاید دولت ترامپ را به کابینه جنگی شبیه می ساخت.



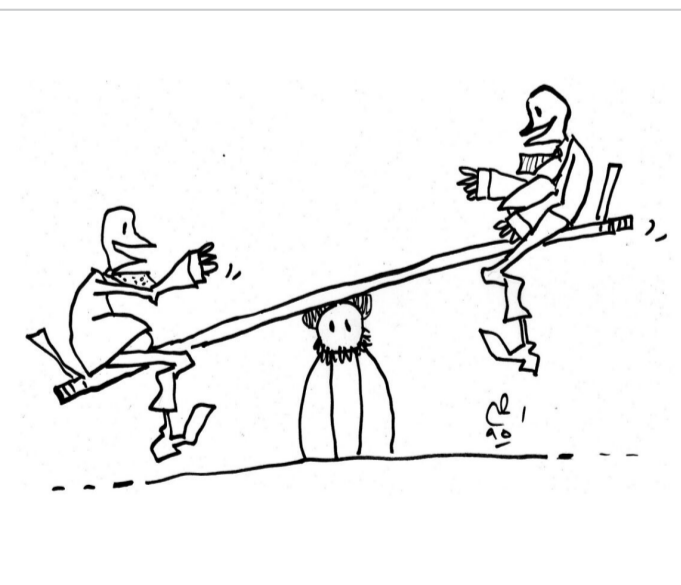
تیلرسون و بوتین ۱۲ ژوئن ۲۰۱۲ در مسکو

در یاسالار مایک راجرز، مدیر سازمان ملی اطلاعات، رییس یکی از مهمترین و حساس ترین سازمان های اطلاعاتی آمریکا خواهد شد. وزیر امنیت داخلی دونالد ترامپ، ژنرال بازنشسته جان کلی است که پیشتر استقرار زندانیان امنیتی را در گوانتانامو سرپرستی کرده بود.

ژنرال مایک فلین، نخستین انتخاب ترامپ در جمع همکاران سیاسی - نظامی و امنیتی رییس جمهوری منتخب بود که به عنوان مشاور ارشد از اعتماد کامل او برخوردار است. به این دلیل ساده نقش مایک فلین را در روند سیاست خارجی آمریکا می توان قابل مقایسه با نقش کیسینجر در دولت نیکسون، برزیسکی در دولت کارتر و خانم رایس در دولت جرج بوش پسر مقایسه کرد.

سیاست خارجی ترامپ، متفاوت با اوباما، غیر متعارف و تهاجمی خواهد بود و به این دلیل نتایج آن پیش بینی ناپذیر است. انتقاد روز چهارشنبه هنری کیسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا از انجام تماس تلفنی ترامپ با رییس جمهوری تایوان، تقابل دو نگاه قراردادی و غیر قراردادی را در روند مناسبات خارجی آمریکا منعکس می سازد.

اولویت های سیاست خارجی ترامپ



سیاست خارجی آمریکا در دوران ترامپ متأثر از محتوای مناظره ها و شعارهای انتخاباتی او خواهد بود: حفظ منافع و امنیت ملی آمریکا مقدم بر هر نوع ملاحظات دیگر. در رابطه با آمیختن هدف های تجارت خارجی و سیاست، ترامپ حتی قبل از ورود به کاخ سفید از راه تحریک و تهدید غیر مستقیم چین که همراه کانادا، مکزیک و اتحادیه اروپا یکی از چهار طرف بزرگ تجارت خارجی آمریکا به شمار می رود، مواضع خود را کاملاً روشن ساخته است. در چارچوب ملاحظات امنیتی،

با معرفی رکز تیلرسون به عنوان نامزد پست وزیر خارجه در دولت دونالد ترامپ، سیاست خارجی آمریکا برای نخستین بار پس از ریچارد نیکسون، سی و هفتمین رییس جمهوری آن کشور، تحت تاثیر رهنمودها و مداخله مستقیم کاخ سفید قرار می گیرد.

در دوران ریاست جمهوری نیکسون، با حضور هنری کیسینجر در منصب مشاور امنیت ملی کاخ سفید، آمریکا مسیر ورود چین کمونیست را به عرصه مناسبات بین الملل گشود.

دونالد ترامپ پیش از معرفی نامزد پست وزیر خارجه خود، با رییس جمهوری تایوان که چین مدعی مالکیت آن است، تلفنی گفتگو کرد و با این اقدام ضمن تحریک رهبران پکن، به یک سنت چهل ساله دیپلماتیک آمریکا مبنی بر داشتن مناسبات رسمی و پذیرفتن تنها یک کشور به نام چین پشت کرد.

مشاور امنیت ملی کاخ سفید در دولت ترامپ، ژنرال سابق، مایکل فلین است با سابقه فراوان در امور امنیت ملی آمریکا و دیدگاه های روشن و مشخص پیرامون اسلام گرایی افراطی و بحران های منطقه ای.

سیاست خارجی دولت های آمریکا، علاوه بر شورای امنیت ملی، با اشتراک مساعی سازمان اطلاعات مرکزی (سی آی ای) و وزارت دفاع آن کشور تدوین و هدایت می شود که در دولت ترامپ تصدی وزارتخانه اخیر را ژنرال جیمز متیس خواهد داشت؛ فرمانده نظامی کارکشته ای با تجارب قابل ملاحظه ای جنگی در افغانستان و عراق و آشنایی نزدیک با بازیگران سیاسی و امنیتی منطقه، از جمله جمهوری اسلامی.

به دلیل سوابق کاری متفاوت رکز تیلرسون در مناسبات بین الملل، می توان انتظار قوی داشت که هدایت سیاست خارجی آمریکا در وزارت خارجه به جان بولتون - نفر شماره ۲ و معاون ارشد پیشنهادی وزیر سرپرده شود. معرفی رسانه ای جان بولتون به عنوان نفر دوم وزارت خارجه آمریکا را پیش از معرفی نفر اول، علاوه بر اهمیت دادن به نقش او در وزارت خارجه می توان نشانه توافق و پیش شرط انتصاب رکز تیلرسون تلقی کرد.

جان بولتون برای احراز مقام شماره ۲ در وزارت خارجه نیازمند موافقت مجلس سنا نیست - وی در دولت جرج بوش پسر و تا سال ۲۰۰۶ به مدت ۱۶ ماه بدون داشتن رای موافق سنا، مقام نمایندگی آمریکا در سازمان ملل را بر عهده داشت و در سال ۲۰۱۲ به عنوان مشاور سیاسی میت رامنی و در انتخابات ریاست جمهوری اخیر مدت کوتاهی به عنوان مشاور سیاست خارجی سناتور تد کروز از ایالت تگزاس مشغول بود.

مشاور امنیت ملی و ژنرال های ترامپ

سیاست خارجی آمریکا در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ مراحل تاریخ ساز و بحث انگیزی را طی خواهد کرد و می توان پیش بینی کرد پس از یک دوره ۸ ساله انفعالی، نقش آمریکا در برخورد با بحران های منطقه ای بسیار پررنگ تر از پیش شود.

پیش از معرفی تیلرسون به عنوان نامزد نهایی احراز پست وزارت خارجه، دو ژنرال، از جمله دیوید پترایس، در کنار نامزد های دیگر این مقام که از نظر اهمیت قابل مقایسه با منصب معاونت رییس جمهوری در آمریکاست، قرار داشتند.

شمار قابلی از نظامیان هم اکنون در جرم اعضای دولت و همکاران ارشد ترامپ دیده می شوند و انتصاب

زوزه گرگ ها در فوتبال جمهوری اسلامی آلوده به تجزیه طلبی است

● تجزیه طلبان در استادیوم آزادی تهران در شرایطی علیه امنیت ملی و یکپارچگی کشور شعار داده و سرسپردگی آشکار خود به بیگانگان و کشورهای خارجی را به نمایش گذاشتند که دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی هفته ای نیست که فعالان مدنی و سیاسی را با اتهام واهی «اقدام علیه امنیت ملی» روانه زندان نکند

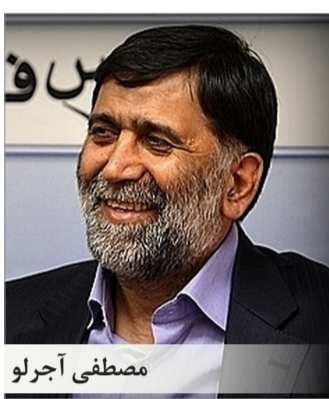
اسلامی، فراکسیون مناطق ترک نشین راه می اندازند و بر طبل جدایی و تبعیض بیشتر بین مردمی می کوبند که به هر حال به دلیل سیاست های ناخردانه جمهوری اسلامی از یکدیگر پراکنده اند، و از سوی دیگر می توانند امکاناتی برای تیم تراکتورسازی ایجاد کنند که هواداران اش تبدیل به ابزار دست دشمنان یکپارچگی ایران شوند.

از جمله افرادی با این دیدگاه که به سطوح بالای امنیتی رژیم ایران راه یافته اند می توان به محمدحسین صدیق، از دوستان نزدیک حسن خمینی و مسئول نشر آثار آیت الله خمینی به زبان ترکی در «مرکز نشر آثار امام» اشاره کرد که اقدام به شکایت از روزنامه نگارانی کرده است که در نقد فعالیت تجزیه طلبان در ایران مطلب نوشته اند. عباس سلیمی نمین از چهره های امنیتی جمهوری اسلامی و مدیر «دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران» یکی دیگر از این افراد است که این رویداد جدید باعث شد، عوامل قوم گرا، اعم از چپ و راست، که متعلق به حوزه فکری قفقاز بودند بهتر بتوانند فعالیت کنند. آموزه های متعلق به حوزه

جمهوری آذربایجان آن مقدار در جهت حذف همه نشانه ها و عناصر ملیت ایرانی مهیا شده بودند که بتوانند کادربانی مناسب با این ایده فراهم کنند و منتظر فرصت مناسب بنشینند. از سال ۷۶ و انتخاب محمد خاتمی به عنوان رییس جمهور، جناح به اصطلاح «چپ» که به اصلاح طلبان مشهور شد، در رقابت های اعلام نشده با جریان های نه چندان قوی لیبرال و ملی، تلاش کردند مطالبات ملی و سراسری را به صورت تحریف شده به مطالبات محلی تبدیل و در واقع کاهش دهند. این مطالبه سازی با پروژه های هیت سازی که در دستور کار همسایگانی چون ترکیه بود همخوانی داشت.

به این ترتیب در شرایطی که آگاهی ملی، در دوران پس از جنگ هشت ساله، صدمه و ضربه اساسی دیده است، نفوذ افرادی با گرایش های قومی در ارگان های رسمی عملاً فضا را مهیا کرد تا افراد فرصت طلب بتوانند کسانی را که از این فرآیند متأثر شده اند بسیج کنند. این مطالبات اما با توجه به عملی کردن برخی خواست های پیش پا افتاده ی زبانی، مانند انتشار روزنامه و... باقی ماند تا احمدی نژاد با سفرهای استانی

ایران و نمادهای آن به اندازه ای بود که خلخالی قاضی القضاات جمهوری اسلامی حتی قصد ویرانی تخت جمشید کرد. دو گانه ملت - امت و تقابل آنها با یکدیگر تبدیل به آموزه و برنامه رسمی نظام شد، به همین دلیل طبیعی بود که تمام عناصر متعلق به امر ملی مورد بی مهری واقع شود، از



مصطفی آجرلو

جمله زبان فارسی و تاریخ چندین هزارساله و هویت ملی و فرهنگی... این رویداد جدید باعث شد، عوامل قوم گرا، اعم از چپ و راست، که متعلق به حوزه فکری قفقاز بودند بهتر بتوانند فعالیت کنند. آموزه های متعلق به حوزه

جمهوری آذربایجان آن مقدار در جهت حذف همه نشانه ها و عناصر ملیت ایرانی مهیا شده بودند که بتوانند کادربانی مناسب با این ایده فراهم کنند و منتظر فرصت مناسب بنشینند. از سال ۷۶ و انتخاب محمد خاتمی به عنوان رییس جمهور، جناح به اصطلاح «چپ» که به اصلاح طلبان مشهور شد، در رقابت های اعلام نشده با جریان های نه چندان قوی لیبرال و ملی، تلاش کردند مطالبات ملی و سراسری را به صورت تحریف شده به مطالبات محلی تبدیل و در واقع کاهش دهند. این مطالبه سازی با پروژه های هیت سازی که در دستور کار همسایگانی چون ترکیه بود همخوانی داشت.

به این ترتیب در شرایطی که آگاهی ملی، در دوران پس از جنگ هشت ساله، صدمه و ضربه اساسی دیده است، نفوذ افرادی با گرایش های قومی در ارگان های رسمی عملاً فضا را مهیا کرد تا افراد فرصت طلب بتوانند کسانی را که از این فرآیند متأثر شده اند بسیج کنند. این مطالبات اما با توجه به عملی کردن برخی خواست های پیش پا افتاده ی زبانی، مانند انتشار روزنامه و... باقی ماند تا احمدی نژاد با سفرهای استانی

از صفحه ۱
پیشتر نیز در بازی های تراکتورسازی تبریز چنین اقداماتی از سوی هواداران این تیم ورزشی رخ داده که با واکنش دیگر تماشاچیان حاضر در ورزشگاه، ورزشکاران و مربیان از جمله علی دایی، هنرمندان و تعدادی زیادی از مردم روبرو شد. در این میان واکنش مورد انتظار، یعنی واکنش مسئولان ورزشی، فدراسیون فوتبال، نهادهای سازمان های امنیتی و دولت هیچ خبری نبوده است. نکته قابل توجه اینست که تیم تراکتورسازی متعلق به سپاه عاشوراست و مصطفی آجرلو یکی از چهره های امنیتی سپاه پاسداران، مدیر عامل این تیم است. به بیان دیگر در حالی فعالان تجزیه طلب در تیم تراکتورسازی و در قالب طرفدار به راحتی به ورزشگاه می آیند، بنر «آذربایجان جنوبی ایران نیست» به دست می گیرند و شعارهای تجزیه طلبانه سر می دهند که این تیم متعلق به یکی از امنیتی ترین نهادهای جمهوری اسلامی است؛ نهادی که مدعی است برای تامین امنیتی ملی کشور در خارج از مرزهای ایران در عراق و سوریه وارد جنگ و عملیات نظامی شده است.

ریشه های تاریخی یک تحریف هدفمند

گذشته از چگونگی به وجود آوردن «جمهوری آذربایجان»، تاریخ به ما می گوید در استان آذربایجان، بعد از حوادث مشروطه که در آن ایران گرای محوری اصلی و سعادت ایران مسئله بود، در درون آتش جنگ جهانی دوم، فرقه دموکرات توانست بر خلاف مصالح ایران و وحدت ملی گام بردارد. در عین حال اسناد نشان می دهد که کارگزاران و عوامل آن جدایی طلبی هدفمند، از «دایی یوسف» استالین و میرجعفر یاقراق برپا، فرمان و دستور می گرفتند. آن غائله قبل از رسیدن ارتش ملی و به همت اهالی منطقه و وطن خواهان خاموش شد و عوامل استالین کمتر از یک سال نتوانستند با تکیه بر قدرت

ارتش سرخ و فداییان قفقاز بر آذربایجان فرمان برانند. به نظر می رسد قبل از انقلاب سال ۵۷ آگاهی مناسب نسبت به این حادثه و ریشه ها و نگاه آن غائله وجود داشت و توجه می شد که کانون آن خود که بیرون از مرزهای ایران قرار داشت کاملاً از بین نرفته است.

جمهوری اسلامی با ایدئولوژی انترناسیونالیستی

نگاه بخشی از نیروهای مشارکت کننده در انقلاب ۵۷، معطوف به یک ایدئولوژی انترناسیونالیستی بود که بسیاری از گزراه ها و باورهای خود را از اندیشه چپ گرفته بود. یک اسلام گرایی با ادبیات انقلابی چپ که به طور مشخص در تمایز با روحانیت سنتی قرار می گرفت. روحانیتی که مشروعیت خود را از مشروعیت می گرفت و برای شاه شیعیان دعا می خواند و سلامتی او را خواهان بود. این روحانیت اما مجلس شورای ملی و نهادهای مدرن مدنی را نیز پذیرفته بود. انقلاب ۵۷ اما با آموزه هایی همراه بود که آنها را از چپ تقلید کرده بود. مبارزه با سرمایه داری - و در واقع با بورژوازی ملی - جنگ با ناسیونالیسم که به گمان آنها مانع حرکت مترقیانه جامعه به سوی سوسیالیسم و اتحاد جهانی می شد و مخالفت با مشروطه و سلطنت.

ریشه های تحریف واقعیات تاریخی و حتی جغرافیایی در انقلاب ۵۷ با دو ایدئولوژی اسلامی و چپ که ظاهراً مخالف یکدیگر بودند، سیراب شد و با تثبیت جمهوری اسلامی به صورت برنامه ریزی شده و سازمان یافته در همه جا به پیش برده شد: از دیستان و دبیرستان و دانشگاه تا رادیو و تلویزیون و مطبوعات. در تمام نزدیک به چهار دهه ی گذشته، سعی شد حافظه تاریخی تاحد ممکن منحرف و واقعیات تاریخی به شکل دیگری نمایش داده شوند. جمهوری اسلامی شروع کرد تا تاریخ را از نو بنویسد. تاریخ واقعی ایران و هر آنچه در اسناد و نقشه ها و تحقیقات آمده است، دستمایه تحقیر شد. کینه از تاریخ



و پوشیدن لباس های محلی آن را به مضحکه تبدیل کند و روحانی هم وعده ی «آموزش به زبان مادری» را تکرار کند. هیچ کدام از این حرکات و این ظرفیت ها از چشم همسایگان دور و نزدیک ایران پنهان نماند. امروز مسئله ابعاد خطرناک تری پیدا کرده است و این را در التهاب خاموش نشدنی منطقه که با جنگ سوریه بیشتر گر گرفته است می توان دید.

کامروایی تجزیه طلبان

اکنون افرادی که آلوده به تفکر قوم گرایی و اقتدار قومی هستند در بسیاری از سطوح جمهوری اسلامی خود را نشان می دهند. از یک سوی در مجلس شورای

قانونی شدن تمدید تحریم‌های ده ساله آمریکا علیه ایران بدون امضای اوباما



تایید و یا وتو کند. در صورت وتوی یک قانون از سوی رییس‌جمهوری آمریکا، در صورتی که بیش از دو سوم نمایندگان کنگره به شکستن وتو رای دهند، آن طرح با وجود مخالفت رییس‌جمهوری به قانون تبدیل می‌شود.

به گزارش آسوشیتد پرس، جاش ارنست سخنگوی کاخ سفید، در بیانیه‌ای اعلام کرد: «اوباما تصمیم گرفت که اجازه دهد که این طرح بدون امضای وی به قانون تبدیل شود.»

ارنست خاطر نشان کرد: «دولت اوباما بیشتر اعلام کرده بود که اگرچه تحریم‌ها علیه ایران ضروری نیست ولی توافق برجام را نیز نقض نمی‌کند و مطابق تعهدات دولت آمریکا در چارچوب برجام است.»

مجلس سنای آمریکا یازدهم آذر ماه با ۹۹ رای مثبت و بدون هیچ رای مخالف طرح تمدید ۱۰ ساله قانون تحریم‌های ایران را تصویب کردند. این طرح برای تبدیل شدن به قانون برای باراک اوباما، رییس‌جمهوری آمریکا ارسال شده بود. اولین بار قانون تحریم‌های آمریکا علیه ایران در سال ۱۹۹۶ به منظور جلوگیری

● جاش ارنست سخنگوی کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرد: اوباما تصمیم گرفت اجازه دهد طرح تحریم‌های آمریکا علیه ایران بدون امضای وی به قانون تبدیل شود

● دولت اوباما پیشتر اعلام کرده بود که اگرچه تحریم‌ها علیه ایران ضروری نیست ولی توافق برجام را نیز نقض نمی‌کند

تمدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران بدون امضای باراک اوباما، رییس‌جمهور فعلی آمریکا، تبدیل به قانون شد. اگرچه کاخ سفید اعلام کرده بود که انتظار می‌رود، اوباما طرح ۱۰ ساله تمدید تحریم‌های آمریکا را وتو کند اما مهلت اعلام شده به پایان رسید و این طرح بدون امضای وی به قانون تبدیل شد.

بر اساس قانون اساسی آمریکا، رییس‌جمهوری پس از تصویب یک طرح در کنگره، ۱۰ روز فرصت دارد تا آن را

موضع نرم سخنگوی کاخ سفید در برابر واکنش روحانی نسبت به ساخت کشتی‌هایی با سوخت هسته‌ای



جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید

هدف خود رسیده‌اند و نگرانی دیگری در مورد سایر فعالیت‌های فن‌آوری ایران ندارند.»

از سوی دیگر جان کربی سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا نیز گفت: «آمریکا اطمینان دارد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که مسوول نظارت بر سایت‌های هسته‌ای ایران است قادر به بررسی پایبندی ایران به توافق هسته‌ای خواهد بود.»

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا افزود: «خیلی موارد است که ما از آن بی‌خبریم، اما استفاده از فن‌آوری هسته‌ای در بخش دریایی نیازمند دستیابی به توانمندی‌های زیادی است که ممکن است ده‌ها طول بکشد.»

از سوی دیگر یک منبع آگاه در وزارت امور خارجه روسیه نیز گفت: «از دستورات روحانی این موضوع آشکار است که این تصمیمات بر پایه گسترش توانمندی‌های دریایی ایران بر اساس فناوری‌های هسته‌ای است و نه غنی‌سازی بیش از حد مجاز.»

همزمانی خبر تصمیم ایران برای ساخت کشتی‌های مجهز به سوخت هسته‌ای با امضای لایحه ایسا از سوی اوباما تصادفی نبوده است، گفت: اوباما از ابتدا اعلام کرده بود که حاضر به امضا لایحه‌ای که در تعارض با تعهدات آمریکا در قبال برجام باشد نخواهد شد و گفته بود که امضا این لایحه نقض تعهدات کشورش در چهارچوب این توافقنامه محسوب نمی‌شود.

جاش ارنست همچنین گفت: «بیانیه رییس‌جمهور ایران در تضاد با توافق بین‌المللی برای محدودیت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نیست.»

در پاسخ به این سوال که اقدامات تلافی‌جویانه ایران نسبت به تصمیم‌های کنگره آمریکا موجبات نگرانی واشنگتن نمی‌شود، افزود: «هدف اصلی آمریکا و کشور های ۵+۱ از گفت‌وگوهای هسته‌ای بازداشتن ایران از دستیابی به سلاح هسته‌ای بوده که با این توافقنامه به

● سخنگوی کاخ سفید در واکنش به دستور روحانی برای ساخت پیش‌براه‌های هسته‌ای، این اقدام را نقض توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی ندانست

● یک منبع آگاه در وزارت امور خارجه روسیه: این تصمیمات بر پایه گسترش توانمندی‌های دریایی ایران بر اساس فناوری‌های هسته‌ای است و نه غنی‌سازی بیش از حد مجاز

جاش ارنست، سخنگوی کاخ سفید در واکنش به دستور رییس‌جمهور اسلامی ایران برای ساخت پیش‌براه‌های هسته‌ای اعلام کرد: این اقدام توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی را نقض نمی‌کند.

حسن روحانی در واکنش به تمدید تحریم‌ها از سوی آمریکا، و به قول خودش «همال، تغلل و نقض برجام»، دستورهای جداگانه‌ای را خطاب به وزیر امور خارجه و رییس سازمان انرژی اتمی ایران صادر کرده تا پیگیری‌های حقوقی و بین‌المللی را در دستور کار خود قرار دهند و به سازمان انرژی اتمی دستور داده تا «برنامه ریزی برای طراحی و ساخت پیش‌براه‌های هسته‌ای جهت بهره‌گیری در حوزه حمل و نقل دریایی» و «مطالعه و طراحی و تولید سوخت مصرفی پیش‌براه‌های هسته‌ای» را آغاز کند.

به گزارش رویترز، سخنگوی کاخ سفید نیز بلافاصله در واکنش به این دستور و در نشست خبری روز سه‌شنبه خود با اشاره به اینکه

افشای نافرمانی مذاکرات ایران و ترکیه بر سر صلح در سوریه در سال ۲۰۱۳



● گروه بین‌المللی «بحران» از مذاکرات محرمانه ایران و ترکیه درباره پیشنهادات آتش‌بس در سوریه در سپتامبر سال ۲۰۱۳ خبر داده که این مذاکرات درست سه ماه پس از انتخاب حسن روحانی به عنوان رییس‌جمهور صورت گرفته و در نهایت شکست خورده است

● گاردین: در این طرح پیشنهاد داده شده بود که انتخابات ریاست جمهوری و مجلس سوریه تحت نظارت سازمان ملل انجام شود. به گفته محمد جواد ظریف این بند نهایی سبب شکست توافق نهایی مذاکرات دو کشور شد

گروه بین‌المللی «بحران» از مذاکرات محرمانه ایران و ترکیه درباره پیشنهادات آتش‌بس و صلح در سوریه در سپتامبر سال ۲۰۱۳ خبر داده. این مذاکرات درست سه ماه پس از انتخاب حسن روحانی به عنوان رییس‌جمهور صورت گرفته و در نهایت شکست خورده است.

به گزارش گاردین، مذاکرات در سطح مقامات وزیران خارجه دو کشور در آن زمان به علت سوء ظن متقابل نافرمان ماند.

گروه بین‌المللی «بحران» در گزارشی که در این مورد منتشر کرده است، نوشت: مذاکرات تهران و آنکارا به عنوان آخرین تلاش‌های دیپلماتیک برای توقف جنگ داخلی در سوریه بوده؛ جنگی که در طول ۶ سال گذشته جان بیش از نیم میلیون نفر را گرفته است.

بر اساس این گزارش در آن سال، تهران پیشنهاد طرحی برای صلح در سوریه را به آنکارا ارائه کرد به شرط ایجاد دولت وحدت ملی و اصلاح قانون اساسی با هدف ایجاد محدودیت قدرت رئیس‌جمهور سوریه. این طرح با مشورت قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، تنظیم شده بود. گاردین در این مورد می‌نویسد: «از همه مهمتر اینکه در این طرح پیشنهاد داده شده بود که انتخابات ریاست جمهوری و مجلس سوریه تحت نظارت سازمان ملل انجام شود. به گفته محمد جواد ظریف این بند نهایی سبب شکست توافق نهایی مذاکرات دو کشور شد.»

وی در این زمینه گفت: «ما روی همه جزئیات این طرح توافق کردیم، به غیر از بند نهایی که خواستار برگزاری انتخابات زیر نظر سازمان ملل بود.»

بر اساس این گزارش، دومین فرصت مذاکرات بین تهران و آنکارا پس از کودتای نافرمان ترکیه انجام شد که با اعلام حمایت فوری ایران از رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه روابط دو کشور به گرمی گرایید و همین امر سبب از سرگیری مذاکرات درباره سوریه شد. در همین زمان، پیشروی نیروهای کرد در شمال سوریه منجر به آشتی و نزدیک شدن آنکارا و مسکو نیز شد.

این گزارش همچنین تأکید می‌کند: «ایرانی‌ها از اینکه ترکیه با وجود حضور یک مقام ایرانی در آنکارا یک روز قبل از شروع این عملیات آنها را در جریان آن قرار نداد، شگفت‌زده شده بودند.»

همچنین در این گزارش آمده است: «هرچند ایران و ترکیه هنوز درباره سرنوشت اسد اختلاف نظر دارند اما گفت‌وگوهای خود را بر موضوعات دیگر متمرکز کرده‌اند از جمله چگونگی نهاد ریاست جمهوری یا انتخابات پارلمان چگونه باید برگزار شود و به صورت کلی اینکه به اشتراک گذاشتن قدرت در سوریه از چه راهی امکان‌پذیر است.»

وی همچنین افزود: «هرچنان ترکیه تصمیم داشتند که اسد از شرکت در انتخابات کنار گذاشته شود.»

وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران گفت: «من این نکته را طرح کردم که در یک انتخابات با نظارت بین‌المللی، جایی برای این نگرانی نیست، اما داوود اوغلو این خواسته مرا قبول نکرد و تلاش ما ناکام ماند. به ویژه مقامات ترکیه معتقد بودند که اسد سابقه‌های وحشتناک و حامیانی اندک دارد. اما داوود اوغلو قبول نکرد و تلاش ما به ثمر ننشست.»

به گزارش گاردین و به نقل از گروه بین‌المللی «بحران»، گفت‌وگوی دیپلماتیک چندین ماهه ایران و ترکیه در سطح وزیران خارجه دو کشور بین محمد جواد ظریف و همتای ترک‌کش احمد داوود اوغلو جریان داشت که در نهایت این مذاکرات بر سر آینده بشار اسد رییس‌جمهور سوریه شکست خورد و به سرانجام نرسید.

عبدالله گل رئیس‌جمهور وقت ترکیه نیز به گروه بین‌المللی «بحران» گفته است: «دولت ترکیه در صدد توافق با ایران نبود چون فکر می‌کرد اسد در طول چند ماه سقوط خواهد کرد.»

احتمال مخالفت ترامپ با سندهمکاری بوئینگ و ایران ایر



به گفته وی در سال ۲۰۱۸، شش فروند، در سال ۲۰۱۹ نیز شش فروند هواپیمای ۷۷۷ و در سال ۲۰۲۰ نیز سه فروند از این هواپیما به ایران تحویل داده خواهد شد. ارزش این قرارداد را منابع داخلی ۱۳ میلیارد دلار و طرف خارجی یعنی مدیران بوئینگ ۱۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار برآورد کرده‌اند که البته قیمت پایه یا به اصطلاح کاتالوگ آن است و در ادامه کار یعنی زمان تولید این احتمال وجود دارد که قیمت نهایی سند همکاری دو طرف به نصف رقم اعلام شده هم برسد.

به گزارش روزنامه ایران، یک منبع آگاه گفت: «رقم قرارداد با بوئینگ قطعی نیست و به طور قطع ارزان‌تر خواهد شد.» همچنین مدیر عامل شرکت هواپیمایی ایران ایر درباره جزئیات توافق مالی برای ورود این هواپیماها گفت: «طبق آنچه در پیش‌قرارداد با ایرباس قید شده بود در توافق با بوئینگ نیز بخش زیادی از تامین مالی قرارداد به وسیله فایناس صورت می‌گیرد. بوئینگ اعلام کرده که در حال حاضر آمادگی انجام فایناس شش فروند از هواپیماهای پهن‌پیکر خریداری شده از سوی ایران را دارد و دست ایران ایر نیز در تعیین دقیق شرایط تامین مالی باز خواهد بود.»

افلچر باراک دال، معاون مدیرعامل شرکت هواپیماسازی بوئینگ ۷۷۷ که ۱۵ فروند آن از خانواده ER ۳۰۰ است خریداری کرده که نخستین فروند آن از آوریل ۲۰۱۸ به ایران تحویل داده خواهد شد.»

ایران و بوئینگ در گزارشی نوشت: این اقدام شرکت بوئینگ مورد حمله و انتقاد ترامپ قرار خواهد گرفت. نخستین توافق مهم میان یک شرکت آمریکایی با ایران از زمان پیروزی دونالد ترامپ است که مخالف سرسخت توافق هسته‌ای با ایران محسوب می‌شود. از سوی دیگر قرارداد دو شرکت هواپیمایی بوئینگ و ایرباس برای فروش هواپیما به ایران از سوی منتقدان آمریکایی به شدت مورد مخالفت قرار گرفته است.

مدیر عامل شرکت هواپیمایی ایران ایر بیان این که مذاکرات چند ماهه با غول هواپیماسازی آمریکا سرانجام نتیجه داده، اظهار کرد: «امروز میان دو طرف یک سند همکاری رسمی به امضا رسید تا قرارداد فروش ۸۰ هواپیما به ایران نهایی شود.»

فرهاد پرورش در مورد جزئیات این قرارداد افزود: «طبق این سند ایران ۵۰ فروند هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ را در دستور کار خود قرار داد. این هواپیماها که از جدیدترین مدل‌های تولید شده بوئینگ به حساب می‌آیند تحویل آنها از سال ۲۰۲۱ به بعد به ایران آغاز می‌شود.»

پرورش ادامه داد: «در کنار آن ایران ایر ۳۰ فروند هواپیمای بوئینگ ۷۷۷ که ۱۵ فروند آن از خانواده ER ۳۰۰ است خریداری کرده که نخستین فروند آن از آوریل ۲۰۱۸ به ایران تحویل داده خواهد شد.»

● قرار است تا سال ۲۰۲۸ هشتاد فروند بوئینگ وارد ایران شود که سری اول آن در اوایل سال ۲۰۱۸ و بقیه نیز طبق قرارداد، تحویل داده خواهد شد

● روزنامه وال استریت ژورنال پس از نهایی شدن قرارداد ایران و بوئینگ در گزارشی نوشت: با این اقدام شرکت بوئینگ مورد حمله و انتقاد ترامپ قرار خواهد گرفت

● افلچر باراک دال، معاون مدیرعامل شرکت هواپیماسازی بوئینگ گفت: بوئینگ قرارداد فروش ۸۰ فروند هواپیما را با تایید دولت آمریکا، با ایران نهایی کرده است

سرانجام پس از ۳۷ سال تحریم، به دنبال مذاکرات صورت گرفته پس از برجام، سند همکاری برای خرید ۸۰ هواپیمای نو بین ایران ایر و بوئینگ به امضا رسید.

قرار است تا سال ۲۰۲۸ میلادی، ۸۰ فروند بوئینگ وارد ایران شود که سری اول آن در اوایل سال ۲۰۱۸ و بقیه نیز طبق برنامه‌ریزی که در قرارداد امضا شده است، تحویل داده خواهد شد.

این در حالیست که روزنامه وال استریت ژورنال، پس از نهایی شدن قرارداد

دارالترجمه بین‌المللی فریس

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبایله ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن: 020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

در ایران مسلح شدن شهروندان هم مد شده و هم افزایش یافته



قاجاق و خرید و فروش سلاح و مهمات جنگی است.

عمده سلاح‌های سرد در ایران از قاجاق و قمه گرفته تا شمشیر و پنجه بوکس در سرت، نزارهای فردی یا دسته‌جمعی و قتل‌های شهری و خانگی استفاده می‌شود. اما آن روی سکه قاجاق و خرید و فروش محموله‌های بزرگ از انواع اسلحه شکاری و جنگی است که کارتل‌های بزرگ پشت آن قرار دارند.

در روز یکشنبه ۲۱ آذر اداره کل دادگستری استان البرز (کرج) از کشف ۴۰ قبضه اسلحه شکاری غیرمجاز تک لول و دو لول خبر داد. ابتدای امسال نیز دادستان اعلام کرد محموله‌ای از مهمات جنگی کشف شده که حاوی ۱۰ هزار فشنگ جنگی است.

در واقع با وجود سختگیری‌های انتظامی و افزایش جرایم قانونی و سخت‌گیرانه در مورد استفاده یا خرید و فروش انواع سلاح سرد و گرم بخشی از جامعه در تضاد با این قوانین، خود را بیشتر مسلح می‌کند.

مسلح شدن شهروندان موضوعی نیست که برای فهم آن فقط نیاز به گزارش‌های رسمی نهادهای نظامی و انتظامی باشد. خرید و فروش انواع اسلحه و به‌طور کلی تب‌نگهداری از انواع سلاح در بین شهروندان ایرانی بسیار داغ شده و این را به وضوح می‌توان در تصاویر شخصی شهروندان در شهرهای مختلف دید که در فضای مجازی به خصوص اینستاگرام قرار می‌دهند. از تصاویر منتشر شده در صفحات اجتماعی می‌توان دریافت که داشتن سلاح به ویژه نوع گرم و جنگی آن به عنوان یک افتخار و امتیاز در شکل یک پدیده جدید خود را معرفی می‌کند.

پزشکی قانونی تهران مهر امسال از قتل ۵۶ نفر در اثر سلاح سرد در پنج ماهه نخست سال ۱۳۹۵ خبر داد و اعلام کرد: «این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که تعداد کشته‌شدگان در اثر اصابت سلاح سرد ۵۳ نفر اعلام شده بود ۵٫۷ درصد افزایش یافته است».

آبان ماه امسال معاون پیشگیری از وقوع جرم دادگستری سیستم و بلوچستان خبر داد که کشف سلاح سرد در این استان ۱۵۴ درصد رشد داشته است.

کمتر از شش ماه پیش فرمانده انتظامی استان بوشهر از انهدام یک باند بزرگ خرید و فروش سلاح و مهمات جنگی در شهرستان گناوه خبر داد و اعلام کرد مقادیر زیادی فشنگ جنگی و اسلحه از این باند کشف شده است. رئیس پلیس پیشگیری استان آذربایجان شرقی اعلام کرده در چهار ماهه نخست امسال کشف سلاح و مهمات در این استان ۶۰ درصد افزایش داشته است.

افزایش خرید و فروش سلاح گرم در پایتخت آنقدر زیاد شده که پلیس برای کشف باند‌های خرید و فروش چندین طرح و عملیات ویژه پیاده کرده است. کشف چند قبضه سلاح و مهمات جنگی توسط سپاه پاسداران در زابل، کشف ۴۴ قبضه انواع سلاح‌های جنگی و حتی «تیربار» توسط اداره اطلاعات کرمان، دستگیری یک باند قاجاق سلاح شکاری غیرمجاز در آمل و افزایش ۲۵ درصدی کشف سلاح غیرمجاز در گلستان تنها بخش کوچکی از اخبار و گزارش‌های نهادهای امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی از کشف انواع اسلحه‌ی سرد و گرم و باند‌های

آمار و گزارش‌های پراکنده اما رسمی نهادهای قضایی و امنیتی ایران نشان می‌دهد که بسیاری از شهروندان ایرانی به دلایل مختلف از جمله نزار و بزهکاری و شکار به انواع سلاح سرد و گرم مسلح می‌شوند.

پلیس تهران در عملیاتی که از روز ۲۰ آذر شده ۱۹۹ سارق در قالب ۴۱ باند سرقت را دستگیر کرده که در بین آنها بعضی باندها برای سرقت از سلاح‌های جنگی استفاده می‌کردند. حسین ساجدی‌نیا، رئیس پلیس تهران گفته ۱۰۳ نفر از این سارقان سابقه‌دار و متوسط سن آنها بین ۱۹ تا ۲۵ سال بوده است. همزمان مأموران کلانتری ۱۳۵ خیابان آزادی گزارش دادند یک جوان ۲۶ ساله را هنگام سرقت یک دستگاه پژو ۴۰۵ دستگیر کرده‌اند که او نیز هنگام سرقت یک قبضه سلاح کمری به همراه چند تیر جنگی داشته است.

پس از تحقیقات کارآگاهان پلیس مشخص شده او عضو یک باند ۱۲ نفره است که انواع اتومبیل‌ها را در مناطق غرب تهران به ویژه در شهرک غرب، اکباتان و آپادانا سرقت می‌کردند. تحقیقات بعدی نشان داده متهمان مخفیگاهی داشتند که اسناد و مدارک متعلق به اتومبیل‌های تصادفی را نگهداری و جعل می‌کردند و سپس در فروش می‌رساندند. از آنها بیش از ۵۰ دستگاه اتومبیل مسروقه مثل پژو، زانتیا، نیسان وانت و سمند کشف شده است.

در ایران حمل و نگهداری سلاح گرم جرم است. شهریور ماه سال ۹۵ نیز با تصویب مجلس شورای اسلامی حمل هرگونه سلاح سرد جرم اعلام شد. طبق قانون مجازات قاجاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز هر فردی به طور غیرمجاز سلاح گرم یا سرد جنگی یا سلاح شکاری یا قطعات موثر یا مهمات آنها را خریداری، نگهداری یا حمل نماید یا با آنها معامله دیگری انجام دهد به حبس تعزیری از ۹۱ روز تا ۱۰ سال و جریمه‌ای بین یک میلیون تومان تا هشت میلیون در صورت خرید فروش اسلحه نیمه سنگین و سنگین مجازات دارد.

با این وجود آمار حمل و استفاده از انواع سلاح سرد و گرم در سرتاسر ایران افزایش نگران‌کننده‌ای دارد. اینجاست که اتفاقاً مشخص می‌شود رئیس پلیس راهور تهران حاضر نیست بگوید چرا سودی را که از این پلاک کردن به حساب پلیس سرریز می‌شود متوقف نمی‌کند تا دست کم تکلیف اتومبیل‌های فرسوده روشن شود. سید جعفر تشکری هاشمی، معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران سال گذشته گفته بود: «به‌طور میانگین بین ۳ تا ۵/۳ میلیون خودرو در تهران تردد می‌کنند که تنها ۱ میلیون و ۲۰۰ عدد در سامانه اطلاعات شهرداری ثبت شده‌اند». از سوی دیگر بر اساس آمارها فرمانداری تهران نزدیک به نیمی از این اتومبیل‌ها به عنوان «خودرو فرسوده» شناخته می‌شوند. تمام اینها در حالی اتفاق می‌افتد که رئیس پلیس راهور تهران بزرگ از «افزایش ۵۰۰ درصدی نصب پلاک اعزام به تعمیرگاه برای خودروهای دودزا، افزایش ۳۰۰ درصدی برخورد با خودروهای دارای نقص فنی» خبر داده است.

قفل ترافیک تهران با بیانیه باز نمی‌شود

برف و باران بیشتر می‌بارد، غروب آفتاب زودتر است و وقتی تعطیلات است مردم برای سفر از شهر دودگرفته‌ی تهران فرار می‌کنند.

محسن سرخو، رئیس کمیته حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران یکی از کسانی است که ادعای رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ را رد کرده و باور دارد که «ترافیک‌های اخیر تهران نه حاصل بارش بودند و نه بازگشت حجم بالایی از خودروهای سفر کرده به شهر». این مقام مسئول «گسترش حمل و نقل عمومی را راهکار اساسی و امن مقابله با مشکل ترافیک تهران» عنوان کرده است.

مردم همیشه مقصر، مسئولان همیشه فعال!

محمدرضا مهماندار تاکید دارد که «در حال حاضر ظرف و مظلوف در تهران با یکدیگر مطابقت ندارد و باید یا محدودیت‌های جدیدی در شهر تهران اعمال کنیم که مثلاً برخی از مناطق را به محدوده زوج و فرد اضافه کنیم یا خود مردم، مراعات کرده و کمتر از وسایل نقلیه شخصی استفاده کنند». او برای انداختن تقصیرها به گردن مردم اصرار و در یک مصاحبه بارها این موضوع را به شکل‌های گوناگون تکرار می‌کند

برای مثال با اشاره به «قدیمی بودن بخشی از بافت شمال تهران» بر اینکه «تنها راهکار مقابله با آن، یا اضافه شدن محدودیت‌های جدید است یا مراعات مردم» تاکید کرده. ابوالفضل قناعتی، عضو هیئت رئیسه شورای شهر تهران نیز با اشاره به توضیحات پلیس راهنمایی و رانندگی و اجرای گسترده‌تر طرح زوج و فرد کردن اتومبیل‌ها، تاکید می‌کند که «نباید مردم را از این محدودتر کرد. مدیریت شهری با اجرای طرح کاهش در کنار زوج و فرد، محدودیت‌ها را افزایش داده است. اگر برای مردم در ایجاد ترافیک سهم ۵۰ درصدی قائل باشیم ۵۰ درصد بار ترافیک مربوط به مدیریت ترافیک است». این در حالی‌ست که در هفته‌های گذشته و همزمان با افزایش آلودگی هوای تهران طرح محدودیت زوج و فرد خودروها از ۱۷ ساعت به ۱۹ ساعت در روز افزایش یافته است.

وقتی پای سود باشد جان و زندگی مردم بی‌اهمیت می‌شود

مهماندار که با به دنبال محدودیت است یا مقصر جلوه دادن مردم (که البته در مورد نقش مردم در جای خود باید صحبت شود) در مصاحبه‌ی خود به اضافه شدن روزانه ۱۰۰۰ دستگاه خودرو که کمتر به آن توجه می‌شود.

محمدرضا مهماندار تاکید دارد که «در حال حاضر ظرف و مظلوف در تهران با یکدیگر مطابقت ندارد و باید یا محدودیت‌های جدیدی در شهر تهران اعمال کنیم که مثلاً برخی از مناطق را به محدوده زوج و فرد اضافه کنیم یا خود مردم، مراعات کرده و کمتر از وسایل نقلیه شخصی استفاده کنند». او برای انداختن تقصیرها به گردن مردم اصرار و در یک مصاحبه بارها این موضوع را به شکل‌های گوناگون تکرار می‌کند

برای مثال با اشاره به «قدیمی بودن بخشی از بافت شمال تهران» بر اینکه «تنها راهکار مقابله با آن، یا اضافه شدن محدودیت‌های جدید است یا مراعات مردم» تاکید کرده. ابوالفضل قناعتی، عضو هیئت رئیسه شورای شهر تهران نیز با اشاره به توضیحات پلیس راهنمایی و رانندگی و اجرای گسترده‌تر طرح زوج و فرد کردن اتومبیل‌ها، تاکید می‌کند که «نباید مردم را از این محدودتر کرد. مدیریت شهری با اجرای طرح کاهش در کنار زوج و فرد، محدودیت‌ها را افزایش داده است. اگر برای مردم در ایجاد ترافیک سهم ۵۰ درصدی قائل باشیم ۵۰ درصد بار ترافیک مربوط به مدیریت ترافیک است». این در حالی‌ست که در هفته‌های گذشته و همزمان با افزایش آلودگی هوای تهران طرح محدودیت زوج و فرد خودروها از ۱۷ ساعت به ۱۹ ساعت در روز افزایش یافته است.

وقتی پای سود باشد جان و زندگی مردم بی‌اهمیت می‌شود

مهماندار که با به دنبال محدودیت است یا مقصر جلوه دادن مردم (که البته در مورد نقش مردم در جای خود باید صحبت شود) در مصاحبه‌ی خود به اضافه شدن روزانه ۱۰۰۰ دستگاه خودرو که کمتر به آن توجه می‌شود.

● اگر برای مردم در ایجاد ترافیک سهم ۵۰ درصدی قائل باشیم ۵۰ درصد بار ترافیک مربوط به مدیریت ترافیک است

● ترافیک‌های اخیر تهران نه حاصل بارش بودند و نه بازگشت حجم بالایی از اتومبیل‌های سفر کرده به شهر

کامیار بهرنج - تهران در هفته گذشته شاهد دو قفله شدن ترافیک خود شده است. ترافیک در پایتخت موضوع جدیدی نیست اما در هفته گذشته بنا به آنچه روزنامه‌های داخلی نیز گزارش داده‌اند به شکلی «غیر طبیعی» در آمده است. البته باید گفت همین غیرطبیعی بودن هم به نوعی در تهران طبیعی شده است و شهروندان عادت کرده‌اند هر بار یک توجیه جدید از مسئولان بشنوند. آغاز سال تحصیلی، بارش برف و باران، بازگشت مسافران در مسافرت‌ها و ده‌ها مورد دیگر؛ اما آخرین ادعای رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران در نوع خود هم جدید و هم کاملاً غیرطبیعی بود.

عدم پیش‌بینی‌های لازم برای اتفاقاتی کاملاً قابل پیش‌بینی

محمدرضا مهماندار، رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ در مصاحبه‌ای با اشاره به «پایان ماه صفر» به عنوان علت اصلی ترافیک‌های اخیر در تهران گفته است: «بسیاری از شهروندان مشغول انجام کارهای خود بودند تا از تهران خارج شده و پس از آن نیز موج بازگشت آنان سبب افزایش حجم ترافیک در معابر شد ضمن اینکه طی مناسبت‌های این هفته نیز برخی از شهروندان در مراکز مذهبی و حسینیه‌ها حاضر شده و به عزاداری پرداختند که همین عامل سبب افزایش حجم ترافیک در معابر منتهی به این مراکز شد». مهماندار البته به «ورود موج سرما، کاهش طول روز، همزمانی شروع برخی مشاغل با پایان کار ادارات» هم اشاره کرده است. اما این سردار راهنمایی و رانندگی نمی‌گوید کدام یک از مواردی که اشاره کرده قابل پیش‌بینی نبوده‌اند تا بتوان راهکارهای مناسب مقابله با آن را برنامه‌ریزی و اجرا کرد. مگر اینکه رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ نداند در زمستان هوا سرد می‌شود،

● در اوج ساعت ترافیک تهران، توزیع مواد غذایی در شهر آغاز می‌شود!

● وقتی در برخی معابر تهران، تعداد اتومبیل‌ها ۲۵ درصد بیش از ظرفیت معابر است، پلیس چه کاری می‌تواند بکند؟

رئیس پلیس راهور تهران می‌گوید: «با توجه به بیماری ترافیک پایتخت شاهدیم با یک تلنگر این بیمار به کما می‌رود و با یک برف و باران و برگزاری نمایشگاه، تهران قفل می‌شود».

سردار پاسدار محمدرضا مهماندار که در نخستین نشست خبری خود به عنوان رییس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران سخن می‌گفت، با اشاره به برنامه‌های خود عنوان کرد: «امروز موضوع نظم یکی از مسایل مهم در شهر تهران است



محمدرضا مهماندار رئیس پلیس راهور تهران

و بی‌نظمی‌های ترافیکی در ابعاد مختلف آزاردهنده است که عدم احترام به قوانین باعث شده مشکلاتی برای سایر شهروندان به وجود آید و قطعاً برخورد با هانجاری‌ها یکی از برنامه‌های اصلی ماست که البته آموزش و اقدامات فرهنگی در

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران:

ترافیک پایتخت با یک تلنگر به کما می‌رود



همزمان با اوج ترافیکی صبحگاهی انجام می‌شود و این به معنای آن است که هر کس هر زمان و به هر شکل از معابر تهران استفاده می‌کند که نیازمند ساماندهی مکانی و زمانی است که به بغرنج‌تر شدن وضع ترافیک پایتخت می‌انجامد».

هماندار با اشاره به افزایش وسایل نقلیه و افزایش تقاضای سفر افزود: «متأسفانه در ساعاتی از صبح و بعد از ظهر معابر تهران اشباع می‌شود و در مناطق ۳، ۲، ۱۲ و ۱، ۲۵ درصد بیش از ظرفیت معابر اتومبیل به آن وارد می‌شود. صبح و عصر تهران در

هماندار با اشاره به افزایش وسایل نقلیه و افزایش تقاضای سفر افزود: «متأسفانه در ساعاتی از صبح و بعد از ظهر معابر تهران اشباع می‌شود و در مناطق ۳، ۲، ۱۲ و ۱، ۲۵ درصد بیش از ظرفیت معابر اتومبیل به آن وارد می‌شود. صبح و عصر تهران در

هستند و این بهترین فرصت برای حل مشکل است».

مهماندار شورای عالی ترافیک را مسئول سیاست‌گذاری برای حل این مشکل دانست و افزود: «علی‌رغم مسئولیت پلیس که تنها اجرای قوانین است، پلیس حتماً پیشنهاد دهنده برای اعمال محدودیت و ممنوعیت به منظور حل این مشکل خواهد بود».

وی با بیان اینکه «اعمال هر گونه محدودیت و ممنوعیت ابعاد اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت» اضافه کرد: «با توجه به بار اقتصادی و اجتماعی تصمیم‌گیری‌ها، حتماً باید ابعاد مختلف آن را دید و باید با خرد جمعی به این موضوع نگریست».

به گفته او یکی از راه‌ها برای کمتر شدن ترافیک، کاهش تعداد اتومبیل‌هاست که در اختیار پلیس نیست، اما می‌توان با تمرکز بر برخورد با تخلفات ساکن، سرعت در رسیدگی به تصادفات و... اقدامات تسهیل‌کننده ترافیک را تشدید کرد. مهماندار افزود: «همچنین با همکاری شهرداری به دنبال اصلاح هندسی معابر نیز هستیم ولی قطعاً اصل موضوع تعداد اتومبیل‌ها در تهران است چرا که در ساعات اوج، ۶۷ درصد معابر در تسخیر اتومبیل‌های شخصی است و تنها ۴۰ درصد جابجایی افراد را انجام می‌دهند». مهماندار در واکنش به اظهارات انتقادآمیز برخی از اعضای شورای شهر در عدم انجام وظیفه پلیس گفت: «وقتی در برخی معابر تهران، تعداد اتومبیل‌ها ۲۵ درصد بیش از ظرفیت معابر است، پلیس چه کاری می‌تواند بکند؟ البته ما از هر کاری که به بهبود نسبی ترافیک نیز بی‌انجامد استقبال کنیم».

ضرورت گسترش فرهنگ گردشگری پذیرد پیش از توسعه سخت‌افزاری



خودش می‌کند زیرساخت بسازد هم بی‌جواب می‌ماند و تنها گفته می‌شود: «ما مسئول این هستیم که زیرساخت‌ها را درست کنیم که در چند سال گذشته بسیار پیشرفت کردیم اما نمی‌توانیم بقیه را مجبور کنیم که کاری کنند».

راهنمایی برای معرفی با راهنمایی برای سرکیشه کردن

نکته دیگر، نظارت بر راهنمایان تورهاس، یعنی کسانی که باید جدا از تمام امور فنی دارای صفت مهم اعتماد و اطمینان هم باشند. در حالی که ورود هر گردشگر پول خوبی را نصیب آنها می‌کند اما گویا این پول برای چشمان گرسنه برخی از آنها کافی نیست. موارد متعددی از خالی کردن جیب گردشگران مشاهده شده است که در این مورد که اتفاقا مسئولیت مستقیم دارد سکوت می‌کند.

در واقع وقتی تخلف‌های آژانس‌های مسافرتی و راهنماها با یک رشوه کوچک در حوزه قضایی مربوطه حل می‌شود نمی‌توان انتظار داشت که این آژانس‌ها سود سرشار خود را فراموش کنند. نقش این راهنماها اتفاقاً دور نگاه داشتن گردشگران از گران‌فروشان و کسانی‌ست که به هر نحوی می‌خواهند «سر آنها کلاه بگذارند» اما در مواردی اتفاقاً همین راهنماها مسئولیت فرستادن گردشگران به شکارگاه جیب‌های آنان را دارند.

به یقین این موضوع شامل تمام راهنماها نمی‌شود و بسیاری از آنان با پاک‌دلی گاهی حتی خدماتی بیشتر از وظیفه خود انجام می‌دهند اما همین چند مورد گزارش شده برای یک مجموعه کافی است تا اعتماد گردشگر (چه داخلی و چه خارجی) را خدشه‌دار کند.

آرش نورآقایی، رئیس هیئت مدیره راهنمایان گردشگری در مصاحبه‌ای از رسانه‌های شدن این موضوع «گله» کرده و گفته است: «پرداختن به این موضوع از طریق رسانه کار را خراب‌تر می‌کند».

بخشی از ماجرا باز هم همان داستان گردشگر داخلی و خارجی است، گردشگر خارجی که یورو دلار با خود آورده است امکان آنکه همچون مورد فرودگاه شیراز صدایش به جایی برسد وجود دارد اما برای خوردن حق گردشگر داخلی کافیس‌ت در روزهای تعطیلات نوروزی و بعد از آن نگاهی به روزنامه و ستون تماس شهروندان ببیند تا از «سرکیشه شدن» مسافران و «پول‌های زور» بسیار بخوانید. سال‌های گذشته همین ماجرا بوده و سال‌های آینده هم متأسفانه به نظر می‌رسد همین ماجرا باشد.

به این ترتیب، مسئولان سازمان گردشگری اول باید به دنبال ایجاد فرهنگ گردشگری و افزایش حوزه‌های نظارتی در کشور باشند و در مرحله بعد شروع کنند به تبلیغات سفر به ایران برای گردشگران خارجی.

موضوع منتشر کرده به سابقه این گران‌فروشی و «نقره داغ» کردن همه مسافران پرداخته و نوشته: «این فرودگاه بین‌المللی در این زمینه شهره است».

حالا وقتی این ماجرا رسانه‌های شده و کار از رسانه‌های اجتماعی به روزنامه‌ها و سایت‌های عمومی کشیده می‌شود، ماموران سازمان تعزیرات حکومتی غرقه مذکور را شناسایی کرده و آن را ۲۴ میلیون تومان جریمه می‌کنند. البته گفته شده مبلغ ۱۹۳ هزار تومان (مبلغی معادل ۵۶ دلار) به آن گردشگران خارجی بازگردانده خواهد شد.

این نکته جای تامل دارد که امیر سبوقی، رییس هیئت مدیره انجمن صنفی راهنمایان ایران و جهانگردی استان فارس گفته است تازه باید از طریق آژانس مسافرتی دنبال گردشگران خارجی بگردیم تا ۵۰ دلار آنها را برگردانیم اما نگفته است وجه‌های که از ایران با انتشار این خبر تخریب شده را با چه قیمتی و چگونه ترمیم خواهد کرد.

همزمان با رشد سفر گردشگران خارجی به صورت تور یا شخصی



به ایران فرصت بسیار خوبی برای افرادی که به شکل‌های گوناگون با این صنعت سر و کار دارند فراهم شده است. اما مشکل آنجا آغاز می‌شود که برخی به دنبال دریافت پول‌های نادرست از این افراد هستند و حاضر نیستند با ارائه خدماتی مناسب زمینه سفر دوباره گروه‌های دیگر را فراهم سازند.

به این سوال نیز باید پاسخ داد که اگر این گردشگران، ایرانی هم بودند همین برخورد صورت می‌گرفت؟ در واقع با وجود شکایت‌های مکرری که انجام شده آیا مقامات جمهوری اسلامی و سازمان تعزیرات حکومتی دل‌شان برای شهروندان ایرانی هم می‌سوزد؟

همیشه تقصیر یکی دیگر است!

وقتی پای صحبت حتی مسئولان می‌نشینیم شاهد آن هستیم که همواره توپ تقصیر به زمین دیگری پاس داده می‌شود. یکی از این مسئولان در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (که حاضر نشد نامش در گزارش کیهان لندن برده شود) تقصیر این جریان را «بی‌توجهی» مسئولان قوه قضائیه و نیروی انتظامی می‌داند. اینکه یک سازمان قدرت آن را ندارد برای تبلیغاتی که

کامیار به‌رنگ- در سال‌های گذشته بارها از زبان مقامات مسئول در مورد ضرورت سرمایه‌گذاری به روی صنعت گردشگری شنیده‌ایم. صنعتی پر سود که برخی از کشورهای جهان بخشی از سود ناخالص ملی خود را بر پایه آن تعریف کرده و با کوچکترین زمین‌ها، بزرگترین امکانات را برای خود و شهروندان‌شان فراهم می‌سازند.

ایران با داشتن ظرفیت بسیار بالای گردشگری اما نتوانسته این صنعت را چنان که باید گسترش دهد. بسیاری مهمترین دلیل آن را نبود زیرساخت‌های لازم مانند خدمات هتل و اسکان مناسب، عدم امکان استفاده وسیع از کارت‌های بانکی بین‌المللی، نبود امکانات گردشگری به زبان‌های گوناگون و مواردی از این دست می‌دانند اما مرور خبرها نشان می‌دهد که حتی اگر تمام این موضوعات سخت‌افزاری هم تامین شود باز هم نرم افزار (فرهنگ) گردشگری در میان ایرانیان آن گونه که شایسته است گسترش نیافته

گرچه ایرانیان به «مهمان‌نوازی» مشهورند.



آخرین موردی که ادعای بالا را تایید می‌کند در فرودگاه شیراز (که یکی از پایگاه‌های اصلی گردشگران است) اتفاق افتاد. تعدادی گردشگر خارجی وارد فرودگاه بین‌المللی شیراز می‌شوند و برای چند وعده غذایی کوچک و نوشیدنی مبلغ ۲۷۰ هزار تومان پرداخت می‌کنند.

بعد از اینکه آنها به کشور خود باز می‌گردند مطلبی را به روی صفحه‌ی اینستاگرام خود منتشر کرده و نوشته‌اند: «گران‌ترین وعده غذایی ما در ایران در فرودگاه بین‌المللی شیراز بود، ما سفارش کاپوچینو دادیم، اما خارج از سفارش ما، یک کیک و ژله هم آوردند؛ ۳ کاپوچینو + ۲ همبرگر + ۱ هات‌داگ؛ ۷/۲ میلیون ریال!»



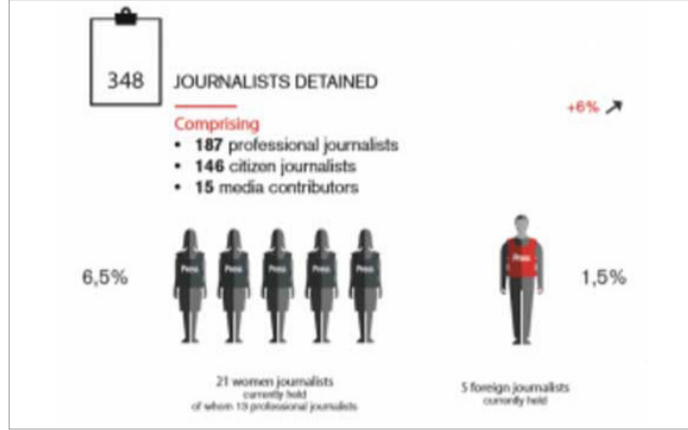
Our most expensive meal in Iran, at shiraz international airport - ordered cappuccino but was made to have it with cake and jelly without informing us. 3 cappuccino + 2 burgers + 1 hot dog for 2.7 million riyals!

ایسنا در گزارشی که پیرامون این

بیان خشونت علیه روزنامه‌نگاران در سال ۲۰۱۶

۱۳۹۵ در شعبه پانزده دادگاه انقلاب تهران برگزار شد و برای سه اتهام به ۱۶ سال زندان محکوم شده است. پنج سال برای «اجتماع و تبانی علیه نظام» یک سال برای «تبیان علیه نظام» و ده سال برای تاسیس و همکاری با انجمن لگام، انجمنی برای لغو مجازات اعدام، هدفی که در ایران که در ایران تحمل نمی‌شود. ۷ همراه ۱۳۹۵ وکلای نرگس محمدی

جهان زندانی هستند. این شمار زندانی نسبت به سال گذشته افزایشی ۶ درصدی را نشان می‌دهد. شاخص‌ها نشان از رشد نگران‌کننده زندانی کردن روزنامه‌نگاران در جهان دارد. درصد روزنامه‌نگاران حرفه‌ای در زندان افزایشی ۲۲ درصدی داشته است. سرکوب روزنامه‌نگاران در جهان با ضرباهنگی جهنمی افزایش می‌یابد.



از تایید محکومیت وی از سوی شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر تهران مطلع شدند. بنا بر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی و نرگس محمدی باید ۱۰ سال زندان را تحمل کند. وی که به دلیل چند بیماری باید در روز چند دارو مصرف کند از درمان ضروری محروم است. نرگس محمدی یکی از چهار «قهرمانان آزادی اطلاع رسانی» بود که آنها مدال اهدا کرده بود.

#کارزار حفاظت از روزنامه‌نگاران در برابر خطرهای رو به افزایشی که خبرنگاران با آن‌ها روی در روی قرار گرفته‌اند. گزارش‌گران بدون مرز (RSF) خواهان معرفی روزنامه‌نگاران است. این گزارش‌گر باید تحت نظر دبیر اول سازمان ملل متحد کار کند. تا امروز قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل برای امنیت خبرنگاران و مبارزه با مصونیت از مجازات نتیجه‌ای رضایت‌بخش نداشته است.

«حفاظت‌گر روزنامه‌نگاران» رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران و سازمان‌های جهانی مردم نهاد، چهره‌های برجسته جهانی از این میان ایرنا بوکوا با حمایت از پیشنهاد گزارش‌گران بدون مرز (RSF)، خواهان برگزیدن «حفاظت‌گر روزنامه‌نگاران» شدند. این ائتلاف جهانی تأکید کرده است که «بنا بر پیشنهاد گزارش‌گران بدون مرز نماینده ویژه دبیر اول سازمان ملل متحد در امر امنیت روزنامه‌نگاران برگزیده شود و سازمان ملل و دولت‌های عضو باید به نماینده ویژه اعتبار فراخور سیاسی، توان کنش فوری و مسوولیت هماهنگ کردن اقدام‌های سازمان ملل در امر امنیت روزنامه‌نگاران را بدهد».

در دروازه اروپا، پیش برد سیاست رعب و وحشت در ترکیه ده‌ها روزنامه‌نگار را به زندان کشانده و این کشور را به بزرگ‌ترین زندان جهان برای روزنامه‌نگاران تبدیل کرده است. در کمتر از یک سال رژیم اردوغان کثرت‌گرایی رسانه‌ای در ترکیه را با نظارت ساکت اتحادیه اروپا نابود کرده است.

روزنامه‌نگاران زندانی در ترکیه و پس از کودتای نافرجام چهار برابر شده‌اند. در این کشور امروز بیش از صد روزنامه‌نگار و همکار رسانه‌ها در بند هستند. گزارش‌گران بدون مرز تا امروز می‌تواند تایید کند که دست کم ۴۰ تن از آن‌ها به دلیل فعالیت روزنامه‌نگارانه زندانی شده‌اند. گزروی اقتدارگرایانه رئیس جمهور اردغان بیش از هر جای دیگر خود را در بازداشت‌های جمعی خبرنگاران و به سکوت وادار کردن صداهای منتقد نشان می‌دهد. برای بازداشت خبرنگاران نیازی به اتهام قضایی نیست، اینگونه آمار بازداشت‌های خودسرانه رو به افزایش دارد. پس از ترکیه کشورهای چین، سوریه، مصر و ایران نزدیک به دو سوم روزنامه‌نگاران زندانی را در خود جای داده‌اند.

۱۸۷ روزنامه‌نگار، ۱۴۶ شهروند خبرنگار، ۱۵ همکار رسانه‌ها ۲۱ زن روزنامه‌نگار زندانی در ۶۵ درصد روزنامه‌نگاران زندانی در جهان زن هستند. در سال گذشته تنها ۵ درصد خبرنگاران زندانی در جهان زن بودند. ۵ روزنامه‌نگار خارجی در زندان ۱،۵ درصد روزنامه‌نگار زندانی خارجی هستند.

نرگس محمدی (ایران) در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ ماموران وزارت اطلاعات پس از بارها تهدید و احضار، نرگس محمدی را در ظاهر برای سیری کردن شش سال محکومیت‌اش بازداشت و روانه زندان اوین کردند. محاکمه وی در تاریخ اول اردیبهشت

گزارش‌گران بدون مرز (RSF) امروز ۲۳ آذرماه، بخش نخست بیان سالانه خود را در باره روزنامه‌نگاران به گروگان گرفته شده، ناپدید شده و زندانی در جهان منتشر می‌کند.

بیان روزنامه‌نگاران زندانی، ناپدید شده و گروگان در جهان ۲۰۱۶

گزارش‌گران بدون مرز (RSF) برای نخستین بار در بیان سالانه خود آماری کلی از قربانیان خشونت علیه آزادی اطلاع رسانی ارائه می‌کند. در سال‌های گذشته موارد خشونت علیه خبرنگاران، شهروند خبرنگاران و همکاران رسانه‌ها به تفکیک اعلام می‌شدند. راست این است که شهروند خبرنگاران در سال‌های اخیر به ویژه در حکومت‌های سرکوب‌گر و یا در کشورهای در حال جنگ، نقشی گاه تعیین کننده در تولید و انتشار خبر داشته‌اند. در این بیان که از روز نخست ژانویه ۲۰۱۶ (۱۱ دی‌ماه ۱۳۹۴) تا روز نخست دسامبر ۲۰۱۶ (۱۱ آذرماه ۱۳۹۵) را در بر می‌گیرد، آمارها تا جایی که ممکن بوده به تفکیک ارائه شده است.

در ۲۰۱۶ در جهان ۵۲ روزنامه‌نگار گروگان هستند

سوریه ۲۶، یمن ۱۶، عراق ۱۰ امروز در جهان ۵۲ خبرنگار به گروگان گرفته شده‌اند. قربانیان همه مرد در مناطق جنگ‌زده و در خاورمیانه به دام افتاده‌اند. ۸۹ درصد آن‌ها خبرنگاران محلی هستند. گروگان‌گیری خبرنگاران در سال جاری رشدی ۳۵ درصدی داشته است. دو کشور عراق و سوریه خطرناک‌ترین کشورها برای خبرنگاران در جهان هستند. گروه دولت اسلامی به تنهای ۲۶ تن از این گروگان‌ها را در اختیار دارد.

سوریه همچنان در صدر خطرناک‌ترین کشور برای خبرنگاران در جهان قرار دارد. جهادگران گروه دولت اسلامی خبرنگاران را به هدف اصلی خود بدل کرده‌اند. هدف‌گیری روزنامه‌نگاران امری سودمند است، نه تنها برای باج‌گیری و چرخاندن ماشین جنگ و یا اعمال فشار بر دولت‌ها که برای حاکم کردن جو ارباب و ترور و به سکوت وادار کردن هر صدای منتقدی در مناطق تحت کنترل خود است. پس از سوریه یمن قرار دارد که بسیجیان شیعه حوثی به ربودن خبرنگاران و یا همکاران رسانه‌ها اقدام می‌کنند. در عراق ستیزه‌جویان داعش ۱۰ خبرنگار و همکار رسانه‌ها را موصول از دو سال پیش گروگان گرفته‌اند. امروز مناطق وسیعی از سوریه و عراق و یمن امروز به «سیاه‌چال‌های اطلاع‌رسانی» تبدیل شده‌اند.

۲۴۸ روزنامه‌نگار زندانی در جهان

ترکیه ۱۰۰ (۴۰ تن برای انجام وظیفه اطلاع رسانی) چین ۱۰۳، سوریه ۲۸، مصر ۲۶، ایران ۲۴، بقیه جهان ۱۲۵ امروز ۲۴۸ روزنامه‌نگار در سراسر

منم کوروش، شاه شاهان!

دکتر محمود کویر: به نظر من بیشتر از آنکه کوروش را به عنوان یک پادشاه نگاه کنیم، به عنوان یک فیلسوف و یک جهانگشا و یک مدیر باید نگاه کنیم. مدیریت که کوروش داشت باید مورد توجه قرار گیرد

اجتماع ۷ آبان ۱۳۹۵ با شرکت هزاران ایرانی در کنار آرامگاه کوروش کبیر در پاسارگاد بازتاب گسترده‌ای در میان ایرانیان داخل و خارج کشور داشت. این مراسم برای بزرگداشت آنچه «روز کوروش» نامیده شده است برگزار شد و طی آن مردم شعارهای گوناگونی سر دادند که شاید شاخص‌ترین آنها «ما ایرانی هستیم عرب نمی‌پرستیم» و یا «ایران وطن ماست، کوروش پدر ماست» بود.



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

این مراسم با واکنش منفی برخی از معممین روبرو شد و به دستگیری عده‌ای از شرکت‌کنندگان انجامید. این اجتماع نشان داد که با وجود تلاش ۳۷ ساله حاکمیت اسلامی برای زدودن آثار ناسیونالیسم از جامعه ایران، ایرانیان کوروش بنیانگذار سلسله شاهنشاهی هخامنشی را نه تنها سمبل ملی‌گرایی و عظمت ایران باستان می‌دانند بلکه از آن به عنوان وزنه‌ای در برابر حاکمیت دین بر جامعه ایران استفاده می‌کنند. بیژن فرهودی در مورد برخی جنبه‌های زندگی این چهره محبوب تاریخی با دکتر مهدی کویر کارشناس تاریخ و ادبیات گفتگو کرده است.

این مراسم با واکنش منفی برخی از معممین روبرو شد و به دستگیری عده‌ای از شرکت‌کنندگان انجامید. این اجتماع نشان داد که با وجود تلاش ۳۷ ساله حاکمیت اسلامی برای زدودن آثار ناسیونالیسم از جامعه ایران، ایرانیان کوروش بنیانگذار سلسله شاهنشاهی هخامنشی را نه تنها سمبل ملی‌گرایی و عظمت ایران باستان می‌دانند بلکه از آن به عنوان وزنه‌ای در برابر حاکمیت دین بر جامعه ایران استفاده می‌کنند. بیژن فرهودی در مورد برخی جنبه‌های زندگی این چهره محبوب تاریخی با دکتر مهدی کویر کارشناس تاریخ و ادبیات گفتگو کرده است.

جمع‌آوری کردم که خوشبختانه بسیاری از آنها به نمایش گذاشته شد. نمی‌دانید هنگامی که شخصی با من از این مسائل صحبت می‌کند تا چه اندازه احساس خوشحالی می‌کنم. به تازگی یک خانم ایرانی به من گفت که با دیدن روتکو (Rothko) از کلکسیون آنچنان تحت تأثیر قرار گرفته که به گریه افتاده است.

● آیا این کلکسیون خوب نگهداری شده است؟

— من می‌ترسیدم که مبدا به وسیله‌ی انقلابیون ویران شود. خوشبختانه رئیس موزه آقای کوثر به این فکر افتاد که تمام تابلوها را در صندوق بگذارد و به زیرزمین‌ها منتقل کند. کارمندان موزه این کار را با نهایت دقت انجام دادند و به لطف آنان، کلکسیون به استثنای چند تابلو از جمله تابلویی که اندی وار هول از من کشیده بود و انقلابیون با چاقو آن را پاره کرده بودند، روی هم رفته خوب حفظ شده است. با تمام این احوال، من بی‌نهایت خوشحالم که این کلکسیون که با عشق و علاقه و تحمل زحمات زیاد گرد آوردم، حالا به المان و احتمالاً در سال ۲۰۱۷ به ایتالیا بیاید.

● داستان نقاشی اندی وار هول از شما چه بود؟

— اندی با سفیر ایران در آمریکا بسیار دوست بود. به او گفته بود که مایل است از شوهرم، خواهر شوهرم شاهزاده خاندان اشرف، و من تابلوهایی نقاشی کنم. وی به تهران آمد که با ما آشنا شود. من مردی را به یاد می‌آورم که بسیار مهربان، تقریباً خجالتی ولی بسیار جالب توجه بود. ما وی را دوباره در نیویورک دیدیم. من شانس آن را داشتم که با هنرمندان دیگر نظیر سالوادور دالی، هنری مور، پل جنکینز یا مارک شاگال آشنا شوم.

● آیا در بازگشایی نمایشگاه در برلین شرکت می‌کنید؟

— از من دعوت نشده ولی با کمال میل برای دیدار از آن و نحوه‌ی به نمایش گذاشتن تابلوها خواهم رفت. من بی‌نهایت خوشحالم که نشان دهم ایران نه تنها کشور آزادی بود، بلکه کشوری بود که هنر در در آن مقام والایی داشت.

● برای مادر، دردناک‌ترین غم‌ها، مرگ فرزند است. شما دو بار این درد بزرگ را تحمل کرده‌اید. چگونه با این غم‌ها بسری می‌برید؟

— روزی نمی‌گذرد که من به یاد فکر فرزندان‌ام نیاشم. علیرضا و لیلا فدای تبعید ما از ایران شدند و از آن به نهایت درجه رنج بردند. برای آنان واقعا وحشتناک بود که از کشوری به کشور دیگر بروند در حالی که در تلویزیون مناظر وحشت‌آوری را که در کشورشان می‌گذشت می‌دیدند و آن همه نکت منفی درباره‌ی پدرشان می‌شنیدند. در این سال‌هایی که می‌گذرد من خود را گناهکار نمی‌بینم. از تمام آنان که به من نامه نوشتند که پشتیبانی خود را نسبت به من ابراز کنند و از آنچه برای میهن‌ام انجام دادم سپاسگزاری کنند به راستی ممنونم. البته یوگا و مدیتیشن هم برای کمک بزرگی بود که این دردهای جانکاه را تحمل کنم.

● پانزده سال پس از درگذشت دخترتان چه یادی از او در خاطر دارید؟

— لیلا زنی بسیار باهوش بود ولی خوددار نبود. با اشخاص نامناسبی آشنا شد و به راه آنان رفت. من تلاش کردم به او کمک کنم ولی توفیقی نیافتم. بالاخره روزی بر آن شد که این جهان را ترک کند. من هر روز به یاد و فکر لیلا کوچولو خودم هستم بدون آن که بتوانم دلیل راهی را که به سوی ابدیت طی کرد، بفهمم. من به خودم دل‌داری می‌دهم که من و او روابطی بسیار عالی داشتیم. و او روابطی بسیار عالی داشتیم. پدرش نیز چنین بود. البته جز این هم نمی‌توانست باشد. لیلا دختری دوست‌داشتنی و دلنشین بود.

● درباره‌ی علیرضا هم بگویید.

— پسر دوم من، مردی عالی‌صفت و کارشناس بزرگ فرهنگ و تاریخ ایران بود. او در زمینه‌ی شناسایی و آگاهی خود از خاورمیانه مرا همیشه تحت تأثیر قرار می‌داد. تنها کافی بود که از او پرسشی بکنم و بلافاصله جوابی بشنوم. وی بسیار پایبند شرافت و عاشق دیدار جهان بود.

● دربار‌ی علیرضا هم بگویید.

— پسر دوم من، مردی عالی‌صفت و کارشناس بزرگ فرهنگ و تاریخ ایران بود. او در زمینه‌ی شناسایی و آگاهی خود از خاورمیانه مرا همیشه تحت تأثیر قرار می‌داد. تنها کافی بود که از او پرسشی بکنم و بلافاصله جوابی بشنوم. وی بسیار پایبند شرافت و عاشق دیدار جهان بود.

ادامه در صفحه ۱۵



شهبانو فرح : می‌خواهم نسل‌های آینده مرا به عنوان کسی بشناسند که ملت‌اش را بیش از همه چیز و هر چیز دوست می‌داشت

بر خاک میهن‌ام بگذارم. ایران آشتی کرده با جهان و صلح‌آمیز، آزاد و بفرستم. من عاشق لحظاتی هستم که با آنان بسر می‌برم.

● شاهزاده خانم نور چگونه خود را برای نقش آینده‌اش آماده می‌کند؟

— او به عنوان شاهزاده‌خانم ولیعهد، مسؤولیت سنگینی به گردن دارد ولی این توفیق را دارد که هرروز پدرش را هنگامی که کار می‌کند ببیند. شاهزاده خانم نور به خوبی می‌داند که اگر روزی سلطنت مشروطه در ایران برقرار شود او شهبانو خواهد شد.

● نسبت به حذف اخیر تحریم‌ها علیه ایران چه فکر می‌کنید؟

— این خبر مرا سرشار از خوشحالی کرد. من از صمیم قلب امیدوارم که چهره و شهرت کشورم به خاطر حذف تحریم‌ها بهتر شود زیرا اکثر مردمی که در آنجا زندگی می‌کنند، پر مهر و محبت هستند و من از زندگی تأثرانگیز هم‌میهن‌انم در جریان

● آیا برای مردم ایران پیامی دارید که به گوش آنها برسانید؟

— پیام من این است که ناامید نشوید. ممکن است شب به درازا بکشد ولی بالاخره سحر خواهد آمد. من اطمینان دارم که ایران از میان خاکسترش دوباره زنده خواهد شد.

● قرار است در ماه دسامبر کلکسیون موزه‌ی هنرهای معاصر که شما هنگامی که در ایران بودید گرد آورده بودید، برای اولین بار در برلین به تماشا گذاشته شود. این کلکسیون چگونه به وجود آمد؟

— هنگامی که من با شاه عروسی کردم متوجه شدم که تا چه اندازه حمایت از فرهنگ، از بناهای تاریخی و هنرمندان جوان ضروری است. یک روز ایران درودی به من پیشنهاد کرد که موزه‌ای برای به نمایش گذاشتن کار هنرمندان ایرانی بسازم. من به این فکر افتادم که گرد آوردن یک کلکسیون از هنر معاصر برای کشورمان کاری فوق‌العاده است. شروع به جمع‌آوری کارهای مهمترین هنرمندان قرن بیستم با کمک مهندس کوثر رئیس موزه و همچنین کامران دیبا، معمار، کردم.

● نخستین آثار هنری که در آن زمان به دست آوردید، کدام‌ها بودند؟

— من ابتدا با آثار امپرسیونیست‌ها آغاز کردم. برای آن که این گونه آثار مانند کارهای مونه (Monet) و مانه (Manet) را به حد پرستش دوست دارم. سپس کار هنرمندانی مانند ماگریت، آرنست و وار هول را به آنها اضافه کردم. تقریباً ۳۰۰ تابلو

کتاب‌های راجع به ایران را برایشان می‌خوانم. با آنان درباره‌ی پدر بزرگشان صحبت می‌کنم. گاهی هنگامی که در کوچه و خیابان هستیم هم‌میهن‌ان به ما برخورد می‌کنند. نوه‌ها می‌دانند که باید با مردم همواره با مهر و محبت صحبت کرد.

● آیا ممکن است درباره‌ی شخصیت آنان با ما صحبت کنید؟

— شاهزاده‌خانم نور (فرزند شاهزاده رضا مانند خواهران‌اش ایمان و فرح) دختر جوان باهوشی است. در درس‌هایش بسیار جدی و با علاقه، با قلبی بسیار رئوف و با محبت. شاهزاده خانم ایمان واقعا دوست‌داشتنی و مهربان است.

● هر سه ورزشکار و ورزش‌دوست هستند و شاید از من به ارث برده‌اند. من خیلی تنیس بازی کرده و راهپیمایی کرده‌ام. بالاخره شاهزاده‌خانم کوچولو ایرنیا (فرزند شاهزاده علیرضا دومین پسر شاه و شهبانو) واقعا دوست‌داشتنی و بسیار

● حضور پادشاهم هر روز بزرگترین کمبود زندگی من است. به لطف شخصی که هنگام یاد کردن از او، برقی محبتی در دیدگان‌شان دیده می‌شود، او همواره نزد من و نزدیک من بوده و هست. خوشبختانه با وجود سالیان درازی که گذشته و می‌گذرد و برای مردم ایران دشوارتر می‌شود که ندانند شاه کیست و چقدر کشور و مردم کشورش را دوست داشت، بسیاری از ایرانیان که از نظر سیاسی طرفدارش نبودند، امروز با عزمی راسخ نزد من می‌آیند و می‌گویند که انقلاب ۱۹۷۹ اشتباهی بزرگ بود.

● شاه به‌عنوان پدر و همسر چگونه آدمی بود؟ بزرگترین صفات او برای یک مرد سیاسی چه بود؟

— شاه نسبت به فرزندان‌اش بسیار مهربان بود. وقتی فرزندان‌اش در اطراف‌اش بودند دیگر نظم خاصی در میان نبود. بچه‌ها روی تخت می‌پریدند و هنگامی که چیزی از او می‌خواستند به اتاق و دفترش می‌پریدند و شلوغی می‌کردند. شاه مردی بسیار نزدیک به خانواده‌اش بود و شما می‌توانستید او را هنگامی که ما برای تعطیلات کنار دریای خزر و سواحل خلیج فارس می‌رفتیم، ببینید. بچه‌ها به بودن با او، عشق می‌ورزیدند. شاه واقعا مهربان‌ترین موجودی بود که من در تمام عمرم دیدم. وی مردی واقعا با توجه بود که صفت یک جنتلمن واقعی است ولی از همه بیشتر وی آدمی با قلبی بزرگ بود. هنگامی که من ازدواج کردم چون دختر جوانی بودم او به من کمک فراوان کرد. همواره در کنارم بود برای آن که مرا راهنمایی کند. علاوه بر آنکه پدری بی‌نظیر بود، راهنمای بزرگی هم بود. شاه مردی بود که کشورش را بیش از همه چیز دوست می‌داشت. من همواره از دید صائب او، در امور دنیا در شگفت بودم.

● آیا در دور از دسترس‌ترین رویای خود هرگز گمان می‌بردید که روزی ملکه ایران شوید؟

— من هرگز لحظه‌ای را که شاه از من خواست که همسرش بشوم، از یاد نمی‌برم. در حالی که با نگاهی عمیق مرا می‌نگریست، اظهار داشت: «هنگامی که ملکه‌ی من شدید، وظیفه‌ی خطیری نسبت به هم‌میهن‌ان‌تان خواهید داشت و آنچه شما را به کار روزانه تشویق خواهد کرد، محبت هم‌میهن‌ان‌تان نسبت به شماست که به شما نیرو خواهد داد که بدون وقفه فعالیت کنید.» نخستین خاطره‌ی من از شاه به دوران کودکی‌ام باز می‌گردد که مادرم مرا روی دست بلند کرد تا شاه را که از مقابل ما می‌گذشت، ببینم. من هرگز گمان نمی‌کردم که چند سال بعد همسرش خواهم بود و همراه او با عنوان ملکه‌ی ایران راه خواهم رفت.

● نخستین دیدارتان با شاه چگونه گذشت؟

— من شاه را در سال ۱۹۵۹ در یک میهمانی در سفارت ایران در پاریس دیدم. در آن زمان من دانشجوی جوانی بودم که در رشته معماری تحصیل می‌کردم و روزی که کارت دعوت به دستم رسید با او ملاقات کردم. به یاد دارم که به مادرم نوشتم که به دنبال تهیه‌ی یک پیراهن قشنگ هستم. هنگامی که در برابر او قرار گرفتم، خود را خوشبخت‌ترین زن دنیا می‌دیدم. ما چند دقیقه‌ای صحبت کردیم و شاه از این که من در رشته معماری تحصیل می‌کنم تحت تأثیر قرار گرفت. آنچه در خاطرمانده چشمان غمناک‌اش بود. بعداً دوستان‌ام به من گفتند هنگامی که من از سالن خارج می‌شدم، با نگاه‌اش مرا تعقیب می‌کرده است.

● هنگامی که درست یک هفته بعد، تقاضای ازدواج با او را شنیدید چه احساسی داشتید؟

— یک هفته پس از اولین دیدار، شاه مرا به خانه‌ی دختر ارشدش والاحضرت شهناز دعوت کرد. پس از یک شام رسمی که به افتخارش ترتیب داده شده بود و میهمانان خداحافظی می‌کردند، او در کنار من نشست و می‌پرسید: «می‌خواهید همسر من شوید؟» قلب‌ام به شدت شروع به تپیدن کرد. تنها چیزی که می‌توانستم بگویم «آری» بود. سال‌ها بعد از او پرسیدم: «برای چه مرا انتخاب کردید؟» شاه با تسمی آشکار پاسخ داد: «زیرا شما بسیار طبیعی و بی‌تکلف هستید.»

● نوه‌های شما نماد نسل جدید خاندان پهلوی هستند. در تربیت و آموزش آنان تا چه حد شرکت داشته و دارید؟

— با پدر و مادرشان سعی کرده‌ایم فشار شاهزاده‌خانم بودن را زیاد احساس نکنند. البته می‌دانند که در تبعید زندگی می‌کنند. خوشی خودشان را حفظ می‌کنند. به محض آن که فرصتی دست دهد عکس‌های ایران را به آنان نشان می‌دهم.

● شاهزاده‌خانم نور (فرزند شاهزاده رضا مانند خواهران‌اش ایمان و فرح) دختر جوان باهوشی است. در درس‌هایش بسیار جدی و با علاقه، با قلبی بسیار رئوف و با محبت. شاهزاده خانم ایمان واقعا دوست‌داشتنی و مهربان است.

● هر سه ورزشکار و ورزش‌دوست هستند و شاید از من به ارث برده‌اند. من خیلی تنیس بازی کرده و راهپیمایی کرده‌ام. بالاخره شاهزاده‌خانم کوچولو ایرنیا (فرزند شاهزاده علیرضا دومین پسر شاه و شهبانو) واقعا دوست‌داشتنی و بسیار

● حضور پادشاهم هر روز بزرگترین کمبود زندگی من است. به لطف شخصی که هنگام یاد کردن از او، برقی محبتی در دیدگان‌شان دیده می‌شود، او همواره نزد من و نزدیک من بوده و هست. خوشبختانه با وجود سالیان درازی که گذشته و می‌گذرد و برای مردم ایران دشوارتر می‌شود که ندانند شاه کیست و چقدر کشور و مردم کشورش را دوست داشت، بسیاری از ایرانیان که از نظر سیاسی طرفدارش نبودند، امروز با عزمی راسخ نزد من می‌آیند و می‌گویند که انقلاب ۱۹۷۹ اشتباهی بزرگ بود.

● شاه به‌عنوان پدر و همسر چگونه آدمی بود؟ بزرگترین صفات او برای یک مرد سیاسی چه بود؟

— شاه نسبت به فرزندان‌اش بسیار مهربان بود. وقتی فرزندان‌اش در اطراف‌اش بودند دیگر نظم خاصی در میان نبود. بچه‌ها روی تخت می‌پریدند و هنگامی که چیزی از او می‌خواستند به اتاق و دفترش می‌پریدند و شلوغی می‌کردند. شاه مردی بسیار نزدیک به خانواده‌اش بود و شما می‌توانستید او را هنگامی که ما برای تعطیلات کنار دریای خزر و سواحل خلیج فارس می‌رفتیم، ببینید. بچه‌ها به بودن با او، عشق می‌ورزیدند. شاه واقعا مهربان‌ترین موجودی بود که من در تمام عمرم دیدم. وی مردی واقعا با توجه بود که صفت یک جنتلمن واقعی است ولی از همه بیشتر وی آدمی با قلبی بزرگ بود. هنگامی که من ازدواج کردم چون دختر جوانی بودم او به من کمک فراوان کرد. همواره در کنارم بود برای آن که مرا راهنمایی کند. علاوه بر آنکه پدری بی‌نظیر بود، راهنمای بزرگی هم بود. شاه مردی بود که کشورش را بیش از همه چیز دوست می‌داشت. من همواره از دید صائب او، در امور دنیا در شگفت بودم.

● آیا در دور از دسترس‌ترین رویای خود هرگز گمان می‌بردید که روزی ملکه ایران شوید؟

— من هرگز لحظه‌ای را که شاه از من خواست که همسرش بشوم، از یاد نمی‌برم. در حالی که با نگاهی عمیق مرا می‌نگریست، اظهار داشت: «هنگامی که ملکه‌ی من شدید، وظیفه‌ی خطیری نسبت به هم‌میهن‌ان‌تان خواهید داشت و آنچه شما را به کار روزانه تشویق خواهد کرد، محبت هم‌میهن‌ان‌تان نسبت به شماست که به شما نیرو خواهد داد که بدون وقفه فعالیت کنید.» نخستین خاطره‌ی من از شاه به دوران کودکی‌ام باز می‌گردد که مادرم مرا روی دست بلند کرد تا شاه را که از مقابل ما می‌گذشت، ببینم. من هرگز گمان نمی‌کردم که چند سال بعد همسرش خواهم بود و همراه او با عنوان ملکه‌ی ایران راه خواهم رفت.

● نخستین دیدارتان با شاه چگونه گذشت؟

— من شاه را در سال ۱۹۵۹ در یک میهمانی در سفارت ایران در پاریس دیدم. در آن زمان من دانشجوی جوانی بودم که در رشته معماری تحصیل می‌کردم و روزی که کارت دعوت به دستم رسید با او ملاقات کردم. به یاد دارم که به مادرم نوشتم که به دنبال تهیه‌ی یک پیراهن قشنگ هستم. هنگامی که در برابر او قرار گرفتم، خود را خوشبخت‌ترین زن دنیا می‌دیدم. ما چند دقیقه‌ای صحبت کردیم و شاه از این که من در رشته معماری تحصیل می‌کنم تحت تأثیر قرار گرفت. آنچه در خاطرمانده چشمان غمناک‌اش بود. بعداً دوستان‌ام به من گفتند هنگامی که من از سالن خارج می‌شدم، با نگاه‌اش مرا تعقیب می‌کرده است.

● هنگامی که درست یک هفته بعد، تقاضای ازدواج با او را شنیدید چه احساسی داشتید؟

— یک هفته پس از اولین دیدار، شاه مرا به خانه‌ی دختر ارشدش والاحضرت شهناز دعوت کرد. پس از یک شام رسمی که به افتخارش ترتیب داده شده بود و میهمانان خداحافظی می‌کردند، او در کنار من نشست و می‌پرسید: «می‌خواهید همسر من شوید؟» قلب‌ام به شدت شروع به تپیدن کرد. تنها چیزی که می‌توانستم بگویم «آری» بود. سال‌ها بعد از او پرسیدم: «برای چه مرا انتخاب کردید؟» شاه با تسمی آشکار پاسخ داد: «زیرا شما بسیار طبیعی و بی‌تکلف هستید.»

● نوه‌های شما نماد نسل جدید خاندان پهلوی هستند. در تربیت و آموزش آنان تا چه حد شرکت داشته و دارید؟

— با پدر و مادرشان سعی کرده‌ایم فشار شاهزاده‌خانم بودن را زیاد احساس نکنند. البته می‌دانند که در تبعید زندگی می‌کنند. خوشی خودشان را حفظ می‌کنند. به محض آن که فرصتی دست دهد عکس‌های ایران را به آنان نشان می‌دهم.

● هنگامی که با شاه عروسی کردم متوجه شدم که تا چه اندازه حمایت از فرهنگ، از بناهای تاریخی و هنرمندان جوان ضروری است

● می‌ترسیدم کلکسیون من که از هنر معاصر گردآوری کرده بودم به وسیله‌ی انقلابیون ویران شود خوشبختانه رئیس موزه آقای کوثر به این فکر افتاد که تمام تابلوها را در صندوق بگذارد و به زیرزمین‌ها منتقل کند

● انقلابیون تابلویی را که اندی وار هول از من کشیده بود با چاقو پاره کردند

● روزی نمی‌گذرد که به یاد و فکر لیلا و علیرضا نیاشم

● در کنار رضا احساس می‌کنم پشتیبان دارم

چندی پیش مجله فرانسوی Point de Vue گزارش مفصلی درباره‌ی خانواده سلطنتی ایران و به ویژه شهبانو فرح پهلوی منتشر کرد که روی جلد آن نیز به شهبانو و چهار نوه‌ی ایشان اختصاص داشت.

این مجله همراه با انتشار مصاحبه‌ای طولانی با شهبانو نوشت: «برای نخستین بار، ملکه فرح ما را همراه با چهار نوه‌اش می‌پذیرد.»

پرسش: علیاحضرتا، شما که در سال ۱۹۷۹ ایران را ترک کردید امروز چگونه با این واقعیت که مظهر ایران به شمار می‌روید، زندگی می‌کنید؟

پاسخ: هم‌میهن‌انم حتی آنان که جوانتر هستند با وجود تبلیغات و شایعات نادرستی که درباره‌ی خانواده‌ام و من از زمان وقوع انقلاب به وجود آورده‌اند با من مکاتبه می‌کنند و پیام‌هایی پر از احساس محبت برایم می‌فرستند. این پیام‌ها واقعا دلنشین هستند و به من نیرو و توان می‌دهند. مهر ملت‌ام هر روز به من این توانایی را می‌بخشد که ادامه دهم. می‌بینم که نسل جوان کشورم رشد می‌کنند و متوجه می‌شوم که پدر این گیاهان که با عشق کاشته شده هرگز خشک نمی‌شود و نمی‌میرد.

● درباره‌ی شاه از چه چیز احساس کمبود می‌کنید؟

— حضور پادشاهم هر روز بزرگترین کمبود زندگی من است. به لطف شخصی که هنگام یاد کردن از او، برقی محبتی در دیدگان‌شان دیده می‌شود، او همواره نزد من و نزدیک من بوده و هست. خوشبختانه با وجود سالیان درازی که گذشته و می‌گذرد و برای مردم ایران دشوارتر می‌شود که ندانند شاه کیست و چقدر کشور و مردم کشورش را دوست داشت، بسیاری از ایرانیان که از نظر سیاسی طرفدارش نبودند، امروز با عزمی راسخ نزد من می‌آیند و می‌گویند که انقلاب ۱۹۷۹ اشتباهی بزرگ بود.

● شاه به‌عنوان پدر و همسر چگونه آدمی بود؟ بزرگترین صفات او برای یک مرد سیاسی چه بود؟

— شاه نسبت به فرزندان‌اش بسیار مهربان بود. وقتی فرزندان‌اش در اطراف‌اش بودند دیگر نظم خاصی در میان نبود. بچه‌ها روی تخت می‌پریدند و هنگامی که چیزی از او می‌خواستند به اتاق و دفترش می‌پریدند و شلوغی می‌کردند. شاه مردی بسیار نزدیک به خانواده‌اش بود و شما می‌توانستید او را هنگامی که ما برای تعطیلات کنار دریای خزر و سواحل خلیج فارس می‌رفتیم، ببینید. بچه‌ها به بودن با او، عشق می‌ورزیدند. شاه واقعا مهربان‌ترین موجودی بود که من در تمام عمرم دیدم. وی مردی واقعا با توجه بود که صفت یک جنتلمن واقعی است ولی از همه بیشتر وی آدمی با قلبی بزرگ بود. هنگامی که من ازدواج کردم چون دختر جوانی بودم او به من کمک فراوان کرد. همواره در کنارم بود برای آن که مرا راهنمایی کند. علاوه بر آنکه پدری بی‌نظیر بود، راهنمای بزرگی هم بود. شاه مردی بود که کشورش را بیش از همه چیز دوست می‌داشت. من همواره از دید صائب او، در امور دنیا در شگفت بودم.

● آیا در دور از دسترس‌ترین رویای خود هرگز گمان می‌بردید که روزی ملکه ایران شوید؟

— من هرگز لحظه‌ای را که شاه از من خواست که همسرش بشوم، از یاد نمی‌برم. در حالی که با نگاهی عمیق مرا می‌نگریست، اظهار داشت: «هنگامی که ملکه‌ی من شدید، وظیفه‌ی خطیری نسبت به هم‌میهن‌ان‌تان خواهید داشت و آنچه شما را به کار روزانه تشویق خواهد کرد، محبت هم‌میهن‌ان‌تان نسبت به شماست که به شما نیرو خواهد داد که بدون وقفه فعالیت کنید.» نخستین خاطره‌ی من از شاه به دوران کودکی‌ام باز می‌گردد که مادرم مرا روی دست بلند کرد تا شاه را که از مقابل ما می‌گذشت، ببینم. من هرگز گمان نمی‌کردم که چند سال بعد همسرش خواهم بود و همراه او با عنوان ملکه‌ی ایران راه خواهم رفت.

● نخستین دیدارتان با شاه چگونه گذشت؟

— من شاه را در سال ۱۹۵۹ در یک میهمانی در سفارت ایران در پاریس دیدم. در آن زمان من دانشجوی جوانی بودم که در رشته معماری تحصیل می‌کردم و روزی که کارت دعوت به دستم رسید با او ملاقات کردم. به یاد دارم که به مادرم نوشتم که به دنبال تهیه‌ی یک پیراهن قشنگ هستم. هنگامی که در برابر او قرار گرفتم، خود را خوشبخت‌ترین زن دنیا می‌دیدم. ما چند دقیقه‌ای صحبت کردیم و شاه از این که من در رشته معماری تحصیل می‌کنم تحت تأثیر قرار گرفت. آنچه در خاطرمانده چشمان غمناک‌اش بود. بعداً دوستان‌ام به من گفتند هنگامی که من از سالن خارج می‌شدم، با نگاه‌اش مرا تعقیب می‌کرده است.

کانادا در سال ۲۰۱۷ سیصد هزار پناهنده و مهاجر می‌پذیرد

دریافت شهروندی کانادا بسیار دشوار شد. این قوانین به شدت و به صورت گسترده اعتراض مهاجران، شهروندان، حقوقدانان، مشاوران امور مهاجرت و نمایندگان و رهبران احزاب اپوزیسیون و رسانه‌ها را به دنبال داشت تا آنجا که تغییر این قوانین به یکی از مطالبات اصلی

● دوره جدیدی که در سیاست‌های مهاجرتی کانادا با بر سر کار آمدن جاستین ترودو شروع شده یادآور سال‌های طلایی مهاجرت در دهه ۱۹۷۰ است

● بیل گیتس، ثروتمندترین مرد جهان ضمن تحسین اقدام شایسته کانادا در پذیرش بسیار سریع ۲۵ هزار پناهنده سوری گفت: پذیرش پناهجویان برای اقتصاد کانادا سودمند است

● محافظه‌کاران در دوره ده ساله حکومت خود قوانینی به تصویب رساندند که مردم کانادا را به شهروند درجه یک و درجه دو تقسیم می‌کرد

● کانادا ۹۰۰ میلیون دلار برای بهبود وضعیت کیفی و کمی‌زندگی سوری‌هایی که در اردوگاه‌های پناهندگی زندگی می‌کنند، کمک انسان‌دوستانه کرده است



همگان تبدیل شد. این قوانین به گونه‌ای بود که دولت می‌توانست به دلایل مختلف تابعیت شهروندان را لغو و آنها را از کشور اخراج کند. بسیاری از تحلیلگران و ناظران امور سیاسی یکی از دلایل عمده شکست محافظه‌کاران در انتخابات فدرال ۱۹ اکتبر ۲۰۱۵ را همین تغییرات عمده در ارتباط با مهاجران و قوانین تابعیت دانسته‌اند.

لیبرال‌ها که در سال ۲۰۰۶ پس از یک دوره طولانی حدوداً چهارده ساله قدرت حکومتی را از دست دادند، در جریان مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۵ یکی از وعده‌های عمده‌شان لغو همین قوانین بود و اجرای وعده‌هایی در زمینه سیاست‌های جدید پناهندگی و مهاجرپذیری بود. از جمله جاستین ترودو رهبر حزب لیبرال و نخست وزیر کنونی کانادا در اوج بحران آوارگان سوری و وضعیت رقت‌بار آنها در اردوگاه‌های پناهندگی اردن، ترکیه و لبنان وعده داد در صورت پیروزی در انتخابات تا آخر سال ۲۰۱۵ مجموعاً بیست و پنج هزار سوری آواره را به سرعت به کانادا آورده و در اینجا اسکان خواهد داد. کاری که با کمی تأخیر در تاریخ ۲۷ فوریه ۲۰۱۶ با حمایت گسترده مردم به طور کامل انجام شد. وی علاوه بر این وعده داده تا آخر امسال مجموعاً شمار پناهندگان سوری پذیرفته شده در خاک کانادا را به بیش از ۳۵ هزار نفر برساند. کانادا برای بهبود وضعیت کیفی و کمی زندگی پناهندگانی که از جنگ سوریه فرار کرده‌اند، مبلغی بیش از ۹۰۰ میلیون دلار کمک‌های انسان‌دوستانه کرده است. جاستین ترودو در دهم دسامبر ۲۰۱۵ خود در فرودگاه پیرسون تورنتو به استقبال اولین گروه پناهندگان سوری رفت و به آنها خوش‌آمد گفت. بیل گیتس بنیانگذار شرکت مایکروسافت و ثروتمندترین مرد جهان ضمن تحسین این اقدام کانادا در مصاحبه‌ای با ستایش از این اقدام و تبریک به مردم و دولت تازه به قدرت رسیده لیبرال گفت: «پذیرش پناهجویان برای اقتصاد کانادا سودمند است.»

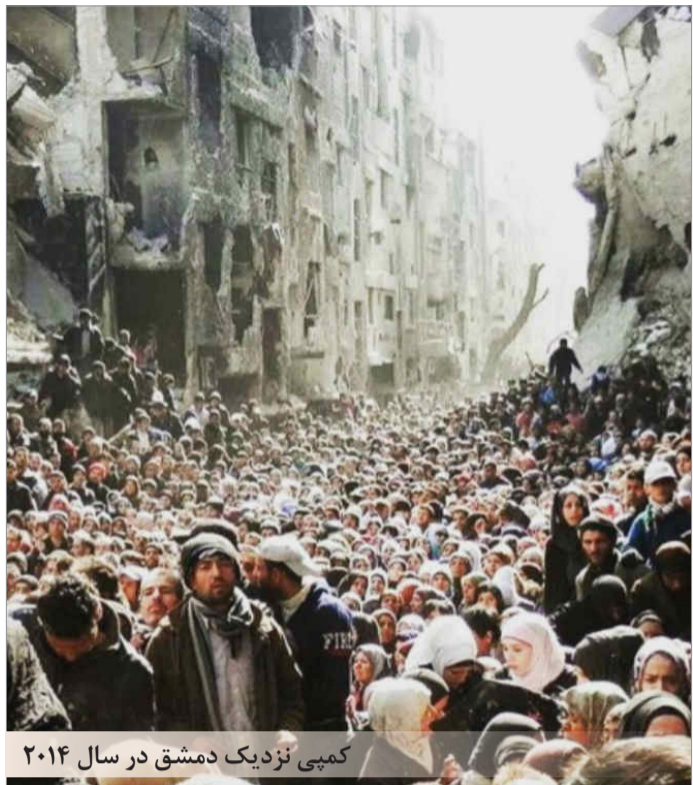
علی شریفیان - کانادا به وسیله دیوید مک کالوم، وزیر امور پناهندگی، مهاجرت و شهروندی دولت فدرال رسماً اعلام کرد شمار پذیرش پناهنده و مهاجر در سال پیش رو برای کمک به رشد اقتصادی کشور و توازن سن جمعیت کانادا در کشور به سیصد هزار نفر افزایش خواهد یافت.

رئیس فراکسیون حزب لیبرال در مجلس عوام در این زمینه توضیح داده است که «افزایش پذیرش پناهنده و مهاجر نه تنها سبب رشد اقتصادی، بلکه باعث تقویت بافت جمعیتی کانادا هم می‌شود.» این تعداد، حداقلی است که دولت برنامه دارد که بپذیرد.

کانادا پس از این تعداد قابل ملاحظه از سال ۲۰۱۷ به مدت پنج سال شمار پناهندگان و مهاجرانی که خواهد پذیرفت به ۴۵۰ هزار نفر در سال افزایش خواهد داد. از کل سیصد هزار نفر، ۵۷۵ درصد مهاجران در رشته‌های مختلف از جمله مهاجر ماهر، سرمایه‌گذار، مهاجرانی که ایجاد اشتغال کنند در ارتباط با رشد اقتصادی، ۲۸ درصد در ارتباط با خانواده‌ها به شکل‌ها و در موارد مختلف، ۱۳ درصد پناهنده و ۲ درصد باقی مانده مهاجران و پناهجویانی خواهند بود که موارد آنها جنبه انسان‌دوستانه خواهد داشت. علاوه بر افزایش پذیرش بیشتر، اصلاحات و تغییرات عمده‌ای هم در قوانین و سرعت روند کار پذیرش پناهندگان و مهاجران انجام گرفته و خواهد گرفت.

در طول حدود تقریباً یک دهه که محافظه‌کاران از سال ۲۰۰۶ تا اوایل نوامبر ۲۰۱۵ قدرت حکومتی را در دست داشتند، اساساً ساختار و سمت و سوی حرکت کانادا در هزاره سوم تقریباً در تمام زمینه‌ها و بر خلاف سنت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این کشور جوان که در سال آینده یک‌صد و پنجاه سالگی خود را جشن خواهد گرفت از بیخ و بن تغییراتی افراطی ایجاد کردند. بعضی از قوانینی که توسط محافظه‌کاران به تصویب رسیدند عملاً ضد مهاجران و شهروندی بودند که از طریق مهاجرت شهروند کانادا شده بودند. لایحه سی ۲۴ که در هفده آوریل سال ۲۰۰۹ به وسیله دولت محافظه‌کار به تصویب رسید شامل مقرراتی می‌شد که کانادایی‌ها را عملاً به شهروندان درجه یک و درجه دو تقسیم می‌کرد و بندهای محدودکننده‌ای را به قانون سی ۳۷ شهروندی کانادا می‌افزود. بر اساس این بندها عملاً کسانی کانادایی به شمار می‌رفتند که در کانادا به دنیا آمده باشند و در موارد دیگر و به ویژه از طریق مهاجرت و پناهندگی

ترجمه‌ی «آزادسازی» بر ویرانه‌های حلب: جسد و خاک و خون و آوار



کمپی نزدیک دمشق در سال ۲۰۱۴

● ساکنین جنگ‌زده حلب منتظرند تا ساعاتی دیگر آتش بس اعلام شود

● شمار کشته‌شدگان غیرنظامی به ۱۳۸ نفر رسیده است

● «شیخ مقصود» آخرین محله در دست شورشان در شرق حلب است که ده‌ها غیرنظامی در آنجا محاصره هستند

به دنبال «آزادسازی» کامل شرق حلب توسط نیروهای بشاراسد، صبح روز پنج‌شنبه، ۲۵ آذر، یک مقام دولتی سوریه گفته عملیات برای خروج شبه‌نظامیان شروع شده است. زمان دقیق شروع آتش‌بس و تخلیه غیرنظامیان در حاله‌ای از ابهام قرار دارد، رسانه‌های ایران می‌گویند مذاکرات برای توافق بر سر آتش‌بس پیچیده است و هنوز زمان دقیق آن مشخص نیست، رسانه‌های نزدیک به حزب‌الله خبر می‌دهند که تا ساعاتی دیگر تخلیه شهروندان و غیرنظامیان آغاز خواهد شد.

اختلاف بر زمان آتش‌بس از دو روز پیش آغاز شد. ایران و شبه‌نظامیان تحت حمایت جمهوری اسلامی زیربار آتش‌بس نرفته و پیش‌شرط گذاشته‌اند، در مقابل روسیه و حزب‌الله بعد از مذاکرات بین‌المللی قبول کردند که آتش‌بس را آغاز کنند. از شواهد پیداست میداندار حلب فقط ارتش سوریه نیست، بلکه شبه‌نظامیان جمهوری اسلامی نیز بسیاری از مناطق شرقی را تحت کنترل خود گرفته‌اند و با ایجاد ایست بازرسی از تخلیه شهر جلوگیری می‌کنند. با «آزادسازی» حلب جنگ لفظی بین مقامات ارشد ایران و ترکیه نیز آغاز شد. دو طرف یکدیگر را محکوم به دخالت می‌کنند. خبرگزاری آناتولی ترکیه گزارش داده نیروهای دولتی سوریه به همراه شبه‌نظامیان حامی ایران در شهر دست به اعدام غیرنظامیان زده‌اند.

این خبرگزاری گزارش داده، شبه‌نظامیان شیعه وابسته به ایران صبح پنج‌شنبه غیرنظامیان شرق حلب را که در حال تخلیه این شهر بودند هدف شلیک مستقیم گلوله قرار دادند که چندین کشته و زخمی بر جای گذاشته است.

تیترو روزنامه محافظه‌کار «وطن امروز» درباره آزادی شهر حلب و مقایسه آن با آزادی حرمشهر همچنین گزارش شده نیروهای شیعه کاروان اتوبوس‌های حامل غیرنظامیان را در ایست بازرسی «رموسه» متوقف می‌کنند. همزمان خبر می‌رسد که مولود

لوازم دیگری برای گرم کردن خود هستند. از آغاز عملیات «آزادسازی» حلب (۱۵ نوامبر) شمار کشته‌شدگان غیرنظامی به ۱۱۳۸ نفر رسیده است. سازمان پزشکان بدون مرز تلاش می‌کند راهی برای رساندن کمک‌های امدادی به داخل شهر پیدا کند. ایران و ترکیه جداگانه اعلام کرده‌اند کمک‌های انسان‌دوستانه خود را به سوریه ارسال خواهند کرد. خبرگزاری اینترفاکس به نقل از وزارت دفاع روسیه، اعلام کرد طی

چاوش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه با جواد ظریف، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران تلفنی درباره حلب گفتگو کردند. سردار جزایری سخنگوی ارشد نیروهای مسلح با تبریک به خاطر «آزادی» حلب گفته است: «آمریکا و اذنباش از شکست‌ها و ناکامی‌ها عبرت بگیرند.» آناتولی به نقل از نجیب انصاری، مدیر دفاع مدنی حلب نوشته «خیابان‌ها مملو از اجساد است و شمار زیادی از آنها در زیر آوار قرار

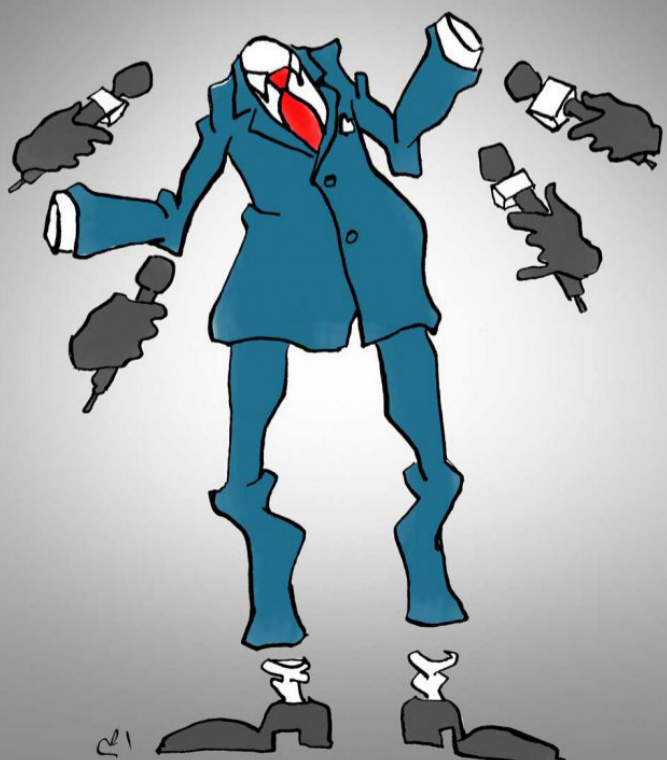


نیروی‌های امدادی موسوم به کلاه‌سفیدها مشغول تخلیه اجساد از زیر آوار در حلب

درد که ما نمی‌توانیم آنها را بیرون بیاوریم.» ابراهیم ابولیت، سخنگوی این نهاد نیز گفته: «هزاران نفر در اثر بمباران از مناطق تحت کنترل مخالفان به مناطق کم‌وسعتی که این مخالفان تسلط بر آن داشتند مهاجرت کردند. خانواده‌های دارای فرزند چیزی برای خوردن ندارند. با توجه به سرما در این منطقه این افراد فاقد سوخت یا

درد که ما نمی‌توانیم آنها را بیرون بیاوریم.» ابراهیم ابولیت، سخنگوی این نهاد نیز گفته: «هزاران نفر در اثر بمباران از مناطق تحت کنترل مخالفان به مناطق کم‌وسعتی که این مخالفان تسلط بر آن داشتند مهاجرت کردند. خانواده‌های دارای فرزند چیزی برای خوردن ندارند. با توجه به سرما در این منطقه این افراد فاقد سوخت یا

کاریکاتورهای «ا. بارکی»



پوبلیسیس در اروپا و آمریکا

کانادا با ده میلیون متر مربع پس از روسیه بزرگترین کشور جهان و ظرفیت جمعیتی خیلی بیشتر از جمعیت کنونی خود را دارد. پیش‌بینی شده در سال ۲۱۰۰ جمعیت کانادا به یک صد میلیون نفر برسد.

دوره جدیدی که در سیاست‌های مهاجرتی کانادا با بر سر کار آمدن جاستین ترودو نخست وزیر دولت لیبرال آغاز شده یادآور سال‌های طلایی مهاجرت در دهه ۱۹۷۰ است. دورانی که پیر الیوت ترودو رهبر و نخست وزیر کانادا بود. پیر ترودو از درخشان‌ترین چهره‌های سیاسی تاریخی کاناداست. او دست‌آوردهای بسیاری در شانزده سالگی که در قدرت بود برای کانادا داشت. رسمیت و تقویت دو زبانه بودن کانادا، تقویت و توجه به جامعه چندفرهنگی و چندملیتی و تصویب نمودار آزادی‌ها و حقوق شهروندی کانادایی‌ها و هم‌میتنظر توجه به موضوع مهاجرت و امضای قانون ویژه استقلال کانادا از بریتانیا که در سال ۱۹۸۲ به وسیله پیر ترودو و ملکه الیزابت دوم در اتاوا انجام گرفت از جمله این دست‌آوردها هستند.

زنان شاخص

مهرانگیز دولتشاهی (۱۳۸۷ - ۱۲۹۶)



مهرانگیز دولتشاهی دیپلمات ایرانی، سه دوره نماینده مجلس شورای ملی و فعال حقوق زنان بود. وی اولین زن ایرانی بود که توانست در تاریخ معاصر ایران به مقام سفیر نایل شود. مهرانگیز خواهرزاده صادق هدایت، دختر محمدعلی میرزا شکوه الدوله، وزیر پست و تلگراف و تلفن در حکومت پهلوی، خواهر مهین دولتشاهی، همسر مظفر فیروز وزیر کار در کابینه احمد قوام می‌باشد. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در آلمان گذراند و موفق به کسب مدرک دکترای در رشته علوم اجتماعی شد. وی بخش عمده‌ای از عمر خود را صرف بهبود امور زنان ایرانی کرد. وی پیش از سفر کاری به دانمارک، «جمعیت راه نو» را تاسیس کرده بود که در جهت احقاق حقوق زنان ایرانی فعالیت می‌کرد. او برای اینکه به روحانیت آن زمان نشان دهد فعالیت این جمعیت در جهت بی بندوباری زنان جامعه نیست، با تنی چند از روحانیان برجسته زمان من جمله آیت‌الله بروجردی و امام

موسی صدر دیدارهایی داشت. وی یکی از مبتکران قانون حمایت خانواده بود که حق طلاق را برای زنان به رسمیت می‌شناخت و اختیار همسر دوم را توسط مرد منوط به اجازه همسر اول می‌کرد. کتاب جامعه، دولت و جنبش زنان ایران از آخرین نوشته‌های مهرانگیز دولتشاهی است. در سال ۱۳۵۴ برای تصدی سفارت ایران در دانمارک از وی دعوت به عمل آمد و به عنوان اولین سفیر زن عازم سفارت ایران در دانمارک شد. وی در مهر ۱۳۸۷ در سن ۹۱ سالگی در پاریس درگذشت.

ویژگی‌هایی که از والدین به ارث می‌برید، اما خبر ندارید

شما چشمانی سبز مانند مادر خود یا قدی بلند مانند پدر خود دارید. چیزهایی شبیه این‌ها باور نکردنی خواهند بود وقتی که به آنها فکر می‌کنید. ما رفتارهای طبیعی‌مان را به ارث می‌بریم، دقیقاً یک رونوشت از ژن پدر و مادرمان. همین طور بسیاری از عادت‌ها و رفتار و خصوصیات ظاهری را از نسل‌های قبل‌ترمان نیز به ارث خواهیم برد. اما ما اینجا می‌خواهیم یک سری از چیزها که شما به ارث برده‌اید را برای شما توضیح دهیم که تا به حال شاید نشنیده باشید.

درس سرزنش می‌کند، و می‌گوید که من در زمان تحصیل از تو بهتر بودم زیاد ناراحت نشوید زیرا ۵۵ درصد پیشرفت تحصیلات آکادمیک از وراثت ژنتیکی پیروی می‌کنند. حدود ۱۰۰۰ ژن شما مسئولیت انجام پیشرفت‌های تحصیلی شما را در مدرسه بر عهده دارند، پس اگر والدین شما قابلیت‌های ممتازشان را در زمان تحصیل برای شما اثبات کرده‌اند، این را بدانید که شما دارای یک پتانسیل عالی برای تحصیلات آکادمیک هستید.

۴. عشق به قهوه

آیا زیاد قهوه می‌نوشید؟ دانشمندان یک مطالعه مقایسه‌ای بین افرادی که بدون قهوه نمی‌توانند زندگی کنند با کسانی که بود یا نبود قهوه برایشان فرقی نمی‌کند انجام داده‌اند. نتیجه

۱. کلسترول بالا

بسیاری از مردم بر این باورند که سطح کلسترول‌شان مرتبط است با غذایی که می‌خورند. اگر شما بخواهید یک زندگی شاد و طولانی داشته باشید، احتیاج به مصرف سبزی و میوه تازه خواهید داشت. این اعتقاد خیلی هم خوب است اما تمام ماجرا نیست. گاهی بالا بودن کلسترول به رژیم غذایی شما وابسته نیست بلکه به ژن‌های شما ربط دارد. از هر ۵۰۰ نفر یک نفر دارای یک جهش ژنتیکی است که باعث تجمع کلسترول در خونش می‌شود. این درحالی است که شاید این افراد حتی چیزی بجز سبزیجات مصرف نکنند.

۲. طاسی یک الگوی مردانه است که ما از مادرمان به ارث می‌بریم

یکی از ژن‌هایی که نقش مهمی در طاسی مردان بازی می‌کند در کروموزوم X موجود است، که مردان آن را از مادر خود به ارث می‌برند! اما نباید به علت این کم پشتی موهایتان مادر خود را سرزنش کنید، زیرا ژن‌های دیگری که به این امر کمک می‌کنند را از پدر خود به ارث برده‌اید! البته فراموش نشود که علاوه بر این‌ها عوامل محیطی نیز به بروز این مشکل کمک خواهند کرد.

۳. موفقیت تحصیلی

هنگامی که مادری فرزند خود را برای گرفتن نمره پایین در یک



تاثیرات مهم اشک ریختن

بیشتر افراد فکر می‌کنند که گریه کردن تنها باعث تورم و قرمزی چشم و تار شدن دید هنگام ریختن اشک می‌شود، در صورتی که گریه کردن به نوبه خود مزیت‌هایی را نیز به همراه دارد. اشک‌ها دسته‌های مختلفی دارند که در میان آن‌ها احساسی و عاطفی منتقل‌کننده سطح بالاتری از فشار روحی هستند و این قابلیت آرام‌بخشی بیشتری دارند. با وجود اینکه اشک ریختن می‌تواند تاثیرات مثبتی بر سلامتی داشته باشد، اما نباید فراموش کنیم که اشک زیاد موجب خشکی و آسیب به چشم و ضررهای فراوان دیگری می‌شود، بنابراین در اشک ریختن هم مثل بقیه فعالیت‌ها نباید افراط شود. در این جا به ۶ خاصیت شگفت‌انگیز اشک ریختن اشاره می‌کنیم: ۱- خارج کردن سموم: اشک ریختن به بدن کمک می‌کند تا از مواد شیمیایی موجود در بدن که سبب افزایش کورتیزول و هورمون استرس‌ها شود. ۲- از بین بردن باکتری‌ها: اشک حاوی لیزوزیم مایع است که می‌تواند ۹۰ تا ۹۵ درصد از باکتری‌های بدن را تنها در ۵ تا ۱۰ دقیقه از بین ببرد. ۳- بهبود دید چشم: اشک‌هایی که توسط غده اشکی ساخته می‌شود، در واقع می‌تواند به روشن‌تر کردن دید و مرطوب کردن چشم و پلک کمک کند. ۴- بهبود خلق و خو: شاید بتوان گفت اشک می‌تواند بهتر از هر داروی ضد افسردگی خلق و خو و حالت روحی را بهبود بخشد. ۵- کاهش فشار روحی و اضطراب: گریه مناسب می‌تواند سبب ایجاد تسکین و آرامش در بدن شود و تنش را از این طریق کاهش می‌دهد. ۶- افزایش ارتباط و تعامل: اشک ریختن می‌تواند احساس و کلماتی را ابراز کند که در ارتباطات قابل زندگی دارند. بیان کردن نیست. رخ می‌دهد. تنها دلیل آن می‌تواند یک جهش ژنتیکی باشد.

۶. کور رنگی از مادر به ارث می‌رسد

ناتوانی در تشخیص و تفاوت گذاشتن بین بعضی رنگ‌ها اغلب می‌تواند ناشی از اختلال ژنتیکی باشد که برای یک پسر از مادرش به ارث می‌رسد.

۷. مشکل در هضم لاکتوز

این موضوع ممکن است برای شما عجیب باشد. ۶۵ درصد افراد بزرگسال در هضم کردن لاکتوز یا



همان قند شیر مشکل دارند. بهتر است بدانید که این مشکل هم از ژنتیک افراد ناشی می‌شود. وقتی یک کودک خیلی کوچک است و برای زنده ماندن احتیاج به شیر دارد، بدنش یک آنزیم تولید می‌کند که بتواند لاکتوز را هضم کند. وقتی که بزرگ شد تواناییش را در جذب محصولات شیر از دست می‌دهد. فقط کسر محدودی از افراد قدرت تحمل لاکتوز را در بزرگسالی خواهند داشت، این بدان معناست که آنها امکان هضم شیر را در هر سنی خواهند داشت.

۸. توانایی هدایت یک اتومبیل

دانشمندان به این فکر بودند که چرا همه افراط‌توانایی راندن اتومبیل را ندارند؟ شما می‌توانید تمام قوانین رانندگی را فرا بگیرید و در امتحان آن قبول شوید. اما اگر شما دارای ژن‌های مخصوصی برای جهت‌یابی یا سرعت در عکس‌العمل و هماهنگی بین دست و پا و چشم‌ها و مغزتان نباشید، رانندگی کردن بدترین ایده برای شما خواهد بود. دانشمندان معتقدند که این ژن فقط در ۳۰ درصد افراد موجود است.



زن روز



مباد عمر درین آرزو تباه کنم که بی رقیب به رویت دمی نگاه کنم تو دور از منی ای نازنین من، بگذار به یاد چشم تو این نامه را سیاه کنم نیم چو پر تو مهتاب تا نخوانده، شبی به کنج خوابگهت جست و جوی راه کنم ز عمر، صحبت اهل دل ست حاصل من درین محاسبه حاشا که اشتباه کنم خمیده پشت، چو نرگس، نمی توانم زیست درین امید که از تاج زر کلاه کنم نخت دیده سیمین ز تاب دوری دوست به صدق دعویش ای شب! تو را گواه کنم

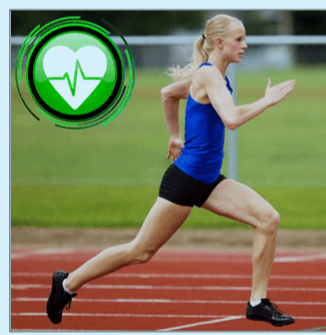
سیمین بهبهانی

در تناسب اندام چه اشتباهات ورزشی می‌کنیم؟

هرچه میزان استفاده از وزن بدن در این تمرین دشوار باشد، به اندازه استراحت در قالب نقطه شروعی برای تمرین بعدی‌تان می‌پردازیم. مثلاً در مقایسه تمرین درازنشست با رکاب‌زنی سریع روی دستگاه: شما نمی‌توانید درازنشست را آنقدر سریع یا سخت به همان میزانی انجام دهید که در همان بازه زمانی روی دوچرخه انجام می‌دادید. این بدان معناست که به منظور رسیدن به همان شدت، باید زمان بیشتری را برای انجام تمرین هوازی با استفاده از وزن‌تان صرف کنید. بنابراین این تمرینات دایره‌ای کمی طولانی‌تر خواهد شد، در شرایطی که زمان استراحت نیز همان میزان خواهد بود. برای مثال حدوداً ۳۰ ثانیه طول می‌کشد تا ضربان قلب شما روی تردمیل به یک میزان مشخص برسد، در حالی که رسیدن به همان میزان ضربان قلب حین

خواهد بود. در اینجا به برخی از دستورالعمل‌های شایع درباره میزان استراحت در قالب نقطه شروعی برای تمرین بعدی‌تان می‌پردازیم. **تمرینات اینتروال با شدت بالا:** نسبت ورزش و استراحت ۱ به ۲ توصیه می‌شود برای تمرین اینتروال با شدت بالا، آن را با نسبت ۱ به ۲ برای ورزش و استراحت آغاز کنید که به معنای آن است که دو برابر میزانی که ورزش کردید، استراحت خواهید کرد. برای مثال اگر به مدت ۲۰ ثانیه دوی با سرعت و با شدت بالا انجام دادید، برای شروع مجدد آن باید ۴۰ ثانیه استراحت کنید. این کار برای اینتروال‌های کاردیو از جمله دوی سرعتی بر روی تردمیل، دوچرخه ثابت، دستگاه قایق پارویی داخل سالن، دستگاه پله بالارونده و یا تمرین الیپتیکال بوده؛ چرا که می‌توانید شدت آن را خیلی سریع افزایش دهید.

تناسب اندام می‌تواند هم بدن را سالم نگه دارد و هم سرحال بودن فرد را تضمین کند. اشخاصی که بدنسازی می‌روند یا تمرین‌های خاصی همانند دو را انجام می‌دهند بیشتر از دیگران فعال هستند و البته روابط عمومی خوبی دارند. تناسب اندام خوب است اما بصورتی که اشتباهی در آن صورت نگیرد این اشتباهات که می‌گوییم چه اشتباهاتی هستند؟ میزان دقیق استراحت با توجه به خصوصیات فرد و نیز سطح تناسب اندام او متفاوت خواهد بود. در اینجا به برخی از دستورالعمل‌های شایع



انجام تمرینات پرشی یا بشین‌پاشو حدوداً ۲ دقیقه زمان می‌برد. زمان کلی صرف‌شده برای تمرین در واقع زمانی است که باعث افزایش شدت کلی حرکات دایره‌ای خواهد شد.

کاردیوی حالت ثابت: تا حد امکان با استراحت کم

البته هر تمرین کاردیو نیاز به تمرین اینتروال ندارد. هدف تمرین کاردیو با حالت ثابت در واقع طول مدت زمان است تا شدت تمرین؛ و باید آن را تمرینی عالی برای افزایش میزان استقامت بدن دانست. حین انجام تمرینات کاردیوی حالت ثابت باید سعی کنید که یک شدت متوسط را (یعنی چیزی حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد تلاش) طی بازه زمانی طولانی‌تر مثلاً ۳۰ تا ۶۰ دقیقه در مسیر دوی مشخص حفظ کنید. بنابراین در انجام حرکات هوازی حالت ثابت باید سعی کنید فواصل استراحت‌تان تا حد امکان کم باشد.



تمرین دایره‌ای کاردیو با استفاده از وزن بدن: نسبت ورزش و استراحت ۱ به ۲

تمرین هوازی با وزن بدن - مقاومت بدون وزنه که با سرعتی انجام می‌گیرد که باعث افزایش ضربان قلبتان خواهد شد - می‌تواند تحت تمرینات اینتروال با شدت بالا باشد، اما دلیل خوبی این میان وجود دارد که نشان می‌دهد نسبت ورزش به استراحت آن کمی متفاوت است. نکته این است که

درباره میزان استراحت در قالب نقطه شروعی برای تمرین بعدی‌تان می‌پردازیم.

از وقتتان درست استفاده کنید تا به نتایج دلخواهتان برسید

هیچ‌کس با هدف اتلاف وقت به باشگاه نمی‌رود. اما ورزش کردن بی‌وقفه به مدت یک ساعت هم چندان مفید و کارآمد به نظر نمی‌رسد و وقتی که دارید تمرینات کاردیو اینتروال یا بازه‌ای را انجام می‌دهید، استراحت میان آن‌ها نه تنها محرک شما خواهد بود بلکه لازم و ضروری است. با این حال، یک اشتباه شایع این است که بین تمرینات کاردیو، زمان زیادی را برای ریکاوری یا بازیابی سپری کنید.

صرف انرژی حین تمرین باعث خستگی شده و یکی از معیارهای تناسب اندام فیزیکی، قابلیت شما در ادامه دادن تمرین بدون کم شدن میزان سرعت، قدرت و شدت انجام آن تمرین است. یکی از راه‌های ارتقای این وضعیت این است که خودتان را تحت فشار بگذارید و حتی زمانی که خسته هستید با شدت اولیه تمرین کنید. به مرور زمان، این کار به بدن‌تان کمک خواهد کرد تا در جذب اکسیژن تازه برای عضلات، بازه بیشتری داشته باشد. میزان دقیق استراحت با توجه به خصوصیات فرد و نیز سطح تناسب اندام او متفاوت

مردان شاخص



صادق هدایت
(۱۲۸۱ - ۱۳۳۰)

صادق هدایت نویسنده، داستان‌نویس، مترجم و روشنفکر ایرانی بود. او را همراه بزرگ علوی و صادق چوبک، پدران داستان‌نویسی نوین ایرانی می‌دانند. صادق هدایت در سال ۱۲۸۷ تحصیلات ابتدایی را در سن ۶ سالگی در مدرسه علمیه تهران آغاز نمود. در سال ۱۲۹۳ روزنامه دیواری ندای اموات را در مدرسه انتشار داد و دوره متوسطه را در دبیرستان دارالفنون آغاز نمود؛ ولی در سال ۱۲۹۵ به خاطر بیماری چشم‌درد مدرسه را ترک کرد و در سال ۱۲۹۶ در مدرسه سن‌لویی که مدرسه فرانسوی‌ها بود، به تحصیل پرداخت. هدایت از پیشگامان داستان‌نویسی نوین ایران و روشنفکری برجسته بود. بسیاری از محققان، رمان بوف کور او را، مشهورترین و درخشان‌ترین اثر ادبیات داستانی معاصر ایران دانسته‌اند. هرچند شهرت عام هدایت نویسنده‌ی است، اما آثاری از نویسندگانی بزرگ را نظیر ژان پل سارتر، فرانتس کافکا و آنتون چخوف نیز ترجمه کرده‌است. و ۸۵، در پاریس واقع است.

حجم آثار و مقالات نوشته شده درباره نوشته‌ها، نوع زندگی و خودکشی صادق هدایت بیان‌گر تأثیر ژرف او بر جریان روشنفکری ایران است. بیگانه‌ستیزی و به‌ویژه عرب‌ستیزی، پرستش نژاد ایرانی، ضدیت با اسلام به‌عنوان یک دین غیرایرانی و همچنین پرستش ایران باستان و ایران دوره ساسانی در آثار صادق هدایت دیده می‌شوند. صادق هدایت در ۱۹ فروردین سال ۱۳۳۰ در پاریس خودکشی کرد. آرامگاه وی در گورستان پرلاشرز، قطعه ۸۵، در پاریس واقع است.



تنفس عمیق و مزایای آن

تنفس عمیق فایده‌های زیادی برای سلامتی ما در بر دارد می‌تواند اضطراب ما را تا حدود زیادی کاهش دهد همچنین محققین معتقدند تنفس عمیق در افزایش هوش و ذکاوت و بالا بردن قوای ذهنی ما تأثیرات فراوانی خواهد گذاشت. حتماً برایتان پیش آمده که به شما گفته‌اند «یک نفس عمیق بکش» تا آرام شوی و اضطرابت کم شود. البته به هنگام عصبانیت این آزاردهنده ترین حرفی است که خواهید شنید. محققان دانشگاه نورث وسترن می‌گویند یک تنفس عمیق از راه بینی مغز را تقویت و حافظه را سریع تر می‌کند. البته این موضوع بستگی به این دارد که دم را انجام می‌دهید یا بازدم را و آیا از راه بینی نفس می‌کشید یا دهان. در این مطالعه افراد به هنگام نفس کشیدن توانایی بیشتری در تشخیص سریعتر یک چهره ترسیده داشتند تا زمانی که بازدم را خارج می‌کردند. همچنین به هنگام دم فرو بردن یک شی را بیشتر به یاد می‌آوردند تا هنگام بازدم. البته تمام این تأثیرها در زمان تنفس از راه دهان ناپدید می‌شود. در واقع یافته اصلی این پژوهش این است که فعالیت مغز در ناحیه آمیگدال و هیپوکامپوس در زمان دم از راه بینی بسیار بیشتر و بهتر از زمان بازدم است. وقتی هوا را به داخل ریه می‌آوردید عصب‌های نواحی دستگاه بویایی، آمیگدال و هیپوکامپوس را که همگی در سیستم لیمبیک قرار دارند تحریک می‌کنند. از این مزیت می‌توان به هنگام قرارگیری در یک موقعیت خطرناک که تعداد تنفس‌ها بیشتر می‌شود استفاده کرد چون سریع نفس کشیدن با بینی در تصمیم‌گیری و یادآوری بسیار مؤثر است.



مرد روز



احمد شاملو

زیباترین حرفت را بگو
شکنجه‌ی پنهان سکوت‌ات را آشکاره کن
و هراس مدار از آنکه بگویند
ترانه‌ی بی‌هوده‌ی می‌خوانید.
چرا که ترانه‌ی ما
ترانه‌ی بی‌هوده‌گی نیست
چرا که عشق حرفی بیهوده نیست.
حتی بگذار آفتاب نیز بر نیاید
به خاطر فردای ما اگر
بر ماش منتهی ست؛
چرا که عشق خود فرداست
خود همیشه است.

۸ کاربرد خارق‌العاده از آجیو که شاید تا حالا درباره‌اش نشنیده باشید

معمولاً هنگامی که کلمه آجیو را می‌شنوید، بلافاصله یاد یک لیوان بزرگ پر از یک نوشیدنی طلایی و درخشان می‌افتید که به اندازه یک بند انگشت رویش را یک کف سفید پرگاز گرفته است که پس از نوشیدن اولین جرعه از این نوشیدنی خنک حسی عجیب شما را فرا خواهد گرفت. در این لحظه این فکر به ذهن شما خطور می‌کند که چگونه همین الان به یک بار باصفا بروم و یک پاینت آجیو (واحد یک لیوان استاندارد برای آجیو) را به بدن برسانم؟
ما در این متن می‌خواهیم به شما چندین استفاده غیرمنتظره و مفید از این نوشیدنی پرترفدار را نشان دهیم، تا اینکه دفعه بعد که در حال نوشیدن آجیو بودید شاید مقداری از آن را برای کارهای دیگر نگاه دارید.

۱. آجیو به موهای شما غذا رسانی می‌کند و به موهای شما در رشدشان کمک می‌رساند
آجیو سرشار از ویتامین B و سیلیکون است. این دو مواد اصلی برای تحریک کردن رشد موها هستند.
حالا چطور عمل کنیم؟
یک لیوان آجیو بر روی موهای خود بریزید و حسابی موهای خود را ماساژ دهید، بطوری که مایع به فرق سر شما برسد و جذب ریشه موها شود. پس از ماساژ، موهایتان را برای پنج دقیقه به حال خود رها کنید، پس از آن موها را با آب سرد بشویید. موهای شما آنچنان می‌درخشد که تا بحال ندیده بودید.
۲. آجیو باعث استحکام و نرمی پوست صورت شما خواهد شد
آجیو دارای مقادیر زیادی آنتی‌اکسیدان است که از پیر شدن پوست شما جلوگیری می‌کند. اما جالب است بدانید این نوشیدنی الکلی سود دیگری هم دارد: آجیو سطح خود مقاوم سازی پوست را بالا می‌برد این بدان معناست که به پوست کمک می‌کند با مقاوم کردن خودش در مقابل چین و چروک خوردن استقامت بیشتری داشته

۷ نکته مهم که باید در باره مصرف شامپو بدانید

چقدر باید موهای تان را بشویید؟
هر فرد به طور متوسط باید یک روز در میان یا دو سه روز در میان موهایش را بشوید. هیچ توصیه دیگری در این زمینه نمی‌شود. اگر موهای تان به شکل واضحی چرب است، پوست سر تان خارش می‌کند یا پوسته پوسته شده است، یعنی باید شامپو بزنید.

بین می‌برد. برای شستن شامپو باید سر تان را به طور کامل آبکشی کنید. در اکثر موارد، کمی چربی و کثیفی و طبیعی است. همچنین می‌توانید موهای تان را تا حدی چرب نگه دارید. اگر چربی مو، خاصیت مرطوب‌کنندگی دارد و از پوست سر تان محافظت می‌کند.

چه زمانی برای شامپو زدن توصیه می‌شود؟
اگر می‌خواهید موهای تان را بلند نگه دارید، باید به تمیزی آن بیشتر توجه کنید. همچنین اگر می‌خواهید یک مدل خاص به موهای تان بدهید و برای این کار قصد دارید از اتو یا سشوار استفاده کنید، حتماً از تمیز بودن موهایتان اطمینان پیدا کنید. با این کار، موهای تان دوام بیشتری خواهد داشت و زیباتر به نظر خواهد رسید.

در چه شرایطی باید هر روز از شامپو استفاده کنیم؟
کارشناسان امر بر این باورند که تنها بخش کوچکی از افراد می‌بایست به صورت روزانه از شامپو استفاده کنند. کسانی که موی ظریف دارند، کسانی که هر روز ورزش می‌کنند و عرق می‌ریزند و کسانی که در آب و هوای مرطوب زندگی می‌کنند، از جمله افرادی هستند که باید هر روز شامپو بزنند. اگر پوست سر تان چرب است، هر روز باید از شامپو استفاده کنید. گاهی اوقات، مردم فکر می‌کنند چون

را تنظیم می‌کند، بلکه سلول‌های مرده پوست صورت را نیز پاکسازی می‌کند. در نتیجه استفاده از آجیو، پوست صورت شما را برافروخته تر یا بقول خودمانی ترگل و رگل می‌کند. طرز استفاده: یک مشت توت فرنگی را با ۲ تا ۳ قاشق سوپ خوری آجیو مخلوط کنید. آنقدر این ماده را هم بزنید که تبدیل به خمیر شود. این خمیر را به پوست صورت بمالید خواهید دید که کثافات و سلول‌های مرده پوست را از بین برده و پوست را تحریک به نوزایش سلول‌های جدید می‌کند.

این روزها مدل موهای متنوعی وجود دارد و شما باید در مورد نحوه کار مدل دهی به موهای تان چیزهای زیادی بدانید. فرهنگ اجتماعی، بافت طبیعی و ضخامت مو، مقدار عرق ریختن شما در طول روز و ابزار مورد استفاده برای پیرایش مو از جمله عواملی هستند که بر کیفیت موهای شما اثر می‌گذارد. اگر از کراتین برای مدل دادن استفاده می‌کنید یا سشوار می‌زنید، نباید بیش از یک بار در هفته موهای تان را بشویید. با این کار، موها را از آسیب‌های احتمالی در امان نگه خواهید داشت.



مطابق میل و سلیقه خودتان عمل کنید؛ اما جوانب امر را هم در نظر بگیرید. صرف نظر از وضعیت موهای خود، نباید بیش از ۱۴ روز شامپو بزنید. خیلی‌ها به عقاید جنبش ضدشامپو علاقه دارند. اما از منظر علم پزشکی، هر فرد باید حداقل یک بار در هفته موهایش را بشوید. متخصصان معتقدند تا زمانی که پوست و موی فرد چرب نشده، نیازی نیست بیش از یک بار در هفته از شامپو استفاده شود.

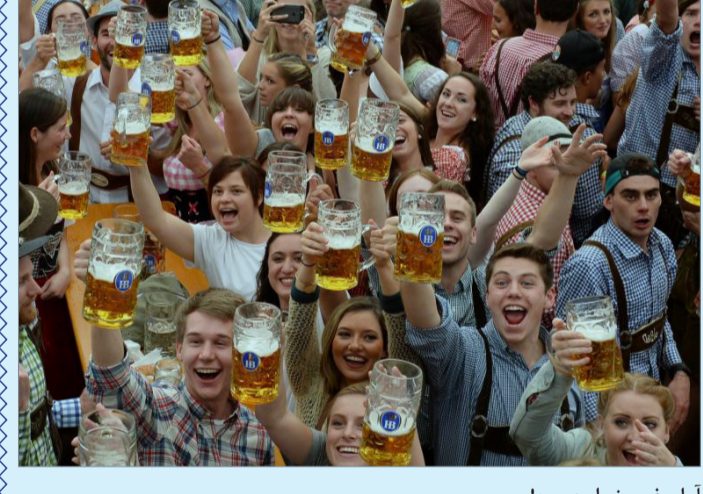
سرخشان شوره می‌زند، حتماً پوست خشکی دارند. این در حالی است که شستن زیاد این موها به رفع چربی مازاد پوست‌شان کمک می‌کند.
چه کسانی می‌توانند چند روز را بدون شامپو سر کنند؟
هرچقدر موهای تان ضخیم‌تر باشد و چربی کمتری داشته باشد، به شامپوی کمتری نیاز خواهید داشت. همچنین، کسانی که موهای خشک یا فرفری دارند، می‌توانند چند روز بدون شامپو سر کنند.

استفاده کنید. به زعم کارشناسان، هیچ جواب روشنی برای این سوال وجود ندارد: هر چند وقت یک بار به شامپو نیاز دارم؟
از یک سو، آنقدر که فکرش را می‌کنید به شامپو نیاز ندارید. از سوی دیگر، استفاده از شامپو به سلیقه شخصی شما بستگی دارد. برای دانستن پاسخ این سوال، باید به نوع مو و مدل مد نظر تان توجه کنید. شاید فکر کنید می‌توانید چند روز بدون شامپو باشید. اگر موهای تان نرم و طبیعی است و به لحاظ چربی و ضخامت مو مشکلی ندارید، می‌توانید تا حد امکان استفاده از شامپو را به تعویق بیندازید. چون اکثر شامپوها اثرات جانبی خاص خود را دارند.



شامپو چگونه عمل می‌کند؟ اصول اولیه: شامپو چه کار می‌کند؟
شامپو چربی طبیعی پوست را از بین می‌برد؛ بنابراین اگر بیش از حد شامپو بزنید، موهای تان خشک خواهد شد. مو یک چربی طبیعی به نام سبوم تولید می‌کند و شامپو یک امولسیفایر قوی است که چربی اضافی، کثیفی و شوره سر را از

می‌تواند گوشت را ترد سازد
آجیو می‌تواند با قدرت، گوشت کباب شما را بدون اینکه در مزه آن تغییری بوجود بیاورد ترد و نرم نماید.
گوشت را در یک ظرف پلاستیکی قرار دهید و مقداری آجیو روی آن بریزید سپس ظرف را در یخچال قرار دهید. روز بعد هنگامی که پای منقل کباب ایستاده‌اید از خوردن یک گوشت کبابی نرم و ترد لذت خواهید برد.
۷. آجیو به مبلمان چوبی شما جلا و درخشندگی می‌دهد
مقداری آجیو گرم را روی پارچه ای ریخته و آن را روی مبلمان خود بمالید. مبلمان شما مانند روز اول می‌درخشد.
۸. آجیو حشرات موذی را از شما دفع می‌کند
یک لیوان را تا نصفه آجیو ریخته و درب آن را با یک ورق آلومینیوم بپوشانید. روی ورق آلومینیوم چند سوراخ به اندازه یک مگس بزنید. بوی آجیو مگس‌ها را به سمت خود می‌کشد، آنها وارد لیوان شده اما نمی‌توانند از آن خارج شوند.



آرام فرو خواهد برد!
۴. خستگی پاهای خود را رفع کنید
یک کاسه را پر از آجیوی خنک حاضر کنید، پاهای خود را برای چند دقیقه در آن بخیسانید. گاز موجود در آجیو خستگی و کوفتگی پاهای شما را پس از یک روز سخت از بین خواهد برد.
۵. یک مایع جادویی برای پاکسازی سلول‌های مرده پوست صورت شما
آجیو علاوه بر اینکه رنگ پوست شما

آرام فرو خواهد برد!
۴. خستگی پاهای خود را رفع کنید
یک کاسه را پر از آجیوی خنک حاضر کنید، پاهای خود را برای چند دقیقه در آن بخیسانید. گاز موجود در آجیو خستگی و کوفتگی پاهای شما را پس از یک روز سخت از بین خواهد برد.
۵. یک مایع جادویی برای پاکسازی سلول‌های مرده پوست صورت شما
آجیو علاوه بر اینکه رنگ پوست شما



آرام فرو خواهد برد!
۴. خستگی پاهای خود را رفع کنید
یک کاسه را پر از آجیوی خنک حاضر کنید، پاهای خود را برای چند دقیقه در آن بخیسانید. گاز موجود در آجیو خستگی و کوفتگی پاهای شما را پس از یک روز سخت از بین خواهد برد.
۵. یک مایع جادویی برای پاکسازی سلول‌های مرده پوست صورت شما
آجیو علاوه بر اینکه رنگ پوست شما

شب پُر شکوهِ کریس با توپ طلای چهارم



موزه اختصاصی‌اش در «مدیرا» یک ویترین جدید برای این توپ طلا سفارش دهد. البته او همچنان به دنبال توپ طلاهای بعدی خواهد بود تا بتواند با رقیب همیشگی‌اش برابری کند.
رونالدو با این توپ طلا، به اولین بازیکن اروپایی تبدیل شد که چهار بار این جایزه را از آن خود کرده است. پیش از این، میشل پلاتینی، یوهان کریوف و مارکو فن باستن سه بار به این جایزه دست پیدا کرده بودند.

توپ طلا قرار بگیرد. او پیش از این در سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ برنده این جایزه شده بود. کریستیانو در فصل جاری موفق شد با رئال مادرید فاتح لیگ قهرمانان شود و همچنین با شکست فرانسه میزبان، در مسابقات یورو ۲۰۱۶ با پرتغال قهرمان شود.
توپ طلای چهارم که دیشب به او رسید و در سالن افتخارات رئال با آن عکس گرفت، سال فوق‌العاده او را تکمیل کرد. او حالا باید در

توپ طلای سال ۲۰۱۶ برای چهارمین بار در هشت سال گذشته به کریس رونالدو ستاره پرتغالی رئال مادرید رسید.
شماره هفت رویایی رئالی‌ها حالا در میان اسطوره‌های اروپا آقایی می‌کند و در یک قدمی مسی قرار گرفته رونالدو، ستاره ۳۱ ساله تیم ملی پرتغال و باشگاه رئال مادرید موفق شد برای چهارمین بار این عنوان را به کلکسیون افتخارات خود اضافه کند و در یک قدمی لیونل مسی، فاتح ۵

تیم تکواندو آذربایجان با مربی ایرانی قهرمان جهان شد



رقابت‌ها آذربایجان تیم کره جنوبی را شکست داد.
میهماندوست در روز پایانی این مسابقه‌ها برای دومین بار به عنوان بهترین مربی جهان معرفی شد.

دنیا در این ورزش تبدیل کرد. تیم آذربایجان در مسابقات تکواندو قهرمانی جهان که این هفته در باکو برگزار شد به عنوان اول جهان دست یافت. در مرحله نهایی این

رضا میهماندوست از مربیان سرشناس تکواندو جهان پس از ترک ایران و پیوستن به تیم ملی کاراته جمهوری آذربایجان تیم ملی کاراته آن کشور را یکی از بهترین تیم‌های

گزارش مک‌لارن منتشر شد دوپینگ مدال آوران روسی در سی رشته المپیک با حمایت دولت



گونگون نتایج آزمایش ورزشکاران را تغییر می‌دهد.

در گزارش وادا بخش نظارت و کنترل مواد نپروزا در کمیته بین‌المللی المپیک که از سوی ریچارد مک‌لارن تهیه شده در سی رشته ورزشی از جمله فوتبال در این سال‌ها به طور مداوم دوپینگ می‌کرده‌اند و مسئولان ورزشی روسیه و در واقع دولت با ترندهای

بیش از هزار ورزشکار روسی عضو تیم‌های ملی و باشگاهی این کشور از جمله شرکت‌کنندگان در مسابقات جهانی و المپیک و حتی دارندگان مدال المپیک در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ با حمایت دولت آن کشور از مواد نپروزا استفاده کرده بودند.

قرعه‌کشی لیگ قهرمانان فوتبال آسیا؛ ذوب آهن و پرسپولیس در گروه سخت



گروه ج: برنده پلی‌آف دوم، چومبوک موتورز کره جنوبی، ادلاید استرالیا رضا افتخاری مدیرعامل باشگاه استقلال تهران گفته: نخستین بازی ما مقابل السد قطر است که رقابت سختی است و در واقع نوعی فینال به حساب می‌آید.

گروه اف: تیم دوم لیگ ژاپن آف سی سئول کره جنوبی، وسترن سیتی استرالیا، برنده پلی‌آف سوم گروه ج: تیم سوم لیگ ژاپن، سوان سامسونگ کره جنوبی، گوانچو چین، ایسترن هنگ‌کنگ

قرعه‌کشی مسابقات فوتبال باشگاه‌های آسیا این هفته در مالزی انجام گرفت. از ایران تیم‌های استقلال خوزستان، پرسپولیس و ذوب آهن در این رقابت‌ها حضور دارند.
تکلیف تیم استقلال تهران هم در مرحله «پلی‌آف» روشن خواهد شد. گروه‌بندی تیم‌های حاضر در این مسابقات چنین است:
گروه الف: برنده پلی‌آف استقلال با السد قطر، التعاون عربستان - لوکوموتیو ازبکستان
گروه ب: الجزیره امارات، استقلال خوزستان برنده «پلی‌آف» (عربستان، ازبکستان، بحرین) - لخویا قطر
گروه ث: العین امارات، ذوب آهن، الاهلی عربستان، برنده پلی‌آف الجیش قطر و بنیادکار ازبکستان
گروه د: پرسپولیس، الهلال عربستان، الریان قطر برنده پلی‌آف (امارات، هند و اردن)
گروه ای: کاشیما انتلرز ژاپن، موانتونگ تایلند، برنده پلی‌آف اول

سرمربی استقلال، از پشت خنجر خوردم



فضای مجازی بیرون بکشم، فضای مجازی یکی از معضلات فوتبال ماست اگر نیمی از نیروی را که بازیکنان در

علیرضا منصوریان سرمربی تیم فوتبال استقلال تهران می‌گوید ناصر حجازی درآوردند سر من هم در بیاورند. آنها می‌خواهند مرا بهانه کنند تا به استقلال ضربه بزنند، وضع من مانند کسی است که به دنبال یک دعوی مفصل به خانه فرار کرده و در راه روی خود بسته اما اعضای خانواده به پهلوی او خنجر فرو کنند.

او اضافه کرده که این روزها از خودی‌ها هم می‌خوریم. در چند ماهی که مدیریت تیم استقلال را به عهده گرفتم سختی‌های زیادی کشیده‌ام، خیلی‌ها را شناختم و درس‌های جدیدی در زندگی آموختم. من سعی دارم بازیکنان استقلال را از منجلابی به نام فضای

بنفیکا هم به جمع مشتریان آزمون پیوست



مسابقات بین‌المللی شنای کانادا شناگر ۱۷ ساله ایران رکورد شکست



آریا نسیمی شناگر ۱۷ ساله ایران که در بازی‌های المپیک ریو شرکت کرده بود در رقابت‌های شنای مسافت کوتاه در ماده ۲۰۰ متر قورباغه رکورد ایران را ترقی داد. رکورد جدید ۲ دقیقه و ۱۵ ثانیه و ۲۹ صدم ثانیه است. رکورد پیشین که در اختیار خود آریا قرار داشت ۲ دقیقه و ۱۸ ثانیه بود.
آرژام میرزائی و امیرعباس امراللهی دو شناگر دیگر ایران در روزهای آینده در این بازی‌ها مسابقه خواهند داد.

«سینا صنعت ایزده» قهرمان کشتی فرنگی باشگاه‌های جهان



تورنمنت با پیروزی ۵ بر ۳ بر تیم باشگاه استانبول بیوک شهیر ترکیه قهرمان شد.
بیمه رازی نیز با شکست تیم بی‌اس پلاستیک بوداپست به مقام سوم رسید.

مسابقه‌های کشتی فرنگی باشگاه‌های جهان با قهرمانی تیم سینا صنعت ایزده ایران در روزهای آخر هفته گذشته در بوداپست پایتخت مجارستان برگزار شد. تیم سینا صنعت در مرحله نهایی این

دزدان با روزلب روی آینه می نوشتند، باز بر می گردیم



چهار دزد که هنگام سرقت از خانه‌ها نقاب بر چهره می‌زدند و هنگام ترک منزل با اموال دزدی با روزلب روی آینه‌های خانه می‌نوشتند «دوباره بر می‌گردیم منتظر ما باشید». اهالی این خانه‌ها به گفته پلیس معمولاً با خواندن این شعار تهدیدآمیز دچار ترس و نگرانی می‌شدند به حدی که برخی خانه خود را می‌فروختند و به محل دیگری نقل مکان می‌کردند، آنها می‌گفتند بعد از این اتفاق هر شب کابوس می‌بینیم.

چند وقت پیش خانمی پس از مدتی از سفر برگشت هنگام باز کردن در متوجه شد قفل در خانه شکسته شده است. او پس از ورود به خانه دید همه چیز به هم ریخته و هنگامی که به بازرسی از اتاق‌ها پرداخت با صحنه وحشتناکی روبرو شد دزدان خانه را خالی کرده بودند و روی آینه‌ها نیز با روزلب نوشته شده بود «باز بر می‌گردیم».

وی در اولین فرصت پلیس را در جریان گذاشت. او گفت در این حادثه جواهرات خواهرم که در آمریکا زندگی می‌کند و به امانت پیش من گذاشته بود به سرقت رفته بود به خصوص هنگامی که دیدم سارقین با روزلب روی آینه نوشته بودند «باز بر می‌گردیم» دچار وحشت شدم ابتدا تصمیم گرفتم با پلیس تماس بگیرم

اما فکر کردم ممکن است مرا بکشند ولی سرانجام به کلاتری زنگ زدم و در شرایطی که پلیس تحقیقات خود را برای یافتن دزدان آغاز کرده بود ۷ نفر دیگر که دزدان همان عبارت را روی آینه منزل آنها نوشته بودند با پلیس تماس گرفتند. برخی از این افراد خانه خود را تغییر داده‌اند تا از کابوس‌های شبانه خانه وحشتناک خلاص شوند پلیس ضمناً متوجه شد دزدان یا رمز گاوصندوق‌ها را پیدا می‌کردند یا آنکه گاوصندوق را با خود می‌بردند. کارآگاهان همچنین با خبر شدند سارقین چهار نفر هستند یکی از آنها خارج از خانه کشیک می‌داده و سه نفر

قتل تازه داماد به دست تازه عروس و دوست پسرش



دختری به نام نغمه مدت کوتاهی پس از ازدواج با امید، به پسر به نام دانیال آشنا شد. این دو هر روز بعد از رفتن تازه داماد به سر کار یکدیگر را می‌دیدند.

نغمه و دانیال در جریان تصادف اتومبیل‌هایشان در تهران آشنا شدند. نغمه چند روز پیش ساعت یک صبح در تماس با پلیس گفت هنگامی که با همسر از خانه مادر او بر می‌گشتیم دو مرد نقابدار به بهانه پرسیدن آدرس به ما حمله کردند و با ضربات چاقو شوهرم را کشتند. مأموران در محل حادثه با پیکر بی‌جان امید ۳۲ ساله روبرو شدند. پدر امید به پلیس گفت پسر و همسرش به شدت با هم اختلاف داشتند اما او با هیچ کس دیگری مشکلی نداشت. نغمه در جریان بازجویی‌ها اعتراف کرد در قتل شوهرش دست داشته. او گفت: به تازگی با امید ازدواج کردیم اما علاقه‌ای به او نداشتم به همین دلیل وقتی هنگام تصادف با دانیال آشنا شدم کم کم به او علاقه پیدا کردم. دانیال را غالباً می‌دیدم او هم به من علاقه‌مند شد و خواست با هم ازدواج کنیم او از همسرش جدا شده بود و از آنجا که شوهرم مانع رسیدن من و دانیال به یکدیگر بود، دانیال تصمیم به قتل او گرفت و در شب واقعه من و امید را غافلگیر کرد و در تاریکی شب

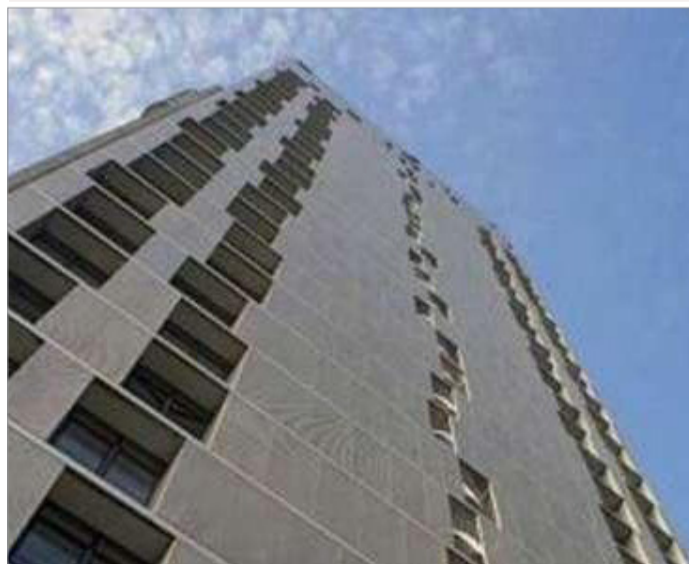
شوهرم را کشت، اما دانیال واقعه را به گونه دیگری تعریف کرد. او گفت من و نغمه پس از آشنایی هر روز یکدیگر را می‌دیدیم او همیشه از زندگی با همسرش شکوه داشت تا آنکه روز حادثه وقتی پیش او رفتم نغمه نشانی باشگاه ورزشی را که شوهرش به آنجا می‌رفت به من داد تا او را در مسیر بازگشت به خانه به قتل برسانم اما نتوانستم تا آنکه شبی که نغمه به خانه مادرشوهرش رفته بود برایم آدرس فرستاد و نوشت ساعت ۱۲ شب به بهانه حال تهوع از شوهرش خواهد خواست ماشین را متوقف کند و همین کار را هم کرد وقتی همسرش اتومبیل را متوقف نمود من هم همان برنامه را اجرا کردم و امید را با ضربات چاقو کشتم. قرار است دادگاه رسیدگی به این جنایت به زودی در کرج تشکیل شود.

خودسوزی، خودکشی و تن فروشی پیامدهای ازدواج زودرس در ایران



جامعه‌شناسان و فعالان حقوق کودک در ایران که در زمینه مسائل نوجوانان تحقیق می‌کنند می‌گویند در سال ۱۳۹۴ تنها در مدت ۹ ماه ۲۸ هزار و ۲۴۲ دختر زیر ۱۵ سال شوهر کرده‌اند. زهرا کهرام دبیر سمینار ازدواج کودک می‌گوید: ۱۷ درصد ازدواج‌ها در ایران پیش از ۱۸ سالگی بوده است و بیشتر اینگونه ازدواج‌ها در استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، خراسان، آذربایجان شرقی و غربی، فارس، زنجان، تهران، همدان و مازندران اتفاق افتاده است.

سقوط دختر ۱۵ ساله از طبقه پنجم؛ خودکشی یا جنایت؟!



دختر پانزده ساله‌ای این هفته از طبقه پنجم ساختمانی در تهران به حیاط سقوط کرد و در دم کشته شد. مادر دختر به پلیس گفت دقایقی پیش از حادثه دخترم را دیدم که در اتاقش در حال درس

زن جوان گردنبنده طلای مسافران را قیچی می‌کرد

یک زن ۳۸ ساله به نام لیلا همراه همسر و پدرش که رانندگی اتومبیل را به عهده داشت جلوی پای خانم‌هایی که منتظر تاکسی بودند به عنوان مسافرکش ترمز می‌کردند و پس از سوار کردن آنها شوهر او با چاقو مسافر را تهدید می‌کرد و لیلا گردنبنده آنها را قیچی می‌کرد. این هفته پلیس، لیلا، شوهر او و پدرش را دستگیر کرد، لیلا به پلیس گفت: به اتفاق پدر و همسر خانم‌ها را سوار می‌کردیم و بعد از طی مسافتی شوهرم مسافر را با چاقو تهدید می‌کرد و من با

شوهرم را کشتم، چون اختلاف سلیقه داشتیم

یکی از روزهای این هفته پدری که در حال بازی با کودک خود در پارک لیان بوشهر بود ناگهان چشمش به جسد مردی افتاد. او ماجرا را به پلیس خبر داد، مأموران جنازه مرد را به پزشکی قانونی بردند و با اطلاع از هویت او

شوهرم به من بی توجه شده بود خفه‌اش کردم

زنی که همسرش را چندی پیش خفه کرده بود چهارشنبه این هفته به دادگاه گفت، شوهرم به من بی‌اعتنا شده بود او را با روسری خفه کردم. تحقیقات پلیس نشان داد همسر این مرد مدتی پیش با پسر به نام میکائیل دوست شده بود. با بررسی تلفن موبایل رعنا همسر مرد کشته شده پلیس از او بازجویی کرد. رعنا اعتراف کرد که در روز حادثه با شوهرم در حال جر و بحث بودم که ناگهان به شدت عصبانی شدم، روسری‌ام را دور گردنش انداختم و او را خفه کردم. باور اینکه این زن با جثه کوچک بتواند مرد درشت هیولی را خفه کند برای پلیس مشکل بود اما پزشک قانونی گفت به احتمال زیاد همسر زن به دلیل خواب‌آلودگی ناشی از مصرف دارو یا مواد سمی توان مقاومت نداشته است و زن توانسته شوهرش را در چنین حالتی با روسری خفه کند.

دو خانم که برای سفر به خارج در چمدان پنهان شده بودند به مقصد نرسیدند



دو خانم که برای سفر به اروپا در چمدان‌های همراه یک مسافر پنهان شده بودند هنگام وزن‌کشی چمدان‌ها به دلیل سنگینی زیاد و شک بردن مهماندار زمینی به محتوای چمدان از آن بیرون آورده شده و بازداشت شدند، هویت مسافران ناکام فعلاً فاش نشده است. چند سال پیش یک دختر

شلیک به پدر برای معافیت سربازی



پسری در شهرستان الیگودرز لرستان به خاطر نرفتن به خدمت سربازی و گرفتن معافی کفالت با شلیک چند گلوله پدرش را به شدت مجروح کرد. به گفته رئیس پلیس الیگودرز پسر ۲۰ ساله امیدوار بوده بعد از ملولیت یا مرگ پدر معافیت کفالت دریافت کند. پدر مجروح در بیمارستان بستری است.



داریوش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به بازنشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوجو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌های نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از

معضل کودک آزاری و خشونت علیه کودکان



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

آمار خشونت علیه کودکان، از تنبیه بدنی در خانه و مدرسه، تا تعرض جنسی در محیط خانواده و در خارج از آن، یکی از مشکلاتی است که جامعه ایران به شدت درگیر آن است. تعرض جنسی یک قاری قرآن شناخته شده به کودکان و نوجوانانی که همراه او سفر می‌کردند، مساله تجاوز به پسرچه‌ها در باشگاه‌های ورزشی، ازدواج اجباری چندین هزار دختران زیر ۱۳ سال، و بیگاری گرفتن کودکان در محیط کار، همه از مصادیق بارز کودک‌آزاری و خشونت علیه کودکان هستند.

پیش‌بینی اکونومیست از اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۷: تورم تک‌رقمی ولی پایدار



به سمت «سرمایه‌گذاری‌های صنعتی» برود با وجود خروج از انزوای اقتصادی امکان دست یافتن به پویایی اقتصادی و کارآفرینی پایدار را دارد. با اینکه در این مقاله نیز امکان برهم خوردن برجام مطرح شده اما به «امیدواری» ایرانیان برای عدم اجرایی شدن این خواسته با توجه به خواست متحدان اروپایی خود تاکید شده است.

نویسنده در بخشی از این مقاله به زمینه‌های ممکن سرمایه‌گذاری همچون صنعت خودروسازی، داروسازی، گردشگری، صنایع غذایی و فرش اشاره کرده و می‌نویسد: «ایران در موقعیت کاملاً مطلوبی قرار دارد چرا که ۶۰ درصد جمعیت آن زیر ۳۰ سال هستند. این قدرت بزرگ نیروی کار می‌تواند به عنوان یک پشتوانه برای بازیابی اقتصاد ایران محسوب شود مخصوصاً اگر از نیروی کار زنان را استفاده کند. ایران در این دوران باید پروسه معکوس فرار مغزها را اجرایی کند، دورانی که از هر ۴ تحصیل کرده یک نفر از ایران خارج می‌شود.»

نویسنده‌ی مجله اکونومیست با اشاره به پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱ و تحول عظیم اقتصادی این کشور پس از آن در زمینه صادرات به وجود امکان مشابهی برای اقتصاد ایران در صورت ایجاد امکانات لازم برای صادرات در منطقه خاورمیانه و قفقاز اشاره می‌کند.

در بخشی دیگر از این مقاله به

هرگونه رفتاری که موجب آزردن شدن، تحقیر و ترساندن کودک شود از نظر منشورهای بین‌المللی حقوق کودک، کودک آزاری به حساب می‌آید

حسین رئیسی می‌گوید ما در ایران شاهد اشکال مختلف کودک‌آزاری در حریم خانواده هستیم، ولی متأسفانه تنها وقتی سر و کار قربانی به بیمارستان کشیده شود این نوع کودک‌آزاری‌ها گزارش می‌شود

با وجود اینکه قانون هرگونه تنبیه بدنی را در مدارس ممنوع اعلام کرده است، خشونت فیزیکی علیه دانش‌آموزان به مقامات قضایی گزارش نمی‌شود

این حقوقدان به کیهان لندن می‌گوید بر خلاف نظام‌های حقوقی مدرن، در جمهوری اسلامی بار اثبات اتهام به‌گردن شاکی است و همین باعث می‌شود که در بسیاری از موارد خاطی مجازات نشود

در همسایگی‌های ما کیهان لندن شماره ۱۲۰۴ - ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۷

آن دو سده «برگ و ساز بر دین آنان بسته شده است.»

کار به جایی رسیده است که حتی در آن سوی خلیج فارس درسپاهی برای آموختن ما دارند. در دویی که حبابی است که بی پروا در آن می‌دمند و مانند اسفنجی سرمایه‌های ایران را به خود می‌کشند، یک شهر آموزش برپا داشته‌اند که مرکزی برای تکنولوژی عالی خواهد بود. در قطر که سهم ایران را از میدان گاز خلیج فارس

دارد، زیر فشار نیروهای عرفیگرا و در پویش پیوستن به اتحادیه اروپایی، نظام سیاسی تازه‌ای را بنیاد می‌گذارد. ترکیه در کار آن است که حکومتی، هم پذیرفتنی برای پیشرفته‌ترین تمدن‌های جهان و هم سازگار با اسلام داشته باشد. پایه‌های نظری چنین حکومتی، یک اسلام عرفیگرا با رنگ روز افزون لیبرال ولی در بستر باورهای دینی اکثریت ترکان است. گذراندن قانونی که حجاب اسلامی را در نهادهای آموزشی اجازه می‌دهد،

ایران جزیره‌ای جدا افتاده از کشورهای که بیشتر مردمان‌شان خود را مسلمان می‌خوانند نیست (گذشتن صفت اسلامی بر این کشورها گمراه کننده است از پس با هم در نگرش به اسلام و نقش آن در زندگی اجتماعی تفاوت دارند). تجربه‌های گوناگون این مردمان بر یکدیگر اثر می‌گذارند. از این میان در همسایگی‌های ما، در ترکیه و خلیج فارس پاره‌ای تحولات پرمعنی روی می‌دهد که می‌تواند دیدگانی را



شعبه دانشگاه سوربن پاریس در ابوظبی

بی مزاحمت می‌برد پردیس‌های پنج دانشگاه طراز اول امریکائی که بهترین دانشگاه‌های جهان هستند گشوده شده است. ابوظبی که توسعه منظم و با نقشه‌ای دارد دانشگاه سوربن فرانسه را به گشودن پردیس خود فراخوانده است. همه این شیخ نشین‌ها دارند از گشادگی بر اقتصاد جهانی و آزادمنشی اجتماعی برخوردار می‌شوند و دست کم گوشه‌هایی از جهان امروز را به آن بیابان فرهنگی می‌برند. اسلام سختگیر حنبلی بر سر جای خود هست ولی مزاحمت‌های مذهبی رو به کاهش دارد. همچنان که در ترکیه، پیشرفت به بهای کنار گذاشتن اسلام و سرکوب مسلمانان به‌دست نمی‌آید. هر سه آنها - ترکیه نیز - پایداری دولت جمهوری اسلامی را به جان خواستارند. انقلاب و حکومت اسلامی بود که در پاره‌ای زمینه‌ها تکان قطعی را به آنان داد. هر چه ایران پس‌تر رفت آنها پیش‌تر افتادند. ایرانیانی که این شیخ نشین‌ها را - حتی ترکیه را - تا همین سی سال پیش دیده بودند نمی‌توانند چشمان خود را از چنین وارونگی سرنوشت باور کنند. سی سال پیش ما کجا بودیم و اینها کجا می‌بودند.

تأثیر دراز مدت این سرمشق‌ها در دو سوی ایران بی‌تردید بیش از پیش آشکار خواهد شد. دیگر موضوع مقایسه با اروپا نیست که ایرانیان تصورشان را نیز نمی‌کنند.

موضوع رویارویی اسلام و غیر اسلام نیز نیست که کسانی بترسند و وابسماندگی و شوربختی ملی را به نگهداری ایمان و شریعت ببخشند. در برابر دیدگان ایرانیان، جامعه‌هایی از ترکان و عرب‌های مسلمان - که اگر چه امامزاده و سینه زنی ندارند، در فرائض مذهبی پابرجاترند - دارند فرسنگ‌ها از کشور امام زمان پیش‌تر می‌افتند. مشکل ملی ما اکنون رسیدن به اروپا نیست، واپس‌تر نیفتادن از همسایگانی است که سی سال پیش آرزومند روز ما می‌بودند.

برخلاف سر و صدای عرفیگرایان، بخشی از همین سیاست به‌شمار می‌رود. در یک نظام لیبرال مردمان می‌باید در پویش خود آزاد باشند. در ترکیه سیاست در رابطه با مذهب دارد اندک اندک چهره‌های انسانی و خردپذیر به خود می‌گیرد و ما بهتر است رویدادهای آن کشور را به دقت دنبال کنیم. ترکیه نخستین کشور اسلامی - خاور میانه‌ای - جهان سومی است که دارد از هر سه این جهان‌ها بیرون می‌آید - مهاجرتی که ما نیز، با همه جمهوری اسلامی، در گیر آن هستیم. یک ابتکار حکومت ترکیه که برای همه کشورهای مسلمان و به‌ویژه ایران اهمیت دارد، بررسی علمی منابع تاریخی حدیث است که در مذهب هشتاد و چند در صدی از مسلمانان صرفاً به گفتار و کردار پیامبر اسلام برمی‌گردد. چنانکه همه می‌دانند احادیث، دویست سال پس از مرگ پیامبر و از گفتار کسانی که مدعی شنیدن آنها از پیشینیان بوده‌اند گردآوری شده است. دویست سال، در دوران پیش از فرهنگ نوشتاری در عربستان آن روز، زمان درازی است و در آنچند مردمان در نسل‌های متعدد به یاد می‌سپارند و بازمی‌گویند همه گونه دست‌ها برده می‌شود، به‌ویژه در گفتاوردهائی که به آنها اعتبار سخن خداوند می‌دهند. حکومت ترکیه که در اعتبارنامه اسلامی‌ش هیچ تردید نیست هائتی را از کارشناسان به جدا کردن درست از نادرست حدیث‌ها گماشته است. آیا حقیقتاً هر چه به پیامبر نسبت می‌دهند اصالت دارد؟

برای ایرانیان بیشمار پرورش یافته در فرهنگ بحار الانوار، و اکنون محکوم به زیستن در فضای آن، بررسی‌های کارشناسان مذهبی ترک - اگر به جای بردن و انتشار یابد - دیده‌گشا خواهد بود. اگر کسانی نمی‌توانند بی‌پایگی دستور عمل‌های آخوندی را به چشم خرد خود ببینند دست کم در خواهند یافت که چه اندازه در درازای

بگشاید. ترک‌ها از سده شانزدهم تا نوزدهم هم‌اوردان خطرناک ما بودند و مانده دیواری ما را از اروپای پیشتاز و سرمشق مدرنیته جدا می‌کردند. با اینهمه ترکیه به ما بسیار آموخت و امروز نیز یکی از کشورهایی است که سخنانی برای گفتن به ما دارد - از همان برخورد نخستین که چشم ما را بر اهمیت سلاح‌های آتشین گشود، تا اصلاحات (تنظیمات) سده نوزدهم که یکی از سرچشمه‌های جنبش بیداری و مشروطه ایران گردید، تا نمونه کشور - ملت‌سازی اتاتورک که به رضاشاه سرمشقی داد، تا امروز که درگیر آزمایشی است که ایرانیان را سخت به کار خواهد آمد. دموکراسی در بافتار context یک جامعه مسلمان، بسیار مسلمان‌تر از ایران، تازه‌ترین دستاورد جامعه‌ای است که شش سده با اروپا درآویخته و همپا بوده است و اکنون آرزوئی بالاتر از پیوستن به آن ندارد. اسلام که از پایان جنگ جهانی اول در ترکیه زمینه را به ناسیونالیسم باخت در دهه‌های پس از جنگ دوم، عرفیگرایی ناسیونالیستی را با چالش روزافزونی روبرو ساخت. در نبود رهبری فرهنگدات‌اتاتورک، نظام اقتصادی autarchy (بی‌نیاز از دیگران) و نظام سیاسی bureaucratic (دیوانسالار) میراث او، کمبودهای بزرگش را آشکار گردانید و سیاستگرانی را به وسوسه بهره برداری از مذهب انداخت. از آن هنگام کشاکش میان نیروهای عرفیگرا و اسلامگرا بیشتر تاریخ ترکیه را رقم زده و سه بار کار به ضرب شست نظامی کشیده است. ارتش ترکیه در همه این دهه‌ها یا با کودتا یا تهدید کودتا، اسلامیان را از اسلامی کردن حکومت بازداشته و در یک فرایند فرسایشی، احزاب اسلامی را یکی پس از دیگری به تعدیل برنامه‌های سیاسی‌شان واداشته است. اکنون حزب عدالت و رفاه که تازه‌ترین پوست اندازی احزاب اسلامی (و ممنوع شده) پیشین است

* منبع: اکونومیست
* ترجمه و تنظیم: کامیار بهرنگ

لرد کم سخن بود، اما با کنار دستی خود ماما هاگ، که تقریباً به طور انحصاری خود را وقف او ساخته بود و من و ملای زبان را فراموش کرده بود، با منانت و وقار بسیار رفتار می کرد. کرسی نشین قصر هندیان درباره هند، نوابها، خوراکهای تند و تیز که به کرورها رویه ارتباط می یافت داد سخن داده بود. در محاسبات و زبان او همه چیز به نظر می رسید به مقدار زیادی رویه که در ماه دریافت می داشت. همسرش که در کنار صاحب مهمانی نشست و در خارج از حوزه نفوذ بلافصل لرد بود، در اندیشه نمایش شکوه لباس هایش بود. بازوهایش زیر بار طلسمهایی که آویخته بود، می نالید. گردنش زنجیرهای سنگین تر از زنجیرهای درویشهای ما را تحمل می کرد و می نوشید بیشتر از زنان رقصنده دربار شاهی ما. تنها نشانه آشنایی ای که بین من و آقای هاگ رد و بدل شد، در مراسم شراب نوشی بود. مراسمی که نظام دوستی و حتی سیاسی انگلیس در چارچوب آن شکل می گیرد. می توان نوشیدن شراب با کسی را در این جا تقریباً با خوردن نمک در ایران مقایسه کرد. من تقریباً پایه های دوستی را با دیگر مهمانان مرد با خوردن شراب با آنان استوار کردم و با مشاهده این که آنان ابتدا مرا دعوت به نوشانوش می کردند، نشان می داد این ملت تا چه مایه به بیگانگان متمایل است. پزشک به وضوح معلوم بود که مرد خرد و اندیشه است. همه کسان با اشتیاق گوش می سپردند به آن چه او می گفت. دکتر در خصوص ویژگی های طبیعی هر یک از غذاهای روی میز به تفصیل سخن می گفت. بعضی ها را توصیه می کرد که اصلاً نخورند، بقیه را می گفت که فقط مضمضه کنند و به گفته او در میان غذاهای روی میز فقط دو نوع غذا برای انسان ساخته شده بود. در هر حال خود او از همه غذاهای روی میز خورد و به نظر می رسید این سخنان کمتر روی مهمانان اثر می گذاشت. او پرسشهایی در خصوص غذاهای ما به عمل آورد و پیش تر رفته و پرسید به هنگام آشفتگی معده چه داروهایی توصیه می شود؟ نمی دانستم چه جوابی دهم چرا که به نظر من می رسید باید از بهترین کلمات در لفاف پوشیده شده استفاده کنم. کوشش بسیاری کردم تا مقصود خود را به زبان انگلیسی تبیین کنم، هیچ کس مقصود مرا درنیافت. به خاطر آوردم مخصصه ای را که سفیر با آن خانم در آن گیر افتاده بود و به همین جهت بیشتر از پیش خود را جمع و جور کردم. سرانجام به ملای زبان متوسل شدیم و از او خواسته شد تا آن چه گفتیم ترجمه کند. به ملای زبان گفتیم که در مواردی که غذا هضم نمی شود، ما معمولاً یک دستور را به کار می بندیم. او روی کلمه «دستور» مانده بود، اما می ترسید که مبدا فارسی دانی اش زیر سؤال برود. او برای دکتر ترجمه کرد که ما «این کشور خودمان را داریم». این سخن موضوع را پیچیده تر کرد تا این که شخص نواب وارد معرکه شد و به یاری من شتافت و پرسشهای دکتر را با کلماتی بیان داشت که هیچ از آن سر درنیاوردم. در این میان ملای زبان، گیج تر شد و به وضوح مشهود بود که از خودش آزرده است تا این که به پشت یکی از بشقابها نگاه کرد و چند حرف از حروف الفبای چینی را دید و در کمال شادمانی و با احساسی از بیروزی آماده شد تا دواطلبانه معنای آن ها را بازگو کند. با وقوف و اطمینان از این که چینی نمی دانم، توضیح مفصلی درباره آن حروف داد که به نظر می رسید همگان را متقاعد کرد که چه دانش ژرفی دارد و نزد خود توازن از دست داده را بازیافت. تا این زمان بخش مهمی از شام خود را خورده بودیم. مهمان دست از شام کشیدند و خدمتکاران در بشقابها نوعی چوبهای سبز گیاهی را عرضه داشتند. نگاهی به آن بشقاب افکندم، اما از خوردن آن امتناع ورزیدم. ماماهاگ با پافشاری بسیار از من خواست که بشقاب را کنار نگذارم و سرانجام با منطق غیر معقولی گفت که پول زیادی صرف آن شده. گفتیم: «اگر چیزهای گران بهترین هستند، پس بهتر است تومان یا سکه طلا بخریم. بهتر است شال کشمیر بخریم.» این سخن لرد را به خنده انداخت و در پی آن اظهار علاقه کرد که با من در مراسم خاص نوشیدن مشارکت داشته باشد. قاضی پرسشهایی در خصوص قوانین قضایی ما کرد و حیرت زده شد که دانستم ما مسلمانان، جز قرآن، قانون دیگری نداریم. او گفت: «حتماً قضات شما روحانیون شما هستند؟ چه طور ممکن است کشوری بدون قاضی و وکیل وجود

جیمز موریه، دیپلمات انگلیسی، دو بار در ایران مأموریت داشت، بار اول از ۱۸۰۸ تا ۱۸۰۹ میلادی و نوبت دوم از ۱۸۱۴ تا عنوان کاردار سفارت انگلیس در تهران. ضمن این مأموریتها، موریه که علاقه زیادی هم به تفحص در احوال و آداب مردم مشرق زمین داشت، با حاجی میرزا ابوالحسن اصفهانی روابط نزدیکی به هم رسانید و او را نمونه کامل عیاری از رجال سیاسی ایران در آن عصر و زمان یافت. خلقیات و خصوصیات این دولتمرد دربار فتحعلی شاه را جیمز موریه در وجود «حاجی بابای اصفهانی» قالب ریزی کرده و در دو کتاب انعکاس داده که در عین حال تصویرگر اوضاع و احوال عمومی سرزمین حاجی باپروور ایران در آن دوره است. حاجی میرزا ابوالحسن اصفهانی معروف به ایلچی (سفیر) در سال ۱۸۰۹

داشته باشد»

پاسخ دادم ما درجات مختلفی از تفسیر از قانون داریم و مهم نیست که قضات ما روحانیون باشند یا قضات عدلی. آنان به یک نتیجه می رسند. آن گاه به انگلیسی گفتیم: «شما آقا از قانون می گوید، چه قانونی را می گوید؟» گفت: «من وکیل هستم و در خدمت شمایم.» گفتیم: «پس شما قاضی نیستید؟» گفت: «نه، هنوز به آن درجه نرسیده ام.» سپس گفتیم: «پس شما خر سفید سوار نمی شوید؟»

در قبال این سخن پاسخی نداد ولی وقتی همگان به آن چه با لحنی جدی و هوشیارانه گفته بودم، خندیدند، اندکی مکدر شد. آن گاه سعی کردم برایش شرح دهم که اساساً چه شکوهی دارد که ملایان ما مرکب سفید سوار شوند که در کشور ما مرکب سفید کم و حیوانی گران بهاست. وقتی خوردن به پایان رسید، زنان طبق معمول از دور میز کنار رفتند و مردان برای نوشیدن ماندند. تصمیم گرفتم هر چه سریع تر از میز فاصله بگیرم و کوششی به عمل آورم تا با محبوب خود، آن آهوی لطیف و رمنده و محبوب سخن بگویم که ذهن مرا مشوب کرده و مرا به این وادی اندیشه افکند بود که آیا ریش منظم و صاف و مرتب من در برابر سبیل بی اهمیت و مهمیزهای بلند آن کافر وزنی ندارد؟ در بازگشت به سالن مهمانی، او را دیدم که دارد شربت گرم برای مهمانان آماده می کند و در این فرصت من برگاهی را در دستش گذاردم که در آن اشعاری را نوشته و احساسات قدرتمند خویش را نسبت به او بیان کرده بودم. وانمود کردم یک درس فارسی را برای او نوشتم و گفتیم اگر نتوانست مفهوم آن کلمات را دریابد، با اشتیاق آماده ام تا آن کلمات را در اولین فرصتی که پیش آید، شرح و مفهوم گردانم. به نظر خیلی خوش حال می رسید و به من اطمینان داد که در ابوم خود این برگه را در جایی چشمگیر حفظ می کند. نفهمید منظورم از آلبوم چیست، ولی پرسشی هم نکردم، اما خود را با این سخن تسلا دادم که منظورم این است که آن یادداشت را در سینمایش یا قلیش و با یک چنین عواطف لطیفی حفظ خواهد کرد و با درک این سخن از شادی سر بر آسمانها می ساییدم و آماده بودم تا با خنجر خویش سینه خود را پاره کنم تا آتشی که در قلب خویش داشتم به او نشان دهم. اما در این لحظه مردک مهمیز به پا ظاهر شد و کوشید تا با دعوت من برای سهیم شدن در یک انفیهدان باب دوستی بگشاید. من نسبت به او بدگمان تر از آن بودم که دعوتی از او را بپذیرم و از آن جا که احساس کردم نزد «بسی» پایگاه عاطفی قدرتمندی دارم، راه به او ندادم و به رغم پافشاری ماما و سایر بانوان برای شرکت در بازیهای مختلف، در حالی که خانه را ترک می کردم، گفتم: «آه، قلب من، عشق بازی کردن را بر هر بازی دیگری ترجیح می دهد»

فصل سیزدهم

بلندپروازی برای حاجی درد سر آفرید و نشانه های تندناخوشنودی را از سفیر دید. او نگران شورش در انگلیس است. روز بعد را با اندیشیدن به عشق خود گذراندم و درباره کمال و جمال او اشعاری چند سرودم. چندان سراغ

میلادی (برابر با ۱۲۲۴ هجری قمری) از طرف فتحعلی شاه قاجار به عنوان سفیر به دربار «سنت جیمز» اعزام شد و جیمز موریه در این سفر به عنوان مترجم و راهنما او را همراهی می کرد. ماجراهای «حاجی بابای اصفهانی در انگلستان» فرآورده این سفر است و دیپلمات انگلیسی، همانند کتاب اولش «ماجراهای حاجی بابای اصفهانی»، با طنزی خاص برخورد حاجی بابا را - که بعداً وزیر دول خارجه و صدراعظم ایران شد - با دنیای کاملاً متفاوت غرب تصویر می کند. کتاب اخیر جیمز موریه، برخلاف کتاب اول او، در ایران شناخته شده نبود. این کتاب که در سال ۱۹۸۶ توسط روبر پپن (Robert Pepin) از انگلیسی به فرانسه ترجمه شد، در سال ۱۳۷۹ با ترجمه آقای مهدی افشار (از انگلیسی به فارسی) انتشار

سفیر نرفتم که می دانستم مشغولیت مشابهی در اتاق دیگری دارد. اما صبح بعد از آن برای رفتن به حضور سفیر فرخوانده شدم. دیدم مانند فرنگی ها در اتاق بالا و پایین می رود و روزنامه ای را در دست دارد که نزد مردم انگلیس بسیار متعارف است. همان روزنامه ای که به عنوان درس زبان انگلیسی نزد معلمش می آموخت. به محض این که وارد شدم، غرشی کرد و گفت: «ترا به خدا، به من بگو به غیر از ما هیچ ایرانی دیوانه دیگری در این

یافت و ما بخش هایی از آن را در صفحه «خاطرات و تاریخ» نقل می کنیم. مترجم در مقدمه کتاب، به این نکته قابل تأمل اشاره می کند که «کتاب، طنزی است تلخ از شرایط اجتماعی و سیاسی ایران و جای حیرت است که پس از دو بیست سال بسیاری از ویژگی های آئینی ایرانیان همچنان برجای مانده و نقدپذیر می نماید. حاجی بابای اصفهانی در انگلستان در واقع آئینه ای است روشن و شفاف در برابر چهره مان، تا خود را با نگریم با تعمق و تأمل بیشتر». زمانی حجت الاسلام رفسنجانی گفت شاه می خواست قم را تبدیل به تهران کند، خدا خواست و موفق نشد. ما موفق شدیم تهران را به قم تبدیل کنیم چون خواست خدا چنین بود. ما گویا خواست خدا این نیز بوده است که عقربه زمان را دو بیست سال به عقب

برگذار گردید. شیر انگلیس و خورشید ایران در حالی دیده شدند که دست یکدیگر را در حالت خلوص و صمیمیت می فشردند. نیازی به توصیف این مهمانی شکوهمند، نیست. فقط کافی است گفته شود که همه زیباییها و شکوه فصل آمده و گرد آورده شده بود. عالی جناب شاهزاده حاجی بابا مشاهده شد که مقدار زیادی از مارچوبه عالی را که توسط خانم و آقای هاگ فراهم شده بود، میل کردند. در این مهمانی نخود و لوبیای صدانه پنج گینه آماده شده بود.



کشور هست؟» پاسخ دادم: «من از کجا بدانم آقامیرزا، شاید هم باشد.» به روزنامه اشاره کرد و گفت: «کیست این سگ پدری که خود را پرنس حاجی با معرفتی می کند. بخوان، خودت بخوان و ببین چه گهمی این روزنامه دروغگو خورده است.»

به روزنامه نگاه کردم و در کمال یأس به یاری معلم زبان در ستونی بزرگ شرح مبسوطی دیدم از مهمانی شامی که با پدر هاگ برگزار کرده بود. در آن مقاله من از جمله شخصیت های بزرگ معرفی شده و با نام عالی جناب پرنس میرزا حاجی بابا خوانده شده بودم. به بغیر از نام من، نام همه حاضران به تفصیل بیان شده بود که بعدها، نام آنان را در دفتر یادداشت روزانه ام باز نویسی کردم تا نمونه ای از آن سنت فوق العاده انگلیسی ها را داشته باشم که نام مهمانان خود را و همه کسانی را که در بازیهای مختلف، در حالی که خانه را ترک می کردم، گفتم: «آه، قلب من، عشق بازی کردن را بر هر بازی دیگری ترجیح می دهد»

به تزلزل گفتم: «بله، خواندم. عجب سنت های غریبی دارند این انگلیسی ها! هیچکس نمی تواند یک لقمه غذا در خانه شان بخورد بی آن که این خبیر را تو بوق کنند. حتی بیش از اذان گفتن ما از مساجد، این موضوع از علنی می کنند.» سفیر گفت: «بنابراین اعتراف می کنی که تو و تنها تو همان شاهزاده ای هستی که خانواده هاگ برای مهمانی شام داده اند. برو، برو که دوستانی در شان خود یافته ای.» گفتم: «اگر مرا شازده خوانده اند که گناه من نیست. اگر این کله خرها هر چیز را که به کله شان می رسد، می نویسند، می توانم جلوی شان را بگیرم. شاید مرا میکائیل ملک بخوانند؟» سفیر در حالی که خشمش اوج می گرفت، گفت: «برو، برو دیگر حرف نزن. کسی که دوست می گزیند با هویتی دروغین، کسی که خود را فرزند شاه معرفی می کند و کسی که در نهان و با حیوانات نجس و ناکس نشست و برخاست می کند، چنین آدمی را باید دم دهانه توپ گذاشت. مردا آخر من برای خودم کسی هستم، شاه ما برای خودش

حاجی بابا اصفهانی در انگلستان (۳۲)

سفیر با لنگه کفش به جان حاجی بابا افتاد

باز نشر

ایران می کشیدم و زمانی دیگر با امید دادن به خود برای آینده ای پرشگون تر و مستقل از هر کس و هر چیز از طریق تصاحب بسی ماهروی، جان تازه ای می یافتم. آرام آرام در یکی از خیابانهای اصلی شهر می رفتم که متوجه گروهی از سپاهیان شدم که کاملاً مسلح بودند

و همراهشان چندین توپ بود و در پی آنان توده عظیمی از کثیف ترین و شوریده ترین مردم انگلیس در حرکت بودند و هوا را با فحشهای خود می آلودند و گاهگاهی به سربازان سنگ می انداختند. متوجه خشمی شدم که در چهره های بعضی از آنان بود، در حالی که گروهی دیگر کاملاً بی اعتنا بودند. از مردی که از فروشگاه بیرون آمد تا ببیند چه شده، پرسیدم: «چه خبر است؟» مرد گفت: «آه، فکر می کنم آنان می خواهند یک نفر را دستگیر کنند.» - فقط برای یک مرد؟ اگر برای دستگیری یک مرد به این همه نیرو نیاز دارید، برای گرفتن یک شهر چه تعداد نیرو لازم دارید؟

آنچنان مجذوب این صحنه غریب شده بودم که مصائب و بدبختی های خود را فراموش کردم ولی فوراً با شتاب خود را به خانه رساندم. فکر کردم سفیر باید بداند وضع از چه قرار است. فرمانی



برگرداند و ایران را با تصویری همانند دوران خاقان مغفور و حاجی بابای اصفهانی و ملاهای جهادگر به دنیای قرن بیست و یکم معرفی کند.

کسی است. با ریش ما که نباید بازی کرد برای این که پسر دلاک اصفهانی می خواهد برای خودش کسی شود.» گفتم: «والله بالله، به خدا، میرزا من در این خصوص کاری نکردم. اگر خوردن شام گناه است، من مرتکب گناه شده ام. اگر نام دوستان جدید من در شمار حیوانات نجس است، گناه من نیست. این نتیجه یک تصادف و از بخت و اقبال است که با آنان آشنا شده ام. من بچه دلاکم، این درست است، اما چرا باید در دهانه توپ گذارده شوم؟ چرا این قدر کم لطف هستید؟ چرا این قدر نسبت به من نامهربان هستید؟»

در این هنگام صدای هر دوی ما اوج گرفت. دو سه تن از خدمتکاران به اتاق خزیدند و در برابر معلم ایستادند. معلم انگلیسی که اوضاع را پس می دید، با شتاب اتاق را ترک کرد. سفیر خطاب به سید و غلام سیاه خود و تقی فراش باشی، تمسخرکنان گفت: «ماشاءالله، ماشاءالله شازده را می بینید؟» و به من اشاره کرد. «به ایشان تعظیم بلندبالایی کنید. ما دیگر کسی نیستیم. ما در برابر ایشان خاک پای ایشان هم به حساب نمی آیم.» گفتم: «این حرفها چیست؟» و خشمم اوج گرفت: «چرا این طور با من حرف می زنید؟ اگر اوقاتتان را با ما صرف کنید و کمتر با این کفار باشید، ناچار نمی شویم به خانواده هاگ پناه ببریم.» سفیر غرش کنان گفت: «تو با من اینطوری حرف می زنی؟» صورتش از خشم سرخ و یک یک موهای ریشش سیخ سیخ شده بود: «فراموش کرده ای من که هستم ای نامرد؟ آن وزیر، آن گاو پیر دیگر زنده نیست که بخواهی از این قیافه ها بگیري. یادت باشدها! بچه دلاک ممکن است در انگلستان شازده شود، اما وقتی به ایران برگردد کمتر از سگ دلاک است. برو، برو» و به دستش حالت تحقیر آمیزی داد: «برو دنبال کارت و دیگر چشمم به تو نیفتد.»

در حالی که از اتاق بیرون می رفتم، گفتم: «ان شاءالله که این طور باشد.» اما این کلام آخر آتش خشم او را شعله ور کرد و از خشم بنای فریاد گذاشت و به خدمتکارانی که ایستاده بودند فرمان داد: «باز هم حرف زد. بگیریدش، سید! بگیرش، تقی! بگیرش آن سگ پدر را، بگیرید تا با لنگه کفش حسابش را برسم. باز هم حرف زد؟ باز هم می خواهی حرف بزنی؟ به قبر پدرت تعوط کردم.» در پی این سخن سفیر به طرف من، لنگه کفش به دست، هجوم آورد و دو سه ضربه به دهانم زد و در همان حال سید و تقی دستهای مرا گرفته بودند. من فوراً خود را آزاد کرده از پله ها پایین رفتم و خدمتکاران دوان در پی من؛ تا این که به در خانه رسیدم که آن را گشودم و ظرف یک ثانیه در میان خیابان بودم. با خود فکر کردم: حالا کجا می توانم بروم؟ مسجدی یا حرمی در کار نیست تا در آنجا پناه جویم و نمی توانم آن گونه که در تهران ممکن بود در حمام گرمی، جای امنی بیابم. غیر از خانواده هاگ چه کسی را می شناسم؟ و اگر به نزدشان بروم نه در مقام یک شاهزاده که به عنوان آدمی رانده شده، باز هم مرا می پذیرند؟

چند ساعتی در خیابانها پرسه زدم. زمانی اندوه سرنوشت تلخ خود را داشتم و نقشه هایی غیر ممکن برای بازگشت به

آنچنان مجذوب این صحنه غریب شده بودم که مصائب و بدبختی های خود را فراموش کردم ولی فوراً با شتاب خود را به خانه رساندم. فکر کردم سفیر باید بداند وضع از چه قرار است. فرمانی که از سوی شاه اخیراً واصل شده بود و من آن را خوانده بودم، مؤکداً تصریح داشت که مشخص کنیم وضعیت آن کشور چه گونه است و نیز وضعیت ثبات حکومتی آن و ناگاه قرار دادن از آنچه به نظر من نشانه زوال بود، گناهی نابخشودنی بود. شاید هم فکر کردم با این خبر فراموش خواهد کرد که بین ما چه گذشته و بار دیگر ممکن است مرا مورد لطف خود قرار دهد. در هر حال با قبول خطر ضربه لنگه کفش دیگری بر دهانم، به او خواهم گفت که کشور در چه بحرانی فرو غلتیده و اگر این شورش که ظاهراً نقطه آغازش بود، ادامه پیدا کند، لازم است که در اندیشه تأمین خود باشیم.

خیلی زود به خانه رسیدم، اما سفیر از خانه خارج شده بود. هم میهنان من آنچنان به تنک خوردن با لنگه کفش بر دهانشان و دیگر آزارها خو کرده بودند که ابداً توجهی نداشتند بین من و سفیر چه گذشت. محمد بیگ، تنها کسی بود که دلسوزی نشان داد و در بدبختی من شریک شد. ما درباره آن قضیه بحث کردیم و وقتی آرزویش را چنین بیان کرد که چه می شد باز هم در ایران بود و در امنیت، آهی کشید. وقتی به او گفتم در خیابان چه دیدم که شبیه آماده سازی برای جنگ بود و نیز از آن چه آن مرد گفته بود که خانی یا فرمانداری سر به شورش برداشته و این که ممکن است ما در معرض خطر قرار بگیریم و خون و خونریزی شود، او رنگ باخت و دو سه بار یک نفس استغفرالله گفت. ما هر دو چشم به راه بازگشت سفیر بودیم تا میباد در مطلع ساختن او از این ماجرا تأخیر کنیم و شروع کردیم به حساب کردن که چه وقت می توانیم سفر بازگشت خود را شروع کنیم.

محمد بیگ گفت: «فکر می کنم زمانی که از میر کافران را ترک می گفتیم وقت ناخوش و زمان نجس بود، چرا که همیشه در ذهن من بود که اگر فقط یک هفته بیشتر در از میر می ماندیم، آن وقت یکی از بهترین تقارنهای فلکی که در آسمان رخ می دهد، واقع می شد. اما آن مهماندار گور به گوری، لعنت به ریشش، بی اعتنا به هر قرار و قانونی، چه انسانی یا آسمانی، با شتاب ما را به راه انداخت و دیدی که آخر چه شد؟ شورش در میان کفار و شاید از دست دادن جان خود و یا به بردگی کشیده شدن توسط جناح فاتح، حاجی، حالا باید چه کنیم؟»

کوشیدم به او آرامش دهم با این سخن که انطورها هم که فکر می کند چه بسا خطر خیلی هم نزدیک نباشد و این که شاه انگلیس قدرت را در دست دارد و این که او به وقایع پرنس پر قدرتی است و صاحب توپخانه و کشتیهای متعدد و این که ان شاءالله شورش خان شورشی را که موجب نگرانی دولت شده فرو می نشاند و اگر آن خان را دستگیر کند، گردنش را می زند و افراد خانواده اش را اعم از زنان، فرزندان و خویشانش را همانند کشور ما به جلا می سپارد و همه چیز خیلی زود به روال پیشین بازمی گردد. محمد بیگ با آهی عمیق گفت: «ان شاءالله، ان شاءالله، اگر خدا بخواهد.»

«دنباله دارد»

بازداشت پنج درویش گنابادی در دزفول



وسایات «مجدوبیان نور» خبر داده است، دادسرای دزفول، روز سه‌شنبه ۲۳ آذر، پنج نفر از درویش گنابادی را که به دلیل اعتراض به سخنرانی توهین آمیز عده‌ای طلبی جوان علیه اهل طریقت و عرفان تحت تعقیب و پیگرد قضایی بودند، به علت عدم تودیع وثیقه، بازداشت کرد.

به گزارش «مجدوبیان نور»، این پنج درویش گنابادی به نام‌های غلامرضا ابرکار، مسعود مجدوسی، حسن دیابور، قاسم مانگری و بهنام ملکی پس از بازجویی توسط بازپرس، حاضر به پذیرش وثیقه‌ی اعلامی مقام قضایی نشده و روانه‌ی زندان شدند.

بنابر این گزارش، دادستانی این شهرستان همچنین علیه آقای ابراهیم شنبیدی، وکیل درویشان یادشده اعلام جرم کرده است. دادستانی دزفول اتهام آقای شنبیدی

مدیرعامل سازمان بهشت زهرا: در هفته آلوده‌ی تهران ۱۲۹ فوت ناشی از سکت قلبی رخ داد

مدیرعامل سازمان بهشت زهرا تهران می‌گوید در بازه زمانی ۲۲ تا ۳۰ آبان ماه ۹۵ به علت آلودگی هوا بیشترین علت فوت مربوط به انفارکتوس یا همان سکت قلبی بوده است. اکبر توکلی با اشاره به مرگ و میر شهروندان در هفته آلوده هوای تهران گفته سکت قلبی بیشترین عامل فوت طی یک هفته‌ای بود که هوای شهر آلوده بوده «به طوری که ۱۲۹ فوتی شامل ۷۵ مرد و ۵۴ زن به دلیل سکت قلبی فوت کردند».

به گفته او منطقه ۱۹ تهران کمترین تعداد متوفی دارد که تنها ۷ نفر در این بازه زمانی جان باختند، اما بیشترین تعداد متوفیان به منطقه ۱۲ اختصاص داشت و در قلب تاریخی تهران ۱۰۰ فوتی شامل ۵۳ مرد و ۴۷ زن را طی یک هفته‌ای که هوای پایتخت میزان آلاینده‌های بالاتری نسبت به قبل داشت، شاهد بودیم.

منطقه ۱۲ تهران شامل بهارستان، بازار، سرچشمه، امیرکبیر، باب همایون، ناصرخسرو، جنوب میدان فردوسی و لاله‌زار و میدان توخانه می‌شود. همچنین آمار بیشترین فوت شدگان مربوط به شهروندان بالای ۶۵ سال است که ۸۲۹ فوتی بوده که شامل ۴۵۸ مرد و ۳۸۱ زن می‌شود.

کشف گور دسته جمعی در تبریز و مسوولیت رژیم در حقیقت یابی



حنیف حیدرنژاد - به گزارش خبرگزاری رسمی ایسنا، روز شنبه ۲۰ آذر ۱۳۹۵ در محله ۴۰ متری شهر تبریز هنگام حفاری، یک گور دسته‌جمعی کشف شده است.

تصاویر منتشر شده انبوهی استخوان انسان‌ها را نشان می‌دهد که بر روی هم تلنبار شده‌اند. یک فیلم منتشر شده در این مورد نیز گونی‌های متعددی حاوی استخوان‌های جمع‌آوری شده از این مکان را نشان می‌دهد. در همین فیلم فرماندار شهر تبریز می‌گوید: «نظر اولیه این است که آنجا گور دسته‌جمعی نبوده است.» مشخص نیست فرماندار تبریز بر اساس کدام شواهد و اطلاعات کارشناسانه چنین نتیجه‌گیری را اعلام می‌کند.

یکی از احتمالات این است که این باقی مانده اجساد متعلق به مخالفین جمهوری اسلامی باشد که در دهه شصت اعدام شدند. علاوه بر همه‌ی سال‌های شصت خورشیدی، در مرداد و شهریور ۱۳۶۷ هزاران زندانی سیاسی با گرایش‌های مختلف فکری در حالی که دوران محکومیت‌شان را در زندان‌های کوچک و بزرگ در شهرهای مختلف ایران می‌گذراندند به فرمان روح‌الله خمینی رهبر جمهوری اسلامی به طور دسته‌جمعی کشتار شدند.

شناخته شده‌ترین گور گروهی مربوط به این دوران، گورستان خاوران در جنوب تهران است. اگرچه مقامات رسمی جمهوری اسلامی بعد از تقریباً سه دهه در این مورد سکوت می‌کنند، اما آیت‌الله حسینعلی منتظری که در آن زمان هنوز رسماً جانشین خمینی رهبر جمهوری اسلامی بود به این کشتارها اعتراض کرد. نوار صدای او در گفتگو با مسئولین آن زمان، معروف به اعضای «هیئت مرگ» در تابستان امسال به عنوان یک سند حقوقی و تاریخی منتشر شد و هرگونه تردید و ابهام در این مورد را برطرف کرد.

حتی اگر باقی مانده اجساد کشف شده در تبریز مربوط به مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی نباشد، کماکان این سوال باقی است که این انسان‌ها چه کسانی بودند و این اجساد در آنجا چه کار می‌کنند؟

بسیاری از کشورها در کشف گورهای دسته‌جمعی تجربیات زیادی دارند. بسیاری از نهادهای بین‌المللی نیز در این مورد آماده همکاری‌اند. با روشن شدن چند سوال ابتدایی، می‌توان دقیق‌تر نظر داد که این گور دسته‌جمعی چه حقایقی را دل خود نهان دارد. پاسخ به این سوال‌ها با توجه به پیشرفت علمی و تکنولوژی مدرن امری ساده، اما البته بسیار ظریف و دقیق است. با روش‌های مدرن امروزی می‌توان با آزمایش‌های مشخص به این سوال‌ها پاسخ داد:

- این اجساد مربوط به چه تعداد انسان است.
- این افراد در زمان مرگ چند سال داشته‌اند.
- جنسیت آنها چه بوده است.
- تاریخ مرگ آنها چه زمانی است.
- علت مرگ آنها چه بوده است؟

همچنین با دقت در اطراف این استخوان‌ها می‌توان برخی وسایل یا اجسام دیگر را یافت که به نوبه خود می‌توانند در تعیین هویت افراد و یا روشن کردن برخی جزئیات مفید باشند. مثلاً باقی‌مانده کفش یا لباس، وسایلی که آن افراد با خود داشته‌اند مانند انگشتر، گردنبند و اگر آنها بر اثر تیرباران کشته شده باشند، شاید بتوان در آن اطراف باقی مانده پوکه‌های فشنگ یا گلوله‌های باقی مانده در بدن را پیدا کرد.

تحقیق در این مورد نیازمند افراد آموزش‌دیده و مجرب و آزمایشگاه مجهز و روش‌های دقیق کار تخصصی و علمی است. استخوان‌های کشف شده چه متعلق به مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی باشند چه نباشند، فشار افکار عمومی به جمهوری اسلامی برای اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف در مورد گور دسته‌جمعی در تبریز و برخورد توأم با احترام با باقی مانده این اجساد، فرصت مناسبی برای ناگزیر کردن رهبران این نظام به پاسخگویی است. هرچند این رژیم هیچگاه تن به روشن کردن حقیقت نمی‌دهد، اما فرار علنی آن از پاسخگویی، خود یک نوع پاسخ و واکنش است و هر چه بیشتر ماهیت آن را برای نسل‌های جوان‌تر روشن می‌کند، خودداری رژیم حاکم در پیشبرد روند حقیقت‌یابی دقیق و کارشناسانه و عدم اطلاع‌رسانی شفاف در این مورد، هرچه بیشتر این احتمال را تقویت خواهد کرد که باقی مانده اجساد کشف شده در گور دسته‌جمعی در تبریز برگ دیگری از جنایات این رژیم است که اکنون سر از خاک بیرون آورده است.

جایزه ساخاروف ۲۰۱۶ به دو زن ایزدی رسید



کردن آن چیزی است که شاهدش هستیم و مجازات عاملان نابودی ماست. می‌خواهیم که مجازات دادگاه بین‌المللی کیفری چون شوند و از اقلیت‌های کوچکی چون ایزدی‌ها و مسیحیانی که در عراق و سوریه زندگی می‌کنند حفاظت شود.

جایزه ۵۰ هزار یورویی ساخاروف در سال ۱۹۸۸ و به نام آندره ساخاروف دانشمند، منتقد و از مخالفان نظام شوروی سابق توسط پارلمان اروپا بنیاد نهاده شد و هر ساله به افراد یا سازمان‌هایی که عمر خود را صرف دفاع از حقوق بشر و آزادی اندیشه می‌کنند اهدا می‌شود.

این دو زن توسط نیروهای داعش اسیر شدند و از آنها به عنوان برده جنسی سوء استفاده می‌شده، اما موفق به فرار شدند

پارلمان اروپا جایزه ساخاروف سال ۲۰۱۶ را به دو زن ایزدی به دلیل فعالیت‌های حقوق بشری اهدا می‌کند، آنها در اسارت داعش بودند، اما موفق به فرار شدند.

نادیا مراد و لمیاء حاجی بشار، دو زن عراقی هستند که دو سال پیش در جریان اشغال روستای محل زندگی‌شان به همراه تعدادی دیگر از زنان و دختران روستا توسط داعش به بردگی گرفته شدند. آنها مجبور به بردگی جنسی شده بودند.

اما این دو پس از سه ماه از دست داعش فرار کردند و به اروپا رفتند و پس از آن در افشای جنایات این گروه تروریستی نقشی مهم داشتند. هر دوی آنان در آستانه اهدای جوایز با یورونیوز گفتگو کردند.

لمیاء حاجی بشار به یورونیوز گفته است: «از دریافت این جایزه خیلی خوشحالم. دریافت این جایزه برای من

شهبانو فرح: می‌خواهم نسل‌های آینده مرا ... از صفحه ۶

مانند خانواده و یا سیاست صحبت می‌کنیم. ما سعی می‌کنیم هر چه بیشتر به مراکش، کشوری که مورد علاقه‌ی ماست، برویم. من در کنار رضا احساس می‌کنم که پشتیبان دارم.

● **آیا شاهزاده رضا نکاتی از شخصیت پدرش به ارث برده است؟**

— والا حضرت رضا شخصیتی بسیار قوی دارد. به من یاری می‌دهد که در زمان حال زندگی کنم و آینده را در نظر بگیرم. او می‌تواند خود را از یادبودها و خاطرات گذشته رها کند برای آنکه بتواند به پیش برود. وی عاشق ورزش است و یک عکاس زبردست شده است. در بسیاری از نکات، من صفات پدرش را مانند توانایی تجزیه و تحلیل و توجه به جنبه‌های خوب همه چیز در او می‌بینم. او آماده برای هر کاری هست و با همه دمساز است.

● **شما وقت خودتان را بین پاریس و واشنگتن می‌گذرانید. برای چه در آمریکا خانه خریدید؟**

● **چگونه می‌توانید عمل آنان را توجیه کنید؟**

— حتی امروز هم فهم اقدام آنان دشوار است. البته می‌دانم تصمیم آنان قاطع و تغییرناپذیر بود. من تلاش می‌کنم از حضور و وجود شاهزاده رضا و شاهدخت فرحناز و چهار نوهام لذت ببرم. از جهتی مرگ لایلا و علیرضا مرا به هم می‌پهنانم که آنان نیز مانند من فرزندان‌شان را در شرایطی دردآور از دست دادند، نزدیکتر کرد. می‌دانم که بسیاری از آنان به من به دیده‌ی یک نمونه می‌نگرند. به همین دلیل باید سر پا باشم و قدرت خود را نشان بدهم.

● **روابط شما با پسران رضا و عروس‌تان چگونه است؟ آیا آنان را مرتب می‌بینید؟**

— روابط من با آنان عالی است. ما یکدیگر را در واشنگتن و به همان میزان در پاریس که من قسمت عمده وقت‌ام را در آنجا می‌گذرانم، می‌بینم. وقتی از یکدیگر دور هستیم به هم تلفن می‌کنیم و درباره‌ی هر موضوعی

ده‌ها تن از شاگردان محمدعلی طاهری، در حمایت از او خودشان را تحویل اوین دادند



به نوشته‌ی وسایات «خبرگزاری عرفان»، ده‌ها تن از شاگردان محمدعلی طاهری صبح روز سه‌شنبه ۲۳ آذرماه، در اعتراض به ادامه بازداشت غیر قانونی او، به زندان اوین مراجعه کرده و در حمایت از این زندانی عقیدتی، خواستار بازداشت خود شدند.

به گزارش خبرگزاری عرفان (انا)، معترضان که خود را عضو کمیته «یا آزادی یا مرگ» خوانده‌اند، با در دست داشتن پلاکاردهایی با شعار «اگر اندیشیدن جرم است، ما هم مجرمیم» سه‌شنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۵ (۱۳ دسامبر ۲۰۱۶)، به زندان اوین مراجعه کرده و مامورین امنیتی پس از ضبط گوشی‌های تلفن و ثبت مشخصات، آن‌ها را بازداشت کردند. آنها از مسولان این زندان خواستند که «به همان جرمی که محمد علی طاهری در زندان است، زندانی شوند.» بنا به گزارش «عرفان»، گفته شده «بازداشت‌شدگان کوچ اولین گروه از شاگردان محمد علی طاهری به زندان اوین، پس از بازداشت به زندان‌های زنان شهر ری (فرچک ورامین) و زندان بزرگ تهران (فشافویه) منتقل شده‌اند.»

گزارش‌های غیررسمی حاکی از آن است «برخی از بازداشت‌شدگان پس از بازجویی در دادسرای اوین آزاد شده‌اند.»

ملیکا کاوندی، ابراهیم سلامت، وفا خسروانی، بهاره رادکیان‌پور، بهارک آذرینیا، علیرضا رشوندی، احترام هداوند، محسن باقری، الهه یاسی، مرضیه درودیان، سارا کاوندی، احسان حدادی، فاطمه حسین علی‌آبادی، علی عبدالملکی، ناهید ربانی، رها داودیان، محمد آباریان، اکرم درویشی، امیرحسین میرخلیلی، فرناز عزیززاده، حبیب او هستند، گفته‌اند: «شهادت می‌دهیم نه محمد علی طاهری و نه شاگردانش، هیچ عمل خلاف قانونی مرتکب نشده‌اند.»

آنها در نامه‌ای به رییس زندان اوین نوشته‌اند: «ما نه فرقه‌ایم و نه اندیشه‌های فرقه‌گرایانه داریم. از افشار مختلف جامعه‌ایم که تنها به دنبال ارتقای معنوی خود هستیم.»



دیگر کشورها به ویژه مناطقی که به طور سریع در آفریقا و جنوب آسیا تاسیس شدند، ضعیف تر مانده اند. این شبه دولت ها عمدتاً منافع عمومی و خصوصی را ترکیب کرده و درآمد سالانه ی حاکمیت دولت ها را به آزمون گذاشته اند.

شبکه های دیجیتال قدرت، آزمون دولت ها خواهند بود

سوم، دولت ملت ها و شبه دولت ها از سوی شبکه غیرمتمرکز ائتلاف ها و کنشگران غیردولتی که خیلی از آنها فناوری اطلاعات و تکنولوژی را در اختیار دارند، تحت فشار قرار خواهند گرفت. شرکت های چندملیتی اکنون به شدت در شکل دادن به سیاست های ملی دخیل هستند. بنابراین منظومه ای از سازمان های غیردولتی و اتحادیه ها و گروه های مذهبی و دیگران با یکدیگر همکاری سازنده ای دارند تا علیه هم کار کنند. این شبکه های دیجیتال قدرت، یکی از آزمون های کلیدی برای دولت ملت ها خواهند بود. گسترش فناوری های جدید رویه های تازه ای از تصور دموکراسی مشورتی را ارائه می دهد و البته همزمان آن را به خطر نیز می اندازد. چهره ی این جامعه را چنین می توان ترسیم کرد: ظهور سودها و فرصت های فوق العاده در کنار خطرات مهم و تصوراتناپذیر؛ از نابودی مشاغل کم مهارت گرفته تا حوادثی تلخ چون اشکال جدید جنگ و تروریسم و گسترش جنایت و تبهکاری.

چهره ی جغرافیای قدرت نیز در حال تغییر است

چهارم، دولت ملت ها شاهد تقویض قدرت ها به شهرها هستند. تداوم رشد شهرنشینی را می توانیم تا حدی در این مورد مقصر بدانیم. حجم تعدادی از شهرهای بزرگ و متوسط از دهه ۵۰ میلادی ده برابر شده است. امروزه ۲۹ کلان شهر داریم که جمعیت هر کدام از آنها بیشتر از ۱۰ میلیون نفر است. ۱۶۳ شهر بیش از ۳ میلیون و حداقل ۵۳۸ شهر بالغ بر ۱ میلیون نفر جمعیت دارند. شهرها دیگر فقط هنجار جو نیستند بلکه آنها هنجار ساز نیز شده اند. نسل جدیدی از شهرداران و ائتلاف های شهری مشغول این هستند که شهرها در روابط بین المللی جای داشته باشند. جای تعجب نیست که به واسطه ی شهرهایی که به طور فزاینده با یکدیگر و همچنین با دولت ملت ها بر سر آب و غذا و انرژی رقابت می کنند، چهره ی جغرافیای قدرت نیز در حال تغییر است.

سلسلیا ساسن، جامعه شناس و اقتصاددان آمریکایی، شرح می دهد که در شهرهای جهانی چطور مقررات زدایی و خصوصی سازی اقتصادی کلید جهانی شدن شهرها در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی بوده است. این امر به نوبه خود به شدت تقاضا برای استعدادهای تخصصی را که در نوسازی افراطی سهم دارند، افزایش داد. چنانکه امروز در میان ساکنان لندن و نیویورک و شانگهای و هنگ کنگ شاهد آن هستیم. تمامی این پیشرفت ها اساساً تغییر یافت زندگی شهری را به دنبال داشته و سوال های زیادی در مورد پایداری و ثبات آنها ایجاد کرده است.

چالش های بی شماری پیش روی دولت ملت های دهه ی آینده است. تا به امروز، ۳۶۸ سال این نوع حکومت داری جان سالم به در برده، اما با توجه به مقیاس و شدت چالش های جهانی این خطر هست که دولت ملت تبدیل به نیروی نادرست و ناپهنگام و دشمنی برای بقای جمعی و جامعه ی بشر شود.



خواهد کرد. قدرت های تثبیت شده ی قرن بیستم مثل آمریکا و اتحادیه اروپا به سرعت اهمیت و نفوذ خود را به کشورهایی چون چین و هند واگذار می کنند که با سرعت بیشتری در حال رشد هستند. اتحاد کاذب قدیمی پس از جنگ جهانی دوم جای خود را به ائتلاف جدید آسیا و آفریقا خواهد داد. در حالی که این شکل بندی دوباره، بازتابی از تغییرات سیاسی و اقتصادی و جمعیتی منطقه است، اما این کشورها در عین حال خطر افزایش نوساناتی چون جنگ را افزایش می دهند.

شبه دولت ها عمدتاً منافع عمومی و خصوصی را ترکیب کرده اند

دوم، تمرکززدایی از قدرت دولت ملت ها موجب رواج لایه های موازی حکومت شده است. در واقع دولت ملت ها خود مشغول ایجاد مناطق بسته قانونی و فیزیکی هستند تا با کارکردهای هسته ای نهادهای خصوصی ارتباط بگیرند. بیشتر از ۴ هزار منطقه ی ویژه اقتصادی به ثبت رسیده وجود دارد، از مناطق آزاد تجاری و فرآیند صادرات گرفته تا بنادر آزاد و پارک های نوآوری همگی در تمام دنیا گسترش یافته است. بسیاری از آنها که در چین و مالزی و کره جنوبی و امارات متحده عربی تاسیس شده اند موفق به نظر می رسند در حالی که

برای نمونه، مکزیکوسیتی صد هزار نیروی پلیس را در خود جای داده که این تعداد از مأموران اجرای احکام قضایی ۱۱۵ کشور جهان بیشتر است. بودجه ۸۲ میلیارد دلاری نیویورک از بودجه ملی ۱۶۰ کشور بیشتر است. در همین حال جمعیت کلان شهرهایی چون سنول

Current and projected military spending (USD billions/ % of GDP, 2015 and 2030)

	2015	2030 (estimated)
U.S.	597 (3.3%)	967 (3.8%)
China	145 (1.8%)	627 (2%)
India	48 (2.3%)	306 (2.5%)
Russia	65 (5.4%)	163 (4%)
Germany	36.7 (1.2%)	60.3 (1%)
Japan	41 (1%)	60 (1%)

Source: 2030 estimates based on SIPRI 2016 data

هزینه نظامی فعلی و پیش بینی هزینه های نظامی در آینده برحسب بیلین دلار / GDP (تولید ناخالص داخلی) به درصد

حکومت های موجود هستند. انقلاب صنعتی چهارم این تغییر را شتاب بخشیده است. همان طور که آن ماری سلاتر، استاد علوم سیاسی آمریکایی، شرح می دهد: «دولت ملت ها جغرافیای سنتی هستند اما جهان تجارت و شبکه های مدنی و شبکه های جهانی، عرصه ی بازی دولت مردان را پیچیده کرده است». به نظر وی دولت زنان باید به منظور بسیج و بهره گیری از قدرت های غیردولتی کار تجاری بیاورند تا همان کارهایی را انجام دهند که سیاست با قدرت دولتی انجام می دهد.

چهار تهدید برای ساختار دولت ملت

اغلب دولت ملت ها در دهه های آینده پایدار خواهند ماند، اما جریان هایی هست که آنها را تحت فشار قرار خواهد داد.

اول، توزیع مجدد قدرت بین تعدادی از دولت ملت ها که به شدت نظم موجود جهانی را دچار اختلال

با روی کار آمدن دونالد ترامپ (متمثل تر شده) همچنان مسیر سیاست های بین المللی را نابود خواهد کرد.

دولت ملت ها تنها شکل سازمان سیاسی و اقتصادی نیستند. آنها هم اکنون در حال واگذاری حاکمیت و قدرت و نفوذ خود به اشکال بدیل

شدن - موجبات ظهور مدل های بدیل حکومت های تا کنونی را... فراهم آورد. حکومت هایی مانند چین و روسیه و همچنین برخی کشورهای اروپا با دولت های ملی غیرلیبرال». دولت ملت های بزرگتر به دور از تجربه ی کاهش قدرت سخت خود، به طور پیوسته قابلیت های نظامی شان را افزایش می دهند. ده کشوری که بیشترین هزینه ها را در سال ۲۰۱۵ در زمینه ی نظامی داشته اند، آمریکا، چین، روسیه، هند، ژاپن و آلمان هستند. برخی از این کشورها - همگام با خریداران اصلی تجهیزات نظامی همچون اسرائیل و عربستان سعودی - مشخصاً در حال آماده سازی خود برای درگیری های دهه ی آینده هستند. فقط اینها نیستند. مخارج دفاعی جهان از اواخر دهه ۹۰ به طور پیوسته افزایش داشته و سال پیش به ۱۰۶ تریلیون دلار رسیده است. این روند قرار است در دهه ی آینده هم ادامه داشته باشد.

بازگران اصلی در دهه ۲۰۳۰

همین دولت ملت های بزرگ هستند که تسلط اقتصادی خود را نیز تداوم خواهند بخشید. کشورهایی مانند ایالات متحده، چین، ژاپن، آلمان، هند و در مقیاس کمتری روسیه، در سال ۲۰۱۵ بیشترین تولید ناخالص ملی را داشته اند. اگر این آمار را در مورد قدرت خرید تنظیم کنیم، چین از آمریکا و روسیه هم پیشی گرفته و در رتبه اول قرار می گیرد. این کشورها در دهه ی ۲۰۳۰ نیز بازگران اصلی خواهند بود و در کنار آنها برزیل و کانادا و فرانسه و ایتالیا و مکزیک و اندونزی و دیگران قرار خواهند داشت. فروپاشی تماشایی بازارهای جهانی یا درگیری های فاجعه بار مسلحانه (که هردوی آنها

● دولت ملت های بزرگتر پیوسته قابلیت های نظامی شان را افزایش می دهند
● جغرافیای قدرت در حال تغییر است
● مناطق شهری گسترده در زمینه های سیاسی و اقتصادی در حال رقابت با دولت ملت ها هستند

چشم انداز سیاسی جهان در سال ۲۰۳۰ نسبت به اکنون تغییرات مهمی خواهد داشت در حالی که دولت ملت ها همچنان بازیگران سیاست بین المللی خواهند بود.

روبرت موگا با این پیش بینی در مقاله ای در وبسایت «مجمع جهانی اقتصاد» نوشته در دنیای آینده تنها یک نیروی هژمونیک و مقتدر وجود نخواهد داشت بلکه تعداد آنها بیشتر خواهد شد که آمریکا، روسیه، چین، آلمان، هند و ژاپن در بین آنها خواهند بود و گرایش های شبه امپریالیستی خود را به رخ خواهند کشید. قدرت، بیش از پیش بین شبکه های غیردولتی توزیع خواهد شد از جمله نیروهای ارتجاعی که روی به گذشته دارند. نظمی که پس از جنگ و در اوایل قرن بیستم مستقر شد، متزلزل می شود و به نظر می رسد نوعی بی ثباتی و ابهام پیش روی ما است. دولت ملت ها در حال بازگشت هستند آن هم در حالی که بزرگترین آنها به شدت مشغول جهانی تر کردن خود هستند و همزمان مرزهای ارضی و دیجیتال خود را تقویت می کنند. از آنجایی که یورش سیاست های ارتجاعی در سراسر جهان بیش از پیش نمایان شده است، هیچ تضمینی وجود ندارد که این قلمروهای ارضی وسیع و اقمار آنها در آینده الزاماً لیبرال تر و دموکراتیک تر شوند.

در عوض، تغییرات بی امان اقلیمی، مهاجرت، تروریسم، نابرابری و تغییرات سریع تکنولوژی به اضطراب، ناامنی و از قرار معلوم به پوپولیسم و ظهور استبداد خواهد انجامید. این طور که معلوم است حاکمیت چهارصد ساله ی دولت ملت برای چند دهه ی دیگر نیز ادامه خواهد یافت.

البته قرار نبود چنین شود. در طول دهه ۱۹۹۰ دانشمندان متفکران، زوال و سقوط دولت ملت را پیش بینی کرده بودند. انتظار می رفت جهانی شدن این روند را شتاب ببخشد. با توجه به پیروزی آشکار لیبرال دموکراسی، گسترش سرمایه داری و بازار آزاد همراه با وعده ی دخالت حداقلی دولت که فرانسوی فوکویاما با «پایان تاریخ» و محو ناپهنگام دولت ملت ها پیش بینی کرده بود، آینده ی دیگری را تصویر می کرد. صد سال پیش نیز ادعایی مشابه در مسیری دیگر مطرح شده بود: فریدریش انگلس «زوال دولت» را در پی پیروزی سوسیالیسم پیش بینی کرده بود.

پایانی بر پایان تاریخ

شایعه ی فرا رسیدن مرگ «دولت ملت» اما بیش از حد اغراق آمیز بود. اتفاقاً «پایان تاریخ» هنوز فرا نرسیده و لیبرال دموکراسی در اوج خود نیست. میشا گلنی، ژورنالیست و نویسنده ی انگلیسی، مدعی است که «فوکویاما و دیگران تکبر غرب و حرص و طمع سرمایه ی مالی را که منجر به یکی از جدی ترین بحران های سیاسی و اقتصادی از زمان رکود بزرگ شد دست کم گرفتند. این شوک ها - همراه با واکنش های نادرست علیه جهانی